نذير يكى از هنرپيشه گان
فلم «وشعرها نا سروده ماندند»
رجوع به صفحه ۱۲

بناغلی رئیس دولت وصدراعظم اعتمادنامه

سفیر کبیر غیر مقیم اطریش را پذیرفتند

بناغلی رئیس دولت وصدراعظم سفیر کبیر غیر مقیم اطریش رادر قصر ریاست جمهوری پذیر فتند

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که دکتور البرت فلز سفیر کبیر غیر مقیم اطریش در افغانستان روز ۱۸ عقرب اعتماد نامه‌اش رامطا بق مراسم معمول به بناغلی محمد داود رئیس دولت وصدر اعظم در قصر ریاست جمهوری تقدیم نمود.

درین موقع بناغلی وحید عبداله معین سیاسی وزارت امور خارجه وبناغلی محمداکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز حا ضر بودند.

متن پیام بناغلی رئیس دولت وصدراعظم

به مناسبت پنجاهمین سالگــرد لیسه امانی

مسرت دارم که پنجاهمین سال تاسیس یکی ازمراکز علمی وفر هنگی افغانستــان تجلیل میشود .

لیسه نجات باانقضای نیم قرن جوانــان وطن پرست وحساس به جامعه تقدیم داشته که در رشته های مختلف خدمات قابل‌قدری به‌وطن ومردم خویش بجا آورده اند .

بزرگداشت این روز رابه کلیهٔ استادان وشاگردان سابقه وحالیه لیسه نجات تبریك گفته وبه نسل جوان افغان توصیه میگرددكه به وجایب و مسئولیت های ملی خودمتوجــه بوده وآگاهانه از وقت تحصیل استفــاده نمایند بانیروی علم ودانش خویشتن رامجهز گردانند زیرا صیانت استقلال سیاسی وحفظ حاکمیت ملی باعلم ودانش میسر بــوده و زندگی بسعادت عصر ما برمبنای ساینس و تکنالوژی استوار است

دولت ومردم المان از ۵۰ سال باینطرف نظربه علایق دیرین دوستی بین مملکتین با لیسهٔ امانی دراعمار تعمیر جدید آن وسایر امور انکشافی افغانستان عزیز کمك وهمکاری صمیمانه کرده اند. مــن درحالیکه تحکیم مزید روابط دوستی رابین جمهوریت‌افغانستان وجمهوریت فدرالی المان آرزوکرده ازهمکاری های آندولت دوست ابراز امتنان می نمایم.

درهمین موقع لازم میدانم تالیسه مذکور به اسم موسس آن وبه نام اولی آن یعنی (لیسه امانی) مسمی گردد .

متن پیام رئیس جمهوردولت‌فدرالی آلمان به‌مناسبت پنجاهمین سالگردلیسه امانی

به مناسبت برگزاری مر اسم پنجاهمیــن سالگرد لیسه امانی تبریکات خودرا ابــراز میدارم .

ازنیم قرن به اینطرف افغانها والمانهــا برای بقای این لیسه وجهت انکشاف مزید آن به حیث رهنما اسلوب های تدریسی و درسی عصری مساعی بخرج داده‌اند . همکاری های آنهاکه‌به‌اساس احترام متقابله‌وحسن‌نیت حتی علایق دوستانه بنایافته مکتب مذکوررابه صفت یك مثال بارزروابط افغان و المــان درآورده است .

یقین دارم که لیسه امانی بش ازایــن نیزدرتحکیم همکاری توامیت دربین ملتیــن الم‌ان وافغان سهم خواهد گرفت .

اگریمان‌سفیر کبیرسویس‌صادر گردید

مدیریت اطلاعات وزارت امور خار جــه خبرداد ازجانب بناغلی محمد داود ر ئیس دولت وصدراعظم اگریه‌مان بناغــلــی شارل البرتر والد که‌بحیث سفیر کبیر سویس د ر جمهوریت افغانستان از طرف حکومت‌آنکشور مطالبه شده بود اخیرا صا در گردیده‌است.

نماینده دولت جمهوری افغانستان در بیستمین سالگرد انقلاب الجزایراشتراك كرد

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که‌دکتورعبدالواحد کریم سفیرکبیرغیرمقیم افغانستان درالجزایر اخیرا درجشن بیستمین سالگره آغاز انقلاب نوامبر ۱۹۵٤ الجزایرکــه طی مراسم خاصی درآنکشور تجلیل گردیــد بحیث نماینده دولت‌جمهوری افغانستان اشتراك نمــــــود .

نطاق وزارت خارجه گفت :

از شر مظالم حکومت پاکستان یکتعداد بلوچها با زنان واطفال شان بافغانستان پناه آوردند

جهت تامین معیشت مهاجرین بلوچ کمپ های مخصوص ایجاد شده است

نطاق وزارت امور خارجه روز ۲۰ عقرب اظهارداشت که ازچند روزباینطرف تعداد ی ازمردم بلوچ بازنان و اطفال خویش از شر مظالم حکومت پاکستان به خاك افغا نستان پناه آورده اند.

نطاق یاد آورشد که بتاریخ شانزد هم سنبله امسال بناغلی رئیس دولت وصدراعظم بااظهار اندیشه ازعواقب ناگوار عملیا ت نظامی پاکستان درمقابل آزادیخواهان بلو چ طی پیامی عنوانی سران کشور های اسلامی وسر منشی ملل متحد ومنشی عمومی کنفرانس اسلامی توجه ایشان رابه اوضاع رقت بار مردم بیگناه بلوچ که مورد تهاجم بیر حمانه قوای نظامی پاکستان قرار گرفته وبرخانمان ومزارع شان بمباردمان دایمی صورت میگرفت جلب کرده واظهار فرموده بودند که این امر وضعیت قابل نگرانی دابار آورده که برا ی صلح وامنیت دراین حوزه خطرا تی تو لید نموده است .

نطاق گفت بعداز ختم موعدالتیما تو م ۱۵ اکتو بر ذوالفقار علی بو تو صدر اعظم پاکستان علی الرغم اعلان تمدید آن بـرای دوماه دیگر ونشر کتاب جعلی سفید، عملیا ت قوای نظامی پاکستان مخصو صا قوای هوایی آنکشور بالای برادران بلو چ ماافـز ایش معتنابهی یافته ودراثر این تشدید عملیا ت ازتاریخ ۱۱ تا۱۹ عقرب ۲۳۰ نفر مهاجر بخاك افغانستان پناه آورده اند.

نطاق افزود که حکومت افغانستان بـرای این مهاجرین که تعداد زیادی از اطفال وزنان نیز دربین ایشان است کمپ مخصو صی ایجاد کرده وبه مقامات مربوطه امر داده است تـا اقدامات فوری وجامعی جهت تغذیه وحفاظت ایشان از سرما بعمل آورند.

سفارت کبرای اتحاد شوروی

پنجاه وهفتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را تجلیل نمود

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شو رو ی مقیم کابل پنجاه وهفتمین سالگره ا نقلا ب اکتوبر راضمن ضیافتی دران سفارت تجلیل نمود.

بدعوت بناغلی الکساندر میخا ئیلو یـچ پوزانوف سفیر کبیر آنکشور، بناغلی محمدنعیم دکتور محمد حسن شرق معـاون صدار ت عظمی ،بعضی از اعضای کابینه ،عده ازجنرال ها وصاحب منصبان ارشد اردو، ماموریـن رتبه ملکی، اعضای انجمن دوستی افغان و شوروی وکور دیپلوماتیك مقیم کابل باخانم هایشان اشتراك نموده بودند.

رادیو افغانستان ضمن نشر پر گرام خاص از روزملی کشور همسایه ما اتحادشورو ی استقبال نمود.

بناغلی علی احمد خرم وزیر پلان پنجاه و هفتمین سالگرد انقلاب اکتو بر را بـه سفیر کبیر شوروی درکابل وخانمش تبریك میگوید.

در شش ماه اول سال بیش از

۹۲ملیون متر پارچه نخی وسندی درسه فا بریکه نساجی تولید گردید .

یکصدوچهل هفت هزار مترپار چه نخی وسندی در فابریکات نساجی گلبهار ،پلخمری وجبل السراج درشش ماه اول امسال تولید گردیده اسـت.

یك منبع دافغان نساجی شرکت ضمن ارائه این خبر گفت درتولیدات نخی شش ماه اول امسال فابریکه ها نسبت بهمین مدت سال گذشته یکصدو شصت هزار ودوصد وچهل متر پارچه افزایش بعمل آمده اسـت .

منبع علاوه کردکه استقرار قیمت دربازار هاو جلو گیری ازقاچاق علاقه مردم رابیشتر بـه استفاده از تولیدات نساجی وطن جلب نموده که به اساس آن نساجی افغان درپلان توسعه وی خود به کمك وزارت معادن وصنایع زمینه افزایش ده ملیون مترپارچه را علاوه ازتولیدات موجوده درنظر گـرفتـه اسـت .

منبع متذکر شد پلان توسعوی شامل توریـد ماشین آلات جدید نساجی میباشد که اکنـون مطـالعـات آن جـریـان دارد .

منبع افزود که نساجی افغان ازفروش منسوجات بیش ازپنجصدو بیست وسه ملیون افغانی در شش ماه اول امسال بدست آورده اسـت.

لیسه امانی همیشه معیار سویه تعلیمی خود را استوار و محکم نگهداشته است

تعمیر جدید لیسه امانی که باشرایط‌خاص تعلیمی وانجنیری بنا یا فته است دارای تما م امکانات و وسایل‌درسی مانند کتابخانه ها قرائت خانه سالون، کنفرانس وسینما، میدان‌های‌سپو رت تا بستانی و ز مستانی اطاق های درسی ،ادارای ولابراتوارها میباشد .

* * *

لیسه امانی از شروع آن تاامروز بیش از (۱۱۲۵) نفر فارغ التحصیل تقدیم جامعه کرده است .

درعکس بناغلی دو کتور پـژ و ا ک ویوهاند دو کتور نوین با عدهٔ ا ز معلمین‌لیسهٔ‌امانی دیده میشوند

هفته گذشته با پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم توسط بناغلی و زیر معارف پنجاهمین سالگرد لیسه امانی تجلیل گردید .

پنجاه سال قبل نظر به ایجابات عصر وزمان بعد از حصول مجدد استقلال سیا سی کشور شا لوده تعلیم‌و ترتیب‌مطابق میتودهای‌عصری در مملکت گذاشته شد .

لیسه امانی بعد از لیسه ها ی حبیبیه و استقلال در سال ۱۹۲٤ بوجود آمد .

از آن تاریخ تا امروز لیسه امانی در راه تربیه اولاد این خاك قدمهای بزرگی بر داشته وشاگردان لایق تقدیم اجتماع نموده است . این لیسه وظایف خود را بحث یك مرکز علمی و فرهنگی بخوبی درك نموده و برای خود جای در میا ن مراکز دیگر فرهنگی کشور باز نموده است .

لیسه امانی که ابتداء در باغ علیمردان و در سال ۱۳۰٦ بصورت اساسی درباغ‌علم گنج‌منتقل گردیده‌این مکتب درابتداء دارای پنج‌شعبه بوده و (۲۵۰) شاگرد در آن تدریس می شدند در سال ۱۳۱٤ اولین دسته شش نفری ازین مکتب فارغ شد در ختم سا لهای تعلیمی جا ر ی جاری چهلمین دوره این لیسه به‌جامعه تقدیم خواهد شد .

روی همرفته از بدو تاسیس تا کنون (۱۱۲۵) نفر ازین لیسه فارغ شده اند در شروع تاسیس این لیسه که کشور ما هنوز بقدر کافی معلمین مسلکی نداشت اکثر استادان آلمانی جهت تدریس با استا دان افغانی همکاری می نمودند ومضامین ساینس مانندکیمیا، بیالوژی وفزیك در صنوف مختلفه بزبان آلما نی تدریس میگردید . بالتدریج وقتیکه معلمین تعلیمیافته افغانی بدستر س وزارت معارف قرار گرفت تدریس اکثر مضامین را استادان افغانی به عهده گرفتند .

در ابتداء تدریس‌زبان آلمانی‌درصنوف اول شروع میگردید . بعد از جنگ عمومی دوم این پرو گرام تغییر کرده و شاگردان زبان آلمانی را از صنف پنجم شروع میکردند .در این اواخر تصمیم گرفته شد تا تدریس زبان المانی‌ازصنوف هفتم‌آغاز گردد که البته این پروگرام فعلا هم دوام دارد .

در اواخر سال ۱۳۳۹ تعمیر لیسه امانی طعمه حریق شد اما در اثر فعالیت شاگر دان لیسه کتب و لوازم و مواد لابراتوار ها و وسایل درسی از حریق نجات داده شد ولی تعمیر لیسه بکلی از استفاده بر آمد نظر به شرا یط عصر و زمان ایجاب میکرد تا تعمیر

بقیه درصفحه ٦۲

یکتعداد از شا گردان در صحن‌لیسهٔ‌امانی

شنبه ۲۵ عقرب مطابق ۲ ذیعقده‌المکرم برابر با۱٦نوامبر ۱۹۷٤

مشکلات ترانسپورتی مردم

فراهم ساختن تسهیلات بیشترحیا تی برای اکثریت مر دم، هد ف عمده و اساسی دولت را در یك‌نظام‌مردمی تشکیل میدهد . و قتی یـك نظا م در اجتماع پایدار میماند کـه‌از پشتیبانی اکثریت‌مر دم‌برخوردار با شد. البته این ما مول و قتـــی بر آورده شده میتواند که مردم یـك کشور در تشکـل نظا م دلخواه شان‌سهم فعال داشته باشند. درواقـع همچو نظامی کـه از اراده ملـــت‌سر چشمه گرفته باشد « نظام‌مردمی» بـــو ده و از ینجـا ست که نـظا م‌مردمی دریك کشور جزآرامی‌وسعادت هرچه بیشتر مردم بچیزی نمـــی‌اندیشد .

خوشبختانه کشور عزیز ما که ازداشتن همچو نظامی بر خور داراست گامهای وسیعی در جهت فراهم‌آوری‌تسهیلات بیشتر اکثریت مردم در شئون مختلف حیاتی بر داشته‌است نظا م مترقی مادر صدد است تـــا هرچه زودتر مشکلات و پرابلمـــهای‌مردم در هر ساحه و رشته ازبیـن برداشته شود تاباازبین رفتن‌مشکلات‌وپرابلمها ازیکطرف آرامی ورفاهیت مردم میسر شده واز جانبی مردم‌آماده‌گردند تا در پیشرفت وارتقاء کشور شان سهم فعالتری بدوش گیرند .

روی این هدف دو لت جمهوری مـــاپلانهای وسیع انکشافی روی دست گرفته که تطبیق آن یکی بعد دیگـــرجریان دارد .

بو جود آمدن سیستم عصـــری‌ومنظم ترانسپور تیشن از جملـــه پرو گرامهائی است که توجه جـــدی‌دولت جمهوری را مبذول داشتـــه است چنانچه بنماغلی رئیس دولت وصدر اعظم دربیانیه « خطاب بمردم » شان به اهمیت این موضوع اشاره‌نموده میفرمایند :

« دو لت جمهوری بمنظور تسریع‌حمل و نقل و تا مین رفاه مردم‌وسایل ترانسپورتی عامه ودر درجـــه اول‌شرکت های بزرگ ترانسپور تی را رهبری و تقویه خواهد کرد و درامورسرویس های شهری برای مـــردم سهولت بیشتری را در نظردارد.»

ایجاد یك سیستم منظم و عصر ی‌ترانسپورتیشن درکشور عزیز ما که اکثریت مردم از داشتن و سایــــل‌ترانسپور تیشن شخصی محروم اند واقعا قابل ستایش است .

امید واریم تا موقعیکه پلان منظـم‌دولت جمهوری در مورد ایجادسیستم بهتر ترانسپورتیشن در کشورتحت‌تطبیق قرار گیرد موسسات مسوول پروگرا م عاجلی تجویز نمایند تـــاباتطبیق آن مشکلات مردم از ناحیـه ترانسپورت شهری رفع گردد .

با آنکه فعالیت های آمریت‌ترافیك‌وریاست‌عمومی‌ترانسپورت تسهیلاتی در زمینه بهبودی ترانسپورت‌شهری‌بوجود آورده است اما چون بـــافرا رسیدن فصل زمستان نیاز منـدی مردم در مورد داشتن سیستم بهتر ترانسپورت شهری بیشتر گردیـــده‌است معهذا با یاد آوری این مطلب توجه جدیتر مقا مات مسوول را درزمینه‌جلب مینماییم تا در حـــدود امکـان مشکلا ت مرد م‌در موردکمبودبسهای شهری واز‌د حا م را کبین در داخل بسها کاسته شود .

فلسطینی ها بحیث یك قدرت در شرق تبارز خواهد کرد .

(یا سر عر فات)

آثار هنری شهرا نی به نما یش گذاشته شد .
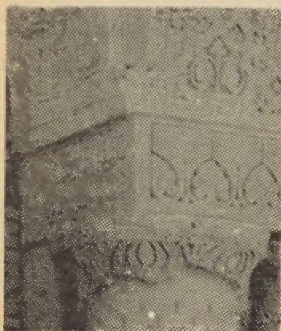
نه گنبد از آثار با ستانی کشور که‌جدیدا کشف گردیده است
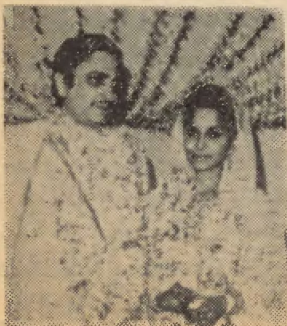
وحیده رحمان ازدواج کرد

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

پیو سته بگذ شته

این تر بیت یا فتگا ن مکتـــب محمدی (ص)ازآنجائیکه جزدرمسیر پیامبر اسلام (ص) گام بر نمـــی داشتند و جز نقش قدم های او را دنبال نمـــی کـر ذند نـا گـز یـر باید چنین می بودند زیـرا ایشا ن روش کار وطرزپسند و قبول‌پیامبر اسلام را عملا بچشم‌دیده و خـــود دران روز گار و جود داشتندازینرو این خصلت جزء خصایل عمـــده و بطور خاص جزء خصو صیت ها و بر‌ازندگی های دو لتی وخلا فت‌آنها گردیده بود.

درتاریخ اسلام دوره کار خلفای راشدین و به عـبـاره دیگـر ، دوره خلافت خلفای چهار گانه اسلام در واقعیت امر امتدادی است از زمان پیامبر (ص) واین خلفای فدا کار و حقیقت پسند از آنجائیکه تر بیـت یافته دست حکمت شعار محمد (ص) بودند در کلیه امور نقش قدم های‌او را تعقیب میکردند و کار نامه هـای اجتماعی و اصلاحی خویش را بـــر اساس همان اصول و پایه هائی بنا مینمودند که پیا مبر اسلام شخصاً پرو گرا م اصلاحات خود را بهمان اصول و اساس به پیش می‌برد .

در دوران خلفای راشدین مانـنـد دوره کار و زندگانی پیا مبر اسلام (ص) اصلاح عقاید و تحقق بخشیدن بمبادی انسانیت و ارزش ها و ممیزه های حیاتی مفهوم و ماهیت بشر ی وبالاخره فراهم سازی زمینه یك‌حیات آبرو مند و حیاتی که همه شؤن مادی ومعنوی دران تا مین شده باشـــد، هدف اساسی و اولی قرار داشت و بمنظور ریشه کن ساختن اندیشه‌های بر تری های نژادی و بر قراری‌اصل مساوات و برابری مبارزات دامنـــه دار ولا ینقطع براه می افتاد وبخاطر رفاه و آسایش مردم ازقبول هرگونه دشواری ها مضایقه بعمل نمی آمد .

این ز ما مداران اسلامـی بـدون آنکه و صیت و سفارشی در ز مینه موجود می بود ازطرف خود مردم به قبول زعا مت ملی وا دار میشدند و پس از انتخاب شدن نیز هیچ نوع احساس بر تری و امتیاز نسبـــت بدیگران در خویش راه نمیدادندودر محضر مردم درنخستین بیانیهٔخویش اظهار میداشتند که «ای‌مردم!امروز کار خلافت و اداره امور مادی‌ومعنوی شما در دست ما قرار گرفته و لی ما ازشما بر تر و ممتاز تر نیستیم وما ازشما و همانند شما هستیم ،و ظیفه ما آن است تا مطابق به خط مشـی پیامبر اسلام (ص) درراه خدمت شما ودر راه احقاق حق و طرد باطل و خرافات ، در منتـهای استقامـت و تحمل ، ایثار و فداکاری نشان‌بدهیم ودر عین حال شما این حق را دارید که متوجه امور اجتماع و مردم‌باشید وهر گاه اعمال و طرز کار ما خـلاف مشی پیا مبر اسلام و منافی مصالح عامهٔ مردم ثابت گردید ما را بخطای کار ملتفت‌سازید‌زیرا‌مصالح‌مردم‌برتر و بزرگتر از هر چیز دیگر اســـت

گفتیم پیا مبر اسلام (ص) ازجهان ما رخت بست ودر مورد زعامـــت اسلام در روز گار پس ازخودشـــ چیزی نه اشاره فر موده ونه‌تصریحی بعمل آورد بدین معنی که هیچ کس را بحیث جانشین و خلیفه خویشـ نامزد نفر مودهٔ امورمردم را همانطور برای خود مردم وا گذاشت و ایـن کار چنان نتیجه آورد که مردم همه درك کردند که خلافت و زعا مت‌مردم چیزی نیست میراثی و نمیشود آ ن را سر بسته و محفوظ از یکی‌بدیگری منتقل ساخت بلکه مردم هر وقـت وزمان مطابق شرایط و ایجابات حق دارند شخصی را بوظیفهٔ خلافت و زعامت خویش انتخاب کنند .

هنگامیکه حضرت عمرفاروق(رض) خلیفهٔ دوم اسلام از وظیفهٔ خـلافت سبکدوش میشد مردم عرض کردند پس از وی عبدالله ابن عمر (رض) پسر وی را که یکی از شخصیت های نهایت مبارز و با تقوی و ملیت خواه اسلام بشمار میرفت بوظیفه خلا فت تعیین نمایند و لی خلیفه این تقاضا وخواهش ایشان را نپذیرفت‌وبمنظور اینکه مبا دا صدمه ای بر پیکر ایـن حق آزادی مردم وارد شده و اینکار سبب شود که رفته رفته پای‌سفارش ها وو صیت نامه ها در مورد زعامت

بقیه در صفحه ٥٦

ژوندون شخصیت های بزرگ اسلامی رامعرفی میکند

عبدالرحیم(عینی)از دارالعلوم‌اسدیه‌بلخ

حضرت اسود راعی (رض)

حضرت اسلم (رض) از فرموده رسو ل خداعلیه السلام اطاعت نموده باسنگر یـــزه گوسفندان را زد وبجانب قلعه های‌صاحبانش فرستاد ودرین حال می‌گفت

به‌صاحبت بازگردقسم بخدا که‌بار دیگرترا نمی‌چرانم.

گوسفندان مانند چوپانی از پی شان باشد به‌قلعه صاحبش رسید وبعداز اندك مد تی این صحابه خودرا بسلاح آراست و دا خـل کارزار شد وبابرادران مسلمان مـجا هـــد خویش دریك صف قرار گرفت وبه جهـــاد آغاز کردتا اینکه بنابر روایتی سنگ‌بزدگی ویاتیری بوی اصابت کردکه زننده‌آن معلـوم نشد بلادرنگ درراه خدا جام شهادت نوشید وپیش ازینکه برای خدا نما زی ادا کنـــد بزندگی خود خاتمه داد ونامی از خودبیادگار گذاشت انالله وانااليه راجعون .

همان است که جابر بن عبدالله در باره میگوید : وی درراه خدا درحالی بشـهادت رسید که بخداوند سجده هـــم نکـر د ه بـو د .

اصحاب کرام (رض) جنازه آن بر ا در شهید شانرا از وسط معرکه برداشته بجا ی قریبی که‌پیغمبر خدا مو جود شود بردند ، رسول علیه‌السلام بعد از آنکه او را دید و شناخت فرمود: بدون شك وشبه خداوند(ج) اوراعزت وکرامت عنایت کرده به‌راه نیـــك سوق داد واو دراسلام علاقه وذوق ز یـــاد داشت.

این بود شرح‌حال بسیار موجز این‌صحابه مبارز اسلام وشهید نامی پیش از ینکه‌نفسی براحت کشد واز مزایای اسلام بر خور دار شود خودرا درراه اسلام فداساخت .

بقیه در صفحه ٥٦

وقایع بین المللی

از کاظم آهنگ

اعلامیه رباط

کیسنجر را برای مسافرت هشتم به شرق میانه کشاند

مسافرت دو کتور هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا از ۲۲ اکتوبر شروع شده و بیش از دوهفته را در بر گرفت . گر چه در بدو سفر کسینجر مسافرت خود را به شرق میانه به شکل احتمالی آن اعلام نموده بود ولی وقتی سفر اودر کشور های آسیایی واروپایی قریب به نیمه خود رسید اعلان گردید که موصوف از شرق میانه هم باز دید میکند .

گر چه مسافرت دوکتور کسینجر به کشور های مختلف از همان بدو امر دلچسپ بوده وافکار را جلب نموده بود ولی قسمت احتمالی سفر او یعنی شرق میانه غالبا دلچسپ ترین حصه آن میباشد .

کسینجر در اتحاد شوروی با زعمای آنکشور مخصو صا لیونید برژنیف زعیم حزب کمو نیستو آندری گرو میکو وزیر خارجه اتحاد شوروی ملاقات و مذاکراتی روی تمام مسایل جهانی و از جمله روابط دو کشور و موضوع مسافرت جرالد فورد رئیس جمهور امریکا انجام داد و علاوتا در باره تحدید سلاح ستراتژی اتومی با آنها نتایج سفر مذاکره نمود . یکی از نتایج سفر او به اتحاد شوروی آن بوده است که زمینه مسافرت رئیس جمهور امریکا به اتحاد شوروی مساعد گردید و قرار است طی ماه جاری عیسوی به شهر ولادی و استوك اتحاد شوروی راجع به تحدید سلاح سترا تژیك ذروی و سایر مسایل مربوط بالیونید برژنیف ملاقات و مذاکرا تی بعمل آورد .

يك قسمت جالب دیگر مسافرت کسینجر در دهلی جدید بود ه است که در آنجا با میرمن اندرا گاندی صد راعظم و چاوان وزیر خارجه هند در باره روابط دو کشور ، مسایل جهانی مربوط به عدم انتشار اسلحه ذروی و مشکلات غذایی هند مذاکراتی انجام داد اما رو یهمرفته قسمت جالب سفر کسینجر در هند همانا موضوع ارتباط دو کشور بوده است که ازجنگ سال ۱۹۷۱ درنتیجۀ سفر کیسنجر به هند، امریکا و عده نمود که برای هند غله ومواد خوراکه تهیه میکند و هم در اثر همین مسا فرت يك کمیسیون مشترك همکاری بین دو کشور تاسیس گردید علاوه به موا فقه روی همکاری های تخنیکی علمی و کلتوری بین طرفین امضا شد .

مسافرت دوکتور هنری کسنجر درسایر کشور های آسیایی واروپایی مانند بنگله دیش ،افغا نستا ن ایران ، پاکستان ،رومانیه و یوگوسلاویا هم به هیچ وجه خالی از دلچسپی نبوده است ولی تصمیم وی برای مسافر تش به شر ق میانه تقریبا تمام سفراورا تحت الشعاع قرار داد چه درحالیکه وی قریب شش هفته قبل هفتمین سفر خود را به شرق میانه انجام داد اینك بار دیگر بر ای هشتمین باربه آن منطقه به مسافرت پرداخت که این خود سوالی را ایجاد نموده و برای خوانند گان جالب و دلچسپ خواهد بود .

حقیقت این است که با تصمیم سران کشور های عربی در کنفرانس رباط مبنی بر شنا سایی موسسه آزادی فلسطین بحیث یگانه نماینده قانونی مردم فلسطین و مخصو صا فلسطینی های غرب رود اردن که تحت اشغال اسرا ئیل میباشد ، سیاست اعراب وشرق میانه شکل دیگری به خود گرفته است باین معنی که موسسه آزادی فلسطینی دیگر بحیث يك قدرت موجود شناخته شده در مسایل مربوط به این منطقه و مخصو صا معضله خود فلسطینی ها در کنار سایر کشور های عربی داعیه فلسطینی را طرح کرده و از آن نمایندگی می کند . مشکلی که تاکنو ن در این راه وجود داشت از جانب اردن بود که آنکشور هم رسالت موسسه آزادی فلسطین را در کنفرانس رباط به رسمیت شناخت يك نتیجه دیگر بر سمیت شنا ختن مو سسه آزادی فلسطین آن بوده است که غالبا يك حکومت جلا وطن فلسطین در کدام یکی از کشور های عر بی بوجود آید و طوریکه اطلاعات اخیر میرساند چهار گروپ دیگر مبارزین فلسطین هم ضرورت تشکیل چنین حکومت را تائید کرده اند که این خود نشان میدهد مبارزین فلسطین دارای آیدیا لوژی های مختلف از انکشاف اخیر ابراز رضائیت دارندو برای داعیه شان با اتحاد وهماهنگی قدم بر میدارند .

در قبال این مسایل بوده است که وزیر خارجه امریکا برای هشتمین بار به شرق میانه مسافرت نمود . درین مسافرت که به قاهره، عمان، ریاض ، دمشق وتل ابیب صورت گرفت هدف نهائی کسینجر آن بود تا در پرتو انکشاف تازه یعنی شناخته شدن موسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده اصلی و قانونی فلسطین نظریات جانب اعراب واسرا ئیل را را در یابد .

گر چه ناظرین سیاسی باین عقیده اند که دو کتور کسنجیر از مسافرت اخیر خود به شرق میانه کدام نتیجه فوق العاده ای بدست نیاورده است ولی باز هم عقیده میرود که شاید در امر تخفیف کشیدگی های این منطقه تا حدی مثمر ثابت شده باشد وشاید سفر اوامکانا تی را برای ادامه مذاکرات برای حل بحر ان های شرق میانه فراهم آورد .

کسینجر خود هنگام مسافرت به شرق میانه گفته که برای آینده امید واری ایجاد شده است اما در عین حال وقتی او به واشنگتن باز گشت به خبر نگاران راجع به قسمت اول مسافرت خود یعنی سفر مسکو و ملاقات و مذاکرات خود با زعمای اتحاد شوروی با خوشبینی کامل جواب داد که این قسمت مسافرت او موفقانه بوده است اما در مورد شرق میانه تذکری نداد واین هم نشانه عدم موفقیت کامل نتایج سفر او به حساب میاید . همچنان و قتی کسینجر در تونس مصروف بود چنین شایع شد که ماه آینده باز هم به شرق میانه مسافرت خواهد نمود اما در واشنگتن گفته شد که شاید وی تاسال آینده عیسوی دیگر برای سفر به شرق میانه نه پردازد .

عدم آمادگی کیسنجر برای يك مسافرت دیگر به شرق میانه در آینده نزدیك شاید روی دو عامل باشد یکی آن که ممکن است و ی در مسا فرت اخیر خود با مشکلا ت بزرگ رو برو شده باشد که این امر مهلتی ضرور ت دارد تا حل گردد و یا اینکه شاید زمینه های مذاکره و کنار آمدن بین اعراب و اسرا ئیل را خیلی مناسب یافته است که ضرورت آنرا احساس نمیکند بزودی به انجا بشتابد ولی در هر حال پیشنهاد او و مبنی بر عقب رفتن اسرا ئیل و تخلیه سر زمین های اشغالی عربی به قسم تدریجی ایجاب آنرا می نماید که با هر یکی ازکشور های مربوطه عربی و اسرا ئیل مذاکرات جدی را دنبال کند . چه به عقیده او همین اصل است که بالاخره صلح و امنیت را بین اسرا ئیل و اعراب قایم خواهد نمود . گر چه گفته میشود که کشور های عربی راجع به این پیشنهاد کیسنجر عدم رضائیت خود را ابراز داشته اند اما بصورت کامل آنرا تردید هم نکرده اند .

نه گنبد، شهکار هنری گچ

از گل احمد زهاب نوری

مسجد نه گنبد بلخ ؛ یگانه آ ثار تاریخی کشف شدهٔ آغاز دورهٔ اسلامی است، که تاحال نظیر آن در این منطقهٔ آسیا دیده نشده است،

●

نقاشی های گچ بری شدهٔ این محل آغاز تحول آرت اسلامی را، بخوبی نشان میدهد.

در شماره گذشته و عده دادیم که گزارشی پیرامون (نه گنبد) اثر باستانی بی از آغاز دوره اسلا مــی خواهیم داشت و کماکان راپور های خود را ، در باره کشفیات تاریخی و باستانی افغا نستان ادامه خواهیم داد .

در لحظاتی که آخرین فورمه های مجله ،ز یو چاپ رفته بود ، باز هم فرصتی میسر نشد ، تا با داکتر زمریالی طرزی مدیر عمومی باستا ن شناسی درین باره گفتگویی داشته باشم ، چه طی هفته گذشته دا کتر طرزی نسبت مصرو فیت های اداری نتوانسته بود ، ماخذ واسنادی در باره (نه گنبد) گرد آوری و به‌اختیار من بگذارد .

در اینجا ، معلوماتی کوتاه ، اما جالب ، در باره این محل تاریخی از نظر شما میگذرد ، که طی یك تماس کوتاه ،با مدیر عمومی باستان شناسی تهیه کرده ام و در شماره های بعد . درین سلسله راپور ها ، نه گنبد و شهر باستانی بلخ را ، بیشتر برای تان معرفی خواهیم کرد .

در جنوب شهر بلخ ،ستون ها ی ضخیم و پر نقش و نگاری جلب توجه میکند ، که یاد گار قرن هفتم تا نهم است .

ستون هایی که ظرافت کاری کلکان هنر آفرین هنر مندان افغانی در طی سده های متمادی هنوز باقی مانده و چشمان هنر دوستان را خیره می سازد .

به اساس مطالعات اخیر ، چنین معلوم شده ، که مسجد نه گنبد ،از آثار باستانی آغاز دوره اسلا مــی است که نظیر آن ، تا حال درین حوزه ، کشف نگردیده است .

این مسجد در آغاز دارای نه گنبد بزرگ بوده که بر بالای شش ستون داخلی قرار داشته است.در حفریات باستان شناسی ، از گنبد های آن اثری بدست نیامده ،اما گچ کاری پایه ها ، با دوکمان ،هنوز در طی قرن های متمادی بر جای مانده است .

عکس گوشه ای ازساختمان (نه‌گنبد) رانشان میدهد

...در قرون ۷ - ۹

دسته یی از دانشمندان نه گنبد را به قرن نهم و دسته یی دیگر به قرن هفتم منسوب میدانند که بگمان قوی در قرن نهم اعمار گردیده است .

این آثار باستانی که در سالها ی اخیر کشف شده ، بخوبی پرده از روی هنر گچ بری آغاز دوره اسلامی بر میدارد .

در پایه های مستحکم مسجد نه گنبد نقا شی های بسیار دیده میشود ، که تا اندازه یی به آثار (سمیره) در نزدیکی بغداد مقایسه شده میتواند.

مطا لعه آثار هنری (نه گنبد) نشان میدهد ، که در این قرن، هنر گچ بری اسلامی شرو ع به تحول کرده و نقاشی های این محل ، از پیشقدمی های تحول آرت اسلا می در افغا نستان به شمار میرود .

در کاوش های باستان شنا سان جهان . آثاری از آرت دوره خلفای راشدین ، تا حال کشف نگردیده است وقدیمی ترین نمونه های کشف شده آرت اسلامی ،متعلق به دوره امویان است ،که بدست آمده است نه گنبد بلخ‌نیز ،از نگاه مطالعات باستان شناسی ، دارای اهمیت به سزایی است که ، در روشن کردن یك قسمت تاریخ این منطقه کمك شایانی میکند .

البته در شماره آینده تاریخچه و معلومات دلچسپ دیگری پیرا مو ن (نه گنبد) آبده بی نظیر باستا نی این منطقه ، با سایر آثار تاریخی‌کهن شهر بلخ تقدیم میشود .

نمایی از نه گنبد آثا ریکه‌جدیدا کشف گردیده است.
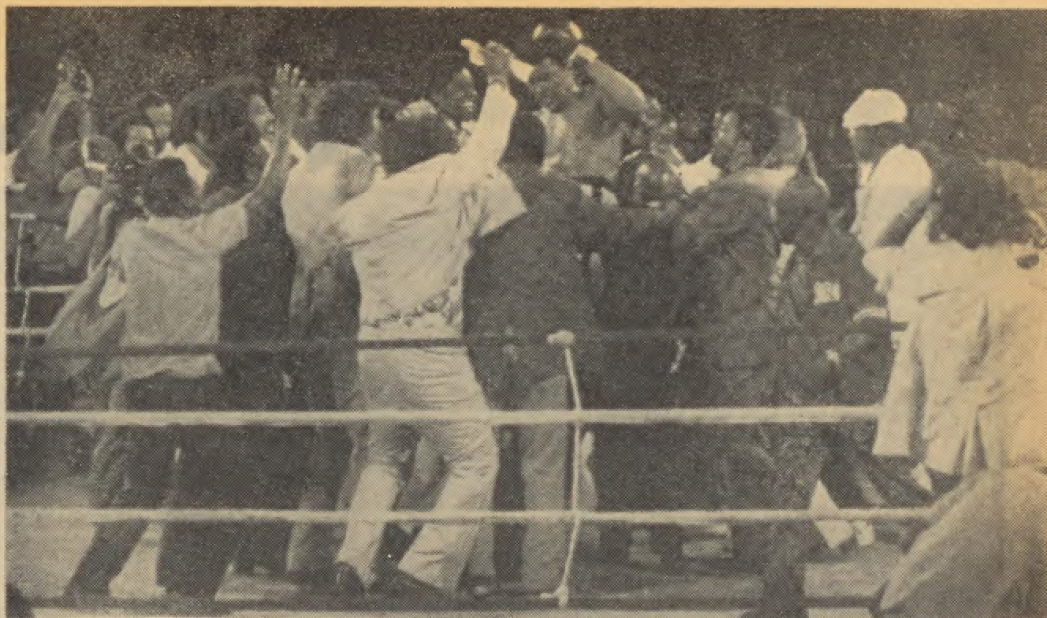
کله چی ننداو چیان دمحمدعلی کلی‌قهرمانی ستایی .

د محمدعلی کلی ځلانده بری

له‌تایم څخه

ژباړن : عنایت‌الله محرابی

• محمدعلی دزیاترو کتونکو دپیش‌بینی‌په‌خلاف دنړی ددرانده وزن د قهرمانی لقب وګاټه .

• • •

فورمن : «علی یوستر او میړه سړی‌دی».

• • •

د«زایر» خلکو په «کنشاسا» کی‌دمحمدعلی‌دبری تودهرکلی وکړ .

• • •

• علی دسختو تمرینو په اجرا کولوسره‌سره خپل غړی دکانو په‌څیر کلك کړی‌وه.

• • •

محمد علی غواړی‌تر یووخته پوری‌دبوکس په‌نړی‌کی خپل فعالیت ته دوام ورکړی.هغه دخپلی راتلونکی مسابقی پــه مقابل‌کی لس‌ملیون ډالره غواړی .

ګرانو لوستونکو !

په تیره ګڼه کی موپه دری‌ژبه دمحمدعلی کلی دبوکس دلوبو په هکله یومضمون خپور کړ ،دادی په‌دی ګڼه‌کی زمونږ دهیاوړی همکار عنایت‌الله محرابی ژباړه د«محمدعلی‌کلی‌ځلانده بری» چی‌له تایم څخه ژباړه شوی دژوندون درنو لوستونکو ته وړاندی کوو .

دنړی ددرانده وزن‌دبوکس قهرمان‌محمدعلی کلی‌د جورج فورمن سره تــرخپلی وروستــی مسابقی دمخه په زایرکی داستوګنی په وخت کی دنوموړی مسابقی په هکله داسی پیشبینی وکړه :

«زه به فورمن" ته ماته ورکړم او دوه کاله وروسته به دیوه سپین پوستی بوکسر سره دمسابقی دپاره ماته دلسو زرو ډالروپیشنهاد وړاندی شی .»

دمحمد علی دغــه پیش بینی دمسابقی په په‌ترڅ‌کی رښتیا شوه دمسابقی دوږخی پــه سهار علی دغور ځار شوی فورمن سرته پــه رینګ‌کی ولاړ وو ډیره مغروره ښکاریده .

کله‌چه دبوکس دپخوانی قهرمان فورمن دبیرته راولاړیدو دپاره د مسابقی دقوالینو له مخی له‌یوه څخه تر لسو پوری شمیرپای ته‌ورسید او نوموړی دبیا پاڅیدلو توان ونه موند نودعلی پیش‌ګویی په واقعیت بدله شوه .

محمدعلی په‌داسی حال‌کی دبوکس رینګ‌ته ورداخل شوچــه له‌یو زیــات شمیر مخالــفو جریانونو سره مخامخ وو او ظاهرا دهغه هڅه بی نتیجی ښکاریده .

دی دبوکس له هغو موسمسو څخه دانتقام اخیستلو دپاره را پاڅیدلی وو چه دنړی د درانده وزن دقهر مانی لقب یی لدی امله چه هغه دویتنام جګړی ته‌له تللو څخه ډډه‌کړی‌وه ورڅخه اخیستی وو . ده‌له هغو مبصرینوسره مبارزه کوله چه دفورمن په مقابل‌کی دهــغه دبری چانس یی «ددریو په مقابل‌کی یو» ګاڼه.

همدارنګه نو موړی پــه خپلو و روستیو مسَابقو کی دسن دزیاتیدو او اضافی وزن‌له امله دخپل پخوانی چټکوالی یوازی څوکوچنی نمونی څرګندی کړی وی .

بوسیره پردی محمد علی دنړی دبوکس تاریخ ته چلنج ورکاوه څــکه تراوسه پوری ددرانده وزن یوازی یوه‌قهرمان (فلویډپترسن) پدی بــریالی شوی ووچــه دوه ځله دنــړی دبوکس ددرانده وزن د قهرمانی لقب ونګټی. دوه دیرش‌کلن جورج فورمن سره مسابقی ته ځان چمتو کړی وو .

فورمن دبوکس هغه نه‌ماتیدونکی ماشین‌وو چه ده‌پخپلو ټولو ځلوینتو حرفوی‌مسابقوکی بریالی شوی وو اوخپل وروستی اته‌حریفان په‌یو یادوه راونډوکی مات کړی وو .

کله‌چه دمحمد علی او فورمن جګړه پیل پخپل پخوانی باور سره دعلی دبدن منځنی برخی ته خپل سوکونه ګوزار کړل ،دفورمن ځینی سوکونه دعلی له لاسونو او دستکلو سره مواجه شول اوهیڅ‌یویی دعلی په مــخ باندی ونه لګید ، خو داسی ښکاریده چه‌څر شیبی وروسته به‌دعلی‌ګیډه دفورمن دګوزارونو له‌امله پوست واچوی .

دحیرآنتیا خبره داوه چه‌پدی جریان کــی محمدعلی بیخی اندیښمن نه‌ښکاریده .پداسی حال‌کی چه‌له «سونی لیستن» څخه راپدی خوا ترټولو بی رحمه سوك وهونکی پــرمحمدعلی باندی ګوزارونه کول ، علی په تمسخر سره هغه ته ویل :«ته مانشی وهلای!» «ستاسوکان رورلړی!»

نندار چیان ډیر ژر وپوهیدل چه‌علی‌فورمن ته‌یوه لومه ایښی وه . هغه په ټول اوړی ار منی‌کی په داسی سپورتی تمریناتو بوخت وو چه‌دګیډی عضلا ت یی دکانی غونډی کــلــك وګرزوی ددغو تمریناتو په جمله‌کی، مبنه کشی او بایسکل چلول شامل وو چه علی په

هره ورځ‌خپل یوساعت- وخت‌وورباندی تیراوه. دمسابقی په‌جریان کی علی فورمن ته اجازه ورکړی‌وه چه‌دهغه دپولادی عضلو په‌مقابل‌کی خپل سوکونه وآزمایی اوځان‌ښه ستړی‌کړی. علی وروسته څرګنده کړه :

« ماغوښتل هغه‌دی ته‌اړباسم چه‌خپل خورا ښه‌سوکان وغور ځوی .»

شوه دهغوی له‌هلو ځلو او تــاکتیکونو څخه کومه داسی نښانه نه ښکاریده چه‌دمحمدعلی دبریالی کیدو څرګندونه وکړی .

دسهار په څلورو بجو دکینساشاپه‌ښارکی دخوار لسم دسپوږمی تر پلوشو لاندی علی‌د زایر دخلکو دهغی ستری ولــی په‌سرکی د مسابقی ستدیوم ته ننوت چه‌په چیغو چیغویی ویل : «علی ! هغه ووژنه!» .

څوشیبی وروسته هغه په رینګ کی‌پــه خپلو ټوپونو او نڅاوو پیل وکړ او دفورمن دغوی ګوزارونو څخه‌یی دفاع وکړه .

په‌دوهم راونډکی دبوکس‌پتنګ (محمدعلی) دخپلوټولوپخوانیو مسابقو تاکتیکونه‌پریښودل محمدعلی چه‌تل به پخپلو پنجو باندی ولاړوو په‌عادی ډول پرپښو باندی درینګ رسیو تر نژدی ودرید ، داکټ‌مټ هغه ځای دی چــه فورمن غواړی خپل حریف‌هلته ووینی ،فورمن

فورمن عیناً همداسی وکړل .دکینشاسا په استوایی توده شپه کی دچه‌تودوخه درجه د فارنهایت ۸٦ درجی اولند بل په سلوکی ۹۰ ووه دفورمن سوکانو ډیر ژر خپل قوت بایلو او همغه په‌داسی حال‌کی چه متی‌یی ستړی شوی وی په و حشیانه غورځو پرځو شروع وکړه او زیاتره سو کان یی کاملاخطا کیدل. همغه دیوه نشه شوی‌سړی په شان‌خپلو حرکاتو ته دوام ورکاوه . علی دفورمن لــه کمزوری شوی دفاع څخه په استفادی سره درینګ درسیوله شنګ څخــه دسترې شوی بوکسر په سر باندی دبریښنا په شان واری کول .

داتم راونډ په شرو کیدو سره علی پــه رینګ باندی پوره مسلط وو . ددغه راونډپه شروع‌کیدو سره علی درینګ په‌پړیو باندی تکیه‌کوله او دفورمن دسوکانو څخه خپل سر یوی خوا او بلی خوا ته‌خوځاوه ، پدغه وخت کی‌علی یولړ سخت سوکان وغــورځول ارد فورمن دکمزورتیا ترحس کولو وروسته یــی دهغه په‌سر باندی لەښی اوکینی خوا څخــه دوه‌کلك ګوزارونه وکړل او فورمن‌یی دمسابقی په‌پوازینی غورځونه کی په مځکه وغورځاوه.

کله‌چه څوشیبی وروسته‌دفورمن‌دزاپاڅیدو په‌انتظار ریفری خپل حساب پیل‌کــړ دعلــی طرفدا راڼودنوی قهرمان‌دنمانځلو دپاره‌درینګ خواته هجوم وروړ .

فورمن وروسته ادعا وکړه چه دریفــری حساب ډیر چټك‌وو خو دریفری «زاك‌کلیتون» دتیپ شوی آواز داورولو په نتیجه کی‌څرګنده شوه چه ریفری دفورمن تر ولاړیدو دمخه‌تر لسو پوری شمیر پوره کړی وو .

تر مسابقی وروسته محمدعلی پداسی‌حال کی‌چه یوازی ښی سترګه یی‌په‌وینو سره‌شوی وه‌دخپلو شفاهی حملو پیل وکړاو ویی ویل: «ماتاسی‌ته ویلی‌وو چه زه‌تر ټولو سترقهرمان یم!» ، «ماتاسی ته‌ویلی‌ووچه داسړی (فورمن) په‌بوکس کی‌مهارت نه لری او کلك سوکان نشی وهلای . هیڅکله یوغویی له یوه تکړه بوکسر سره یوشان مه‌ګڼی . غویی زوروردی خودبکس تکړه قهرمان زیرك وی .» علی د: خبره ومنله چه فورمن دڅو دقیقو دپاره‌دهغه تر تاثیر لاندی راوستلی وو .همغه وویل:«زه تجربه لرم اوله داسی‌حملو سره مقابله‌کولای شم.» فورمن پخپل وار په کراری سره‌وویل:

«ماپه ریښتیا سره داسی احساس کاوه‌چه په‌جګړه باندی پوره کنټرول لــرم . مایقیــن درلود چه‌زه به بریالی شم ،ترهغه وخته‌پوری چه‌خلك رینګ ته‌را ننوتل .»

همغه زیاته کړه چه محمد علی یو‌ستراو شریف آنسان دی.»

دبوکس د مسابقی ترتیبوونکی یقینا له‌دی خبری سره موافق‌دی دعلی‌جاذبی‌دترڼی جریان په‌تلویزیونوکی دهغه دمسابقی د لیدلو دپاره دومره خلك جلب‌کړل چه په مسابقه‌کی د۱۲ ملیونو ډالرو داینښودل شوی پانګی جبــران وکړی دادزایر دجمهور رئیس موبوتو سیکو دپاره چه چه شخصاًیی ٤ر۱۱ ملیون ډالره بدی مسابقه کی لګولی وو، یوډیر ښه خبروو دامریکی‌په تیاترونوکی د مسابقی د لیدو‌دپاره دورغلو خلکو شمیر ډیر لږوو او له دغی‌لاری ترلاسه شوی پیسی به‌دپیش شوو ٤۰ملیون

پاتی په٦۳ مخ‌کی

محمد علی کلی اوجورج فورمن‌دبوکس دمسابقی په حال کښی!

وشعرها ناسروده ماندند

داستان زندگی و عشق را بعـه‌روی پرده های سینما نقش می‌بندد

• • •

درفلم رابعه و بـکتاش بیش ازیکهزار نفر ظا هر میگردند و بیش از سه ملیون افغانی صرف تهیه آن‌شده است.

• • •

تهیه فیلم های تاریخی در تـنو یرذهنیت عامه نقش ار زنده دارد.

در ساختمان دهکده ها کو شش‌گردیده مشخصات دوره خاص که حوادث فلم در آن اتفاق‌میافتدزنده به نمایش گذا شته‌شود.

حماسه شورآفرین زندگی رابعه، قصه عشق عمیق و انسانی او بخاطر شکستن زنجیر های که پای زن را دربند میکشد و صدای درد آلود و شکوه آمیزش را درزیر سلطه هـای جابرانه مردان در هم میشکند، اینك با تصا ویری زنده رنگ می پزیرد و آماده نمایش در روی پرده های‌سپید سینما میگردد .

عصر رابعه عصر ضابطه هـای سیاه و مرگ آفرینی است که بـا قدرتی شکست ناپذیر از ارزش‌های خاصی دفاع میکند .

معیار هایی که در این دوره اساس وزیر بنای ارزش های اجتماعـی است ، پول و زور است و آنکـه برخور دار ازین دو مو هبت است ، میتواند حادثه آفرینی نمایـد ودر حادثه های ساخته شده‌ناشی ازبی بند و باری ها عـده ای را بخـاك و خون کشد و عده ای دیگر رابرده وار در استخدا م خود در آورد .

• • •

شعر رابعه مانند هر شعر دیگری نمیتواند جز يك پدیده عاطفی باشد،

اما عاطفه رابعه‌نیز در بند تاثیراتی است که از محیط او و چگونگـی شرایط اختناق آور انسان معاصراو، مایه می گیرد زندگی رابعه محصول دوره ایست کـه در آن زن حتـی نمیتواند از کمترین حق خود دفا ع نمایدویاکوچکترین نقشی‌درسازندگی زندگی خود داشته باشد بر داشت‌ها ودریافت های رابعه از علل‌وانگیزه های ضد اجتماعی ایکه ارزش هـای آن جز به محورچرب زبانی های‌ریا آمیز نمی چرخد و محاسبه نمیگردد، برداشتی است عینی و عمقی وگرفت او نزدیك به حقیقت و همین است که احساس گرم و پر جوش او را به فریادی درد آلود مبدل میکند ، این فریاد در شعر او جاری‌میکرد وبعد در جریان سالها با پختگی وصلابتی بیشتر باو نقش يك پیش آ هنگ را دریك مبارزه و سیع اجتماعی می‌بخشد .

آیا مبارزه رابعه محصول عشـق پر شور و عمیق او به بکتاش است ویا به انسا نهاییکه بکتاش فقط نمودی ازآن بشمار میرود؟

جواب این پرسش را باید درنحوه تحلیل و بر داشت تهیه کنندگا ن فلم « و شعر ها ناسروده ماندند » کاوش نمود که اینك آ خرین‌مراحل باز سازی خود را می پیماید .

• • •

هنوز زود است قضاوت در باره فلم رابعه و بکتاش و تحلیل آن بـا نگاهی نقد گونه برای دریافت ارزش های هنری آن و لی آنچه جالب‌توجه است انتخاب این‌سوژه‌سنگین‌وعمیق است برای تهیه فلم و آنهم توسـط تهیه کنند گانی که‌برای اولین بار دست بکار تهیه فلم زده اند .

جالب است برای اینکه تشبثات آزاد و انفرادی در کار های هنری تاکنون بیشتر بـخا طـر پـول تجارت بوده است و برای ایـن منظور سوژه های کم عمق، بی‌محتوی با فرم های فریبنده و چشمگیر وبا گنجانیدن چند صحنه رقص وجنگ بی ارزش در نظر هنری خوبتـر میتواند بهره کشی اقتصادی نمایـد تاروی پرده آوردن يك داستان بـا

فلم رابعه وبکتاش صحنه ها ی‌جالبی دارد از عشق ومـبـارزه و ستیز در راه به ثمر رساندن‌اهداف‌انسانی
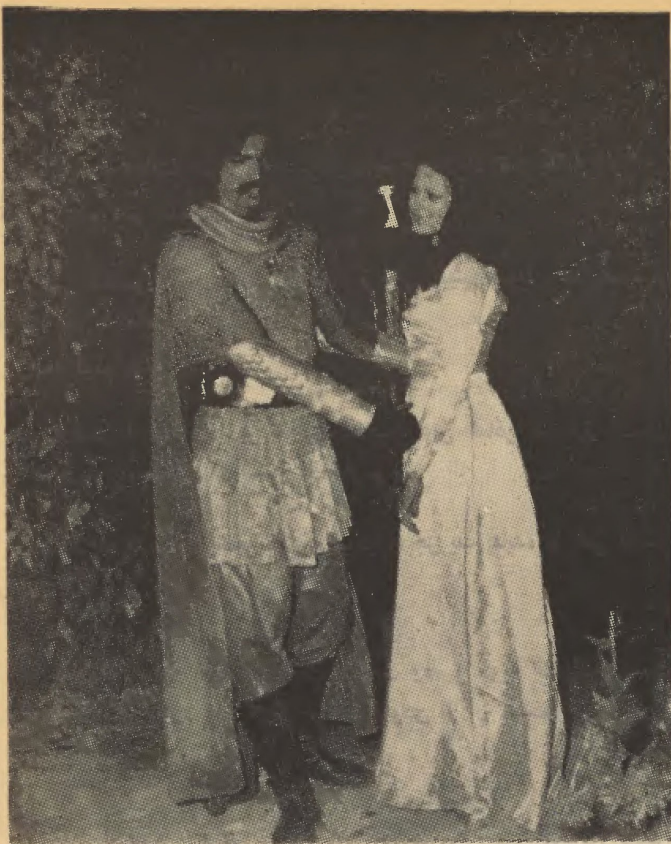
رابعه وبکتاش دریکی از صحنه‌های فلم

عظمت و همین است که ما را وامیدارد اولین گام نزیر فلم را ارج گذاری وبه آن خوشبینانه بنگریم گفتگوی زیر، مارا با این فلم وتهیه کنندگانش بهتر آشنا میسا **زد**.

از نزیر که هم ریاست نزیرفلم را عهده دار است و هم خود در فلم زندگینامه رابعه وبکتاش در نقش حارث ظاهر میگردد، میپر سم،

ـ شما دریك مصاحبه خود پیرامون همین فلم ادعا نموده بودید که برای اولین‌بار سکس را نه به شکل متداول آن که بیشتر رنگ ابتذال را دارد بلکه با فرم هنری روی پرده سینمامی آورید وباین ترتیب یك بعد سینما رابامعیار های قبول شده درسطح بالا بمردم نشان میدهید، میتوانید اکنون که فلم شما آماده نمایش است در این زمینه بیشتر سخن گویید و نحوه بر داشت خود را از سکس بما معرفی کنید ؟

ـ منظور این است که سکس را در نشان دادن بدن های برهنه خلاصه سازیم بلکه زیبایی ها را با دیدی عمیق تر و مرتبط باذهنیت ها به صحنه آوریم، سکس درحالت سالم خود میتواند نمودی از هنر باشد هم هنر اکترس و هم هنر فلمبر دار و دایرکتر مشروط باینکه زاویه های دید درچوکات مسایل تحریك آمیز فشرده نگردد بلکه بیانگر یك‌واقعیت از یك صحنه و یا لحظه فلم باشد که ما با چنین بر داشتن کار خود را آغاز نموده ایم.

میتوانید معلومات دهید که داستان فلم از کدام نویسنده است وسناریو از چه کسی ؟

ـ داستان فلم را بناغلی لطیف ناظمی نگاشته است و سناریوازروی متن همین داستان توسط داؤدفارانی تهیه شده است.

ـ تعداد کم سینما و سینما رو در

لطفا ورق بزنید

صحنه‌دیگری ازفلم‌وشعرها ناسروده‌ماندند

سکس در حالت سالم خــــودمیتواند نمودی از هنر باشد هم هنر اکترس وهم هنر فلمبردار

• • •

دومین محصول نذیر فلم یك‌قصه‌از زندگی عینی انسان معا صـــر خواهد بود با تمام بعد ها و پهلـــوهایش

رابعه فیلم میگو ید:

• • •

من ازهمان لحظه اول زیر تا ثیر شخصیت این شاعر مبا رز قــرار گر فتم و در باز سازی او مـــو فق‌شد م .

• • •

شعر را بعه ما نندهر شعر دیگری‌نمیتواند جز یك پدیده عا طفی باشد اما...

• • •

آیا مبارزه را بعه محصول عشق پرشور وعمیق اوبه بکتاشــ است ویابه انسانهای محرو می که‌بکتاش‌فقط نمودی از آن است؟

• • •

داستان از لطیف نا ظمی‌سناریواز: داؤد فا رانی دایر کت از: خالق علیل، تهیه کننده نزیر فیلم

حارث دریکی از صحنه های افلم

کشور ما تقریبا میتواند مؤید باشد که فلم های پر مصرف نتــوانــد از منابع داخلی فروشی در حجم‌مصرف داشته باشند ، چه بر داشتی شمارا وادار ساخته است که در او لیـــن فلم ساخته خود مصرف گـزا فـــی داشته باشید این در حقیقت یــك ریسك اقتصادی است تا تجارت ؟

ـمنظور ماهم هیچ وقت تجارت محض نبوده است از نظـر تهیـــه کنند گان این فلم تهیه فلم هـــای تاریخی نه تنها میتواند مـعـــر ف شکوه و جلال دوره های پر افتخار زندگی ملی ما باشد بلکه در تنــویر ذهنیت عامه و رهبری ذوق گـــروه سینما رو نیز دریك جهت سالـــم میتواند مفید باشد .

فلم رابعه و بکتاش حتی اگرفروش کافی هم نداشته باشد ما آنرا یــك خدمت فرهنگی بحساب می آوریم و از کار خود راضی هستیم، از جانبی فروش کاپی‌های‌این فلم به بر خی ازکشور های دو ست هم‌در معرفی سینمای آزاد کشور ما سهم ارزنده دارد و هم بخشی از عاید فلم راتکافو میکند .

ـ در فلم چند نفر روی پرده‌ظاهر میگردند و صحنه های آن در کدا م ولایات فلمبر داری شده است ؟

ـ در این فلم برای او لین دفعه به شمول سیاهی لشکر بیش از یکهزار نفر روی پرده ظاهر میگردند وصحنه ها بیشتر در دوولایت کابل‌وشبرغان تهیه شده است .

ـدو مین محصول سینمای شمــا باز هم باساس یك روایت تاریخـــی تهیه میگردد ویا اینکه داستان فلــم از زندگی عادی روز مره گرفتـــــه خواهد شد؟

بقیه در صفحه ٦٣

یکی از صحنه های مهیج فیلم

«سباوون غزني»

له خپل مترقي اوولسي نظام څخه دهيوادد ځلمي نسل ملاتړ

په ټولنه کي هغه قوتونه بر يا لي کيږي چه په را تلونکي باندي نظر لري اوتل مستقبل سنجوی اومستقبل په امکا ناتو باندي تکيه لري او هغه له نظره نه غور ځوی. دافغانستا ن د ځوان جمهوريت بريا ليتوب هم په همدی ټکی کی نغښتی دی. يعنی داچه زموږ ځوان جمهوري دو لت دخپل راتګ سره سم دا اعلا م کړه چه دټولنی دتکا مل له شرايطو سره سم به مخ په وړاندي ګا م اخلي. او هغه وخت چه دجمهوري انقلاب غوره اهداف دافغا نستان خلکو ته دخطاب و ينا زموږ دملي مشرددولت دښاغلي رئيس او صدراعظم له خوا وشوه، پدغو ټکو باندي داسي ټينګار اوتاکيد وشو :

« موږ به دټولنی دتکا مل دقانون له شرايطو سره سم او دپلان په اساس علماً او عملا اودلوي خداى په مرسته او دخپلو خلکو په هکماري ګام په ګا م دټولنی په اقتصادي، اجتماعي اوسياسي ژوند کي دبنيا دي تحولاتو لپاره اقدا م و کړو ».

ډيره مهمه خبره داده چه زمـوږ جمهوري دو لت دټولنی دتکا مل پـه اساس دخپل پر مختګ کرښي عيار وي . دټولنی دتکا مل دقانون سره سم ګا م اخيستل دی چه دهيواد ټـو ل مترقي او وطنپرسته ځوانان دخپـل جمهوري دو لت ملاتړ ته ملاوی تړی او په بيساري شور اوزوږ سره ددغه مترقي رژيم همکاري ته حاضريږي او په مليونو تنه « ټـول افغـا نـان» ملا تړلـی د جمـهو ر ی دولـت په سنګر کي دهمکاري لپاره له پخو ارادو سره دريږي . لکه چه مخکښي مو وويل ديوه مترقي ر ژيم اوولس نظم دا عام خصو صيت دی چـه دټولنی په وده وا لو او بشپړ تيـا منونکو قو تونو باندي تکيه کوي. او له همدی کبله و چه زموږ ددولـت ښاغلي رئيس او صد راعظم دجمهوري انقلاب په لومړي اعلاميه کی دافغانستان دځلمی قوت دهمکاري دجلبو لـو هيله و کړه . ځکه چه ځوان قـوت دټولنی دتکا مل په مثبت لوري تکا مل کول وده وال قوت دی اوراتلونکـی دهغه ده ، دټولنی دتکا مل قانو ن وايي چه په هره ټولنه کـی دزړو توليدي مناسباتو ځای نوی تو ليدی قوتونه نيسي. اوهغه وخت هم دټولنی تکامل ترسره کيږی چه توليـدی قوتونه ونشي کولی چه دزړو توليدی منا سباتو په چوکاټ کی ژ وند او ژواك و کړی .

داچه زموږ په هيواد کي بدلون راغلی داچه زموږ جمهوري انقلاب بر يا لی شويدی ،پخپله ددی څرګند و نـه کوي چه دټولنی دتکا مل پراساس د ټولنی سياسي روبنا بدله شويده او ورځ تر ورځي يی په اقتصادي وجـه هم اقتصادي بريالیتوب تر لاسه کيږي زمو ږ جمهوري نظم چه دهيواد پـه ځوان قوت باندي متکي دی لاد بر ي ډيرنوي نوي پړاوونه په مخکښي لري دافغانستان ځلمي قوت به دهيواد د جمهوري نظم هيلي او ارمانونوترسره کوي په هيواد کښي به ډيري ستر ی پروژی دهمدی ځلمي قوت دمټ ا و ماغزو په زور بشپړ يږی اودغه ځلمی قوت به دخپلو استعدادونو غو ټـی سپړي اوخپل هستوونکي ابتکارونه به پکار اچوی تر څو چه خپل جمهوري پر مخ تللی نظا م دبريا ليتوب خواته ولیږدوی .

دټولنی تکامل وايي چه ټولنه او په ټولنه کي توليدی قوتونه همو ټمپ په ځای نه ودريږي ،وده کوي ،پرمخ ځي او دتکامل نوی نوی پړاوونه شاته پريږدی اود ټولني دژوندانه بنه دخپل بدلون سره سم بدلوی .

که دانقلاب نـه لس کالـه پخـوا دا نظـر و چه ز موږ ټـو لنه هيڅکله هم تکا مل نه کوی. و بـه، خو اوس او د جمهوري انقلاب پـه شرايطو کی عقيده پدی ده چه ټولنه پر مخ ځی او تکا مل کوی او دخپل دغه تکا مل سره سم دوطنوالودژوند بنه او شرايط هم بدليږی .

هوکی ، اوس چه زموږ جمهوري نظم شا مته په ډيره ميړانه ، پوره پرمختګ لوري ټاکلی دی نو دهيواد وطنپرست او وطنپا لونکی زامن ددی نظم شامته په ډيره ميړانه ، پوره صداقت او ربنتنوالی ولاړ دی، اولکه هماغسی يی چه دخپل ګران هيـواد افغانستان دځوان جمهوري نظا م څخه دمنځ ته راتګ له لومړيو شيبو څخه دفاع و کړه او دټينګيدو په خاطر يی خپل تلاشونه و کړل اوس اوس هم دهغه دهيلو او آرمانو دترسره کولو لپاره بيا هم دکـار، زيار ترقـی او پرمختګ په سنګر ونو کښي ولاړ دی او له هماغسی زيار کښي اوميړنی روحيي سره دخپل وطن، خپل ستر ګه کور زر غو نول او سمسـورول غواړی .

– وړاندی ديوه پر مختللی، سـر لوړی او په ځان و يسا افغانستا ن دودانی په لوری !

پولیس زن:

یک وظیفه جدید

ترجمه: کاونده

این زن که لباس پو لیسی پوشیده است کارین او تك نا م دارد. اوموی زرد، جذاب بوده و همیشه تبسم دوستانه روی لبانش نقش بسته است . وظیفه اش دربسیاری موارد ایجاب می نماید تا به مردان دستور داده وخطاهای شانرا بر خ آنها بکشد . این کار خود مشکل است زیرا در هر کشوری ولو خیلی پیشرفته وروشن باشدمردان دوست ندارند تازنی بر ایشان دستوربدهد.

ولی کارین او تك لین همه حقا یق را بدون اینکه خو نسردی اش را از دست بدهد ، می پذیرد .

او وظیفه اش را دوست دارد زیرا بمیلش آن را بر گزیده است .

در اوایل بحیث یك خیاط تربیه یافت ، ولی بزودی این کار خسته اش ساخت . خودش درزمینه میگوید:

« روزی به یك پرو گرام راجع به پولیس زن از رادیو پخش میشد گوش دادم .

بدنبال آن مستقیما بطرف تلفون رفتم و راجع به شرایط شمول به پولیسی چیز های پرسیدم.»

شرایطی که برای پذیرش درخدمت پولیس آلمان فدرال تعیین شده بود آنقدر مشکل نبود . یك زن باید تحصیلات متوسط داشته وکمی از تجارت چیزی بداند .

آزمایش های روانی برای کارین آنقدر مشکل نبود و لی مصاحبه رو برو کمی برایش اضطراب بهمراه آورد زیرا بگفته خودش« نا گمان در برابر ده مردکه انسان را سوال باران میکنند ، رو برو می شوی» و لی او توانست تا از این آزمایش پیروزمند بر آید ، زیرا نشان داد که او بخود خیلی اعتماد داشته بروانی می‌تواند حرف بزند و با مردم ارتباط فوری بیابد. برای اولین بار کورس شش هفته ای گرفت تا قوانین و مقرره های ترافیکی و پو لیسی را بداند.

درآن کورس ،زن های دیگری هم مصروف بودند .که بوسیله پدرا ن ویا شو هران شان به وظیفه‌ی پولیسی کشانده شده بودند .

بیش از مدت یکسال می شود که ا ودر بخش شارلتون برگ، یکی از پربیر وبار ترین محل های بر لین اجرای وظیفه می نماید . درجای که او خدمت می نماید از لحاظ کمبود محل حمل تو قف موتر به‌درد سر بز رگی گر فتار است و به همین د لیل کا ر ین همیشه سعی می نماید تاجلو تخلف کنندگان را که در جای های ممنوع توقف می نمایندبگیرد . بسیاری‌مردم هنگامیکه جریمه می شوند از خود عکس العمل نشان می دهند.وبرخی که تند مزاج اند محشری بر پا می دارند .

ولی همیشه کارین بر خو رد های شدید را با تبسم پر مهر جواب میدهد. بسیاری مواقع حادثه ها ی بوقوع می پیوند دکه ضرورت می‌یابد به ماموریت پولیس و یا حتی محکمه کشانده شوند .

کارین در محل واقعه .

ولی کارین شیوه‌ی بر خورد بخصوص دارد اوبا لحن ملایم به‌مردم می‌گوید که دریك شهر مزدحم چگونه باید مقررات ترافیکی را مراعات‌نمود تا از بر خورد های جدی جلو گیری بعمل آید . و اگر جوانان اعترا ض نمایند که جریمه‌ی ده تا بیست‌مارك

خانواده‌ی سه نفری در کناردریاچه .

کارین بکمك کوران وکسا نیکه‌دچار مشکلات اند میشتا بد .

برایشان خیلی زیاد است او بزودی جواب می دهد « ببنید موتر شماباآب ویا چای سرد راه نمی رود.»

او حتی توسط تخلف کاری های زیاد عصبی نشده و با زبان ملایم همه چیز را توضیح می دهد . روزی او کلاوس شوتیز بنارووال بر لین را ده مارك بخاطر تخلف جریمه نمود.

بنارووال با تبسم ازاش پرسید:

« تر مرا مـی شناسـی که کـی هستم؟»

کارین با لحن ملایم جواب داد:

« اگر امپراتور هم باشید بـرای من فرق نمی کند .»

پولیس های زن که لباس هـم شکل با مهمانداران طیاره وقشو ن سلاوی دارند ، با هم اشتباه‌میشوند این زنها بر علاوه به اطفال و پیران کمك می نمایند تا راه خودرا درست بیابند و حتی به خارجیا نیکه بـه بر لین بدرستی‌آشنایی‌ندارند یاری می دهند .

در بسیاری مواقع کسانیـکه در حوادث ترافیکی زخم بر داشته اند [illegible] صورت درست‌ودر [illegible] به [illegible] خانه برسـند. در [illegible] د کسا نیـکـه در حوادث مجروح شده اند از پو لیس های زن خاطره های بهتری دارند ،

کارین هنگام کمك بدر س های‌دخترش .

در خود بر لین هم اکنون ۱۲۵پولیس زن مشغول اجرای و ظیفه اند و لی در شهر ها و دهات دیگر نیز مـی توان از آنها یافت .

شوهر کارین وظیفه ی‌جدیدزنش‌را يك كار عالي و جديد مي داند. اويك راننده‌ی لاری است . دخترشـــ بتتیناهر روز صبحانه را با ما درش صرف می نماید . کارین بر عـــلاوه شغل پولیسی اش به امور خــانه وزندگی اش بخوبی می رسد زیـرا فکر میکند که برای زن کار خانه در اولیت قرار دارد. در آخر هفته یـا رخصتی ها اعضای خانوادگی بـرای تفریح و میله به بیرون شهر میروند. این خانواده سه نفری موتری دارند که بشکل کاروان در آمده ودر روز های رخصتی به کمك شـان مـی شتابد .

در رخصتی های تابستانی ایـــن خانواده‌ی سه نفری بسوی کشور های‌اتریش ، ایتالیه و یا فرانسـه راهی میشوند . د راین سفراوهیچگاه بجرم تخلف از مقرره های ترافیکی جریمه نمی شود زیرا نمی خواهـد پولش در این را بهدر مصرف شود.

کارین هو تك در حالیکه سـندجریمه را روی شیشه‌ی موتری‌نصب‌می نماید .

لیکونکی : آدری منلی بکر

ژباړونکی: عنایت الله محرابی

لالها نده مینه

ستیفن په ځیر سره دهغی خواته ؤ کتل هغه کراركرار دیوی غرنی غوندی لاړ ی څخه ساحل‌ته راغلیؤ او دایی په داسی حال‌کی‌و لیده چه دډبرو په مینځ کی ناسته وه او دسیند خواته‌یی کتل.

کله چه ستیفن دساحل دډبرو په کـــم رنګه سیوری کی‌ودرید،هغی ونه‌لید .سپوږمی په‌لیوالوسترګو دهغی خوا ته لاندی کتل‌اود اوبو په‌سطح باندی یی دسپینو زرو پـــه رنګک یوه پټی مینځ‌ته راوستلی‌و، دسپوږمی په‌پلو شوکی دپیغلی طلایی ویښتان تقریبا سپین ښکاریدل او دهغی په کمیس با ندی دسپینو زرو تارونه ځلیدل . دستفین پـــه سترګوکی دهغی کمیس دهسپا نیی دکوچنیو ساحلی کلیو دهغو کمیسا نو په‌شا ن‌ښکاریده چه‌ددغو کلیو اوسیدونکی یی اغو نـــدی دستیفن پسی یوه ډبره وخوځوله اوهغی‌به نـندی سره مخ وروااړاوه ستیفـن بخښنـی غوښتلو دپار ه‌وویل :(ماتر دی د مخـــه هیڅکله دسیندونو یوه نجلی‌نه‌وه لید لی،څه حال مودی ؟) هغی په ځیر سره ور ته وکتل اوویی ویل(دسیندونو نجلی).

(دسپوږمـــی په رڼـا کـی داسـی ښکاریدی لکه دسیندونو نجلی) هغی‌وخندل اویوصاف او ښکلی ږغ دستفین تر غوږشو: (اوه، زما دکمیس تو کر همداسی ښکاری،د سپینوزرو اوبه پکښی کار شوی دی) دنجلی آواز سپك او دخوښی څرګندوونکی ؤ. خـو ستیفن داسی محسوسه کړ چه هغه په‌کوم ځای کی یووخت خورو ل شوی ده .

ستیفن هغی ته ورنژدی شو او دسپوږمی په‌رڼا کی یی دهغی مخ ولید چه‌بوستکی‌یی څوان اودهډوکو جو ړ ښت او دخو لی شکل یی‌ډیر ښکلی ؤ . هغی په‌ځیر ارادی توګه مخ‌راواړاوه اودستفین ته‌یی و کتل . هغه‌یر ښایسته او دجګی ونی خاوند انګلیسی ځوان ورته ښکاره شو . هغی پوښتنه ځنـــــی وکړه:

(آیا تاسی په بلنز کی اوسیږی ٤ ؟). ستیفن هغی مار پیچی لاری ته ګوته ونیوله چه‌دډبرو له‌منځ څخه‌تیریده اوپه پاسنی‌برخه کی‌یوه کوچنی سپین کورته رسیدله :(ویلا روزا زما یوه ملګری دغه ځای ماته دیوی میاشتی دپاره په کرایه راکړی دی. ز مـاد اضافی کار تریوی اوږ دی دوری وروستـــه اوس تفریح کوم).

هغی په مودبانه ډول وویل (اوه!استیفن پوښتنه وکړه (دلته دری هو ټلونه دی تاسی په‌کوم یوه کی‌اوسی ؟(په هیڅ یوه کـــی کی. مایو کور کرایه کړی دی).

ستیفن په متفکرانه ډول هغی‌و ته و کتل اوویی ویل :ستاکمیس زما دپاره یومعماده لکه چه خـاص دساحل دپـاره جوړ شـوی دی همداسی نه ده ؟) هغی په غیر متو قعـه توګه وویل :

-(ماداکمیس دیوه ملا قات دپاره اغوستی دی).

(ته دیو چا دکتلو دپاره دلته را غلـــی یی؟)

هغی په داسی حال کی چه دریکی ساحل په‌اوږدوکی یی دڅپو دتصادم ننداره کوله‌په کلکه لهجه یی وویل :نه)

-(داډول کمیس خو دیواز یتو ب پداسی شرایطو کی داغوستلو دپاره نه دی).

هغی بیاپه بی پروایی سره وو یل:(نه) اوزیاته یی کړه :

(ښه نو شپه په خیر . هیله کوم چـــه درخصتی‌څخه دی‌خوند وا خلی).

بیایی دخپل اوږ ده کمیس لمنه پخپلو لاسو کی راټوله کړه اوشګی یی ور څخـه وخنډلی اوله ساحل څخه پور ته خواته‌روانه شوه. څو شیبی وروسته ستیفن د خپـــل وروتګک له امله ډیر په‌غصهٔ شو.کلهٔ چه‌دی هواری سیمی ته‌ورسید هغه نجلی عایبـــه شوی‌وه. دهغی دطلایی و یښتا نو او په‌زړه پوری آواز څخه پرته وبله هیڅ ډول نشانه‌نه درلوده.

دوی ور ځی وروسته ستیفن هغه آوازپه مارکیت کی پیدا کړ. هغی له یوی کبی‌څخه زردالو رانیو ل ده دهغی دبر ټتانوی لهجـی (تشکر) واورید او کله چه هغه راوګرځیده‌نو ویی‌لید له.

هغی یو ساده تور کمیس اغوستی ؤاو خپل طلایی ویښتان یی پخپل سر باندی‌تاو کړی وو.

ستیفن ور ته وویل :(په هسپا نوی ژبه دتشکر دپاره (ګراسیاس وایی) هغی مـخ ورته راواړاوه‌او د مسکا په ترڅ کی‌یی وویل: (پوهیږم ماهغه وخت په اسپانوی خبـــری کول بس کړل چه یوی نجلی په‌یوه دوکان کی په‌ډیره سمه انګلیسی ځواب راکړ،هغه وخت ځان‌راته ناپوه ښکاره شو)

ستیفن ورته ووویل : (داراز پیښی موږ ټولو ته پیښیږی . ما دساحل په غاړه یوه‌د سیندونو نجلی ولیده زه ډیر کرار روان وم کله‌چه می سد سر ته راغی هغه غایبه شوی وه.) بیایی تر یوی ونی لاندی میزته‌دسرپه واسطه اشاره وکړه او ویی ویل :(اوس قهوی دڅښلو وخت دی ښه به وی چه‌دواړه یوځای قهوه سره وڅښو.)

هغی دمسکا په تر خ کی خپله بور یایی ټوکری چه رانیولی شیان یی پکښی ایښی‌ؤ راپور ته کړه‌ستیفن د هغی اوږدو او نازکو لاسونو ته متوجه شو . دهغی په‌ګوتو باندی حلقه نه‌لید لکیده. ستیفن د هغی څخـــه ټو کری وا خیسته او تر میز پوری یی‌یووړه بیایی دهغی دپاره قهوه راغوښتله .

ستیفن په رسمی ډول ووو یل :(زه‌ستیفن بلیك) یم.

-(تانیا پیکفورد).

-پریږده چه حدس وکړم ، د لنـــدن یاست ؟)

-(نه دایلسبری دښاریم)

هغه پو ښتنه وکړه: (څو مره نوره‌موده‌به دلته پاتی شی ؟)

-(دری‌نوری هفتی).

دهغه درخصتی خلا صیدو ته دو ی هفتی پاتی وی. هغه فکر وکړ چه په دوو هفتـو کردیوه نفر په باب ډیر معلو مات تر لاســه کیدای شی او ؛زیاتی خاطری منځ تـــه راوستل کیدای شی . هغه له تانیا څخـــه پوښتنه وکړه:

-ږ آیاته چه په یوه کور کی یو از ی اوسی د خپګان احساس نه کوی ؟)

-(که رښتیا وو ایم نه ز ما دخپل ځـــای آزادی ډیره خو ښه ده زه‌پخپله دشپانو د رانیو لو څخه خوند اخلم او که‌و غواړم خپل سبا ناری غر مه خور م. آیا ستاسی د پاره داډول ژوند په زړه پوری نه دی :)

-(هو مګر زه یوازی ژوند کو م،دشمالی لندن په‌یوه کور کی . داسی احساس کوم چه دیوه یوازی سړی دپاره ر خصتی پـــه ورځو کی ډ یری نیمګړ تیاوی شته .)

تانیا پو ښتنه وکړه :(آیا ته له ما څخه غواړی چه‌په تا باندی زړه وسو ځوم؟)

ده سمد لاسه ځو اب ورکړ :(هو)

تانیا سر ګر مه ښکاریده او مو ضوع یی‌بدله‌کړه. له هغه څخه یی ؤ پو ښتل‌چه‌آیا دکبانو بازار یی لید لی او د خر خلاو دپاره دایښودل شوو کبانو پاکسو کتا رونو ته‌یی پام کړی که‌نه ؟

اوداچه آیا په بیړیو کی د خلکو لخـواد کبانو وریتو لیی‌لیدلی که‌نه ؟

هغوی خپله قهوه خلاصه کړه. ستیفن نه‌غوښتل چه‌خپلی ستر ګی د هغی د مـــخ څخه بلی خوا ته وغړوی ، له هغی څخه‌یی پوښتنه وکړه :(تانیا، آیا ته بارسلو نا تـــه تللی یی ؟)

-(تراوسه پوری نه)

ستیفن د هغی درانیو لو شیانو ټو کری دهغی تر کوره پو ر ی ورسره یووړه .دتانیا کور دسیند په‌غاړه وو لوړ دا وسپنی‌دیوالونه یی‌درلودل او کوچنی غو لی یی له‌نباتا تــو څخه ډك وو. دی ددغه کور لاندنی پوړکرایه کړی وو. کله چه تانیا خپل رانیو لی شیان کورته یووړل دی دیوی ونی ترسیوری‌لاندی ورته منتظر وو. هغه څه شیبه وروسته لـهٔ کوره راووتله اوپه لویو تورو عینکو یی‌نیم مخ‌پټ کړی وو .

تر غر می وروسته ګر می ډیره زیاتـــه اوپه ښار کی خورا ګڼه ګوڼه وه . هغـوی د(کریستو فر کو لمبوس) ترستو ن لا نـدی شیریخ وخوړ اوبیایی دښار جا مع کلیسا او میدانی بازارونه ولید ل .تانیا وو یل :(پدی سیمه کی یو نمونه یی هسپا نوی کلی شته چه کورونه او دوکانونه یی په خا صـــــ هسپانوی سبك جو ړ شوی دی خوموږ اوس وخت‌نلرو چه ورشو .)

هغه ځواب‌ور کړ :(موږ کولای شو سبایا بل‌سبا هلته ور شو) بیایی دتانیا څنګل‌به پخپل لاس کی حلقه کړه او دخلکو د ګڼـی ګوڼی له منځ څخه یی تیره کړه.ستیفن‌هغی ته‌وویل :(راشه اونن شپه دشپی ډوډی‌تـه زما سره ولاړه شه) هغی خپل سر د نفـی په‌علامه و ښو راوه او ویی ویل :(ماله‌خپلی یوی ملګری سره و عده کړی چه‌نن ماښام‌به له‌هغی سره تیروم. هغه دساحل په هو ټل

کی دتشریفا تو آمره ده ۰)

ـ(په ایلسبری) کی څه‌کار کوی ؟

هغی په لنډه تو گه ځوا ب ور کړ :(زه‌یو دوکان اداره کوم دادکا ن دکور جوړوو نکو دپاره دی او عجیب غیر معمو لی انتیك اوپه زړه پوری شیان پکښی دی)۰

ـ(ډیر ښه کار دی ۰)

ـ(زما دپاره دایو بری دی) ما خپلی‌تولی سپماوی په دغه دو کان کی په کار اچو لی اویوه شریکه لر م چه (جو لیا وست) ـ نومیږی)۰

ـ(نو ته یوه لو یه سر مایه داره ښځه یی؟)

ـ (نه) هغی په تیره‌آواز وویل :

ستیفن تانیا دلمر څخه دیوی قهوه‌خانی خواته بو تله چه دواړونو تر تو دو خـــی وروسته دیخنی احساس و کړی ۰ بیا یـی پوښتنه ځنی وکړه :(ماڅه وویل ؟)

ـ(هیڅ‌اوه‌ز ما په عقیده هر څه ستـــا گناه‌نه‌وه ۰(لاری) په ماباند ی ډور لگاوه‌چـه ډېره خودخواه یم، همدو مر ه‌اوبس ۰)

ـ(لاری ؟)

تانیا هغی ته وکتل چه دیوه پلټونکی

بڼه یی ځان ته نیولـی وه اوداسی ځـواب یی‌ورکړ:

(موږله‌یوه کال څخه دزیاتی مودی دپاره

سره نـامزدو زمـا دهـغه کـمیس دپـاره (لاری) ټوکر رانیولی وو، دا ټو کـر یـی دجنوری په میاشت کی رانیو چه هواخورا سره وه اولویو پلورنځیو خپل‌کالنی‌لیلامونه

اعلان کړی وو۰ موږ یوه پلور نځی‌ته‌ورننوتلو اوماوویل چه تل می دغه ډول غو ښت۰ هغه ماته دغه ټوکر رانیو او په کور کی‌یی راتـه وغوړاوه۰۰)

دهغی په مسکاکی پخوانی خا طر ی‌په

نخا اودغمگینی علامی پکښی ښکاریدی ۰

(ما اوهغه یووخت یوه لنډ ه‌رخصتی پـه اسپانیا کی تیره کړی وه چه زموږ دپـاره خورا ارزانه تمامه شوه ۰مو ږله‌یوبل سره

وعده وکړه چه‌یو و خت‌بیا اسپا نیاته راشو اوزه‌به هغه کمیس واغوند م۰زما په‌فکر ډیـر احمقانه دی) هغی ددی په ویلو سره خپلی اوږی پورته کړی ۰

ستیفن په آرا می سره‌پو ښتنه وکړه: (لاری ته څه ور پیښه شوه ؟)

ـ(هغه شپږ میاشتی د مخه له ما څخـــه جلاشو۰ موږ دمخه هم دعوی سره کړی وی خونه دهغی ورځی په‌شا ن۰ هغه راته وویل چه‌زه یوازی بریا لیتو ب غواړم اوتو قع‌لرم چه‌ژوند باید آرام او ښیا نده وی۰۰

گوره زه هومره تږی نه‌یم لس دقیقی وروسته یو سرویس حرکت کوی زه غواړم وختی‌کورته ولاړه شم .»

دکور په لارکی هغه چوپه‌وه . ستیفن د لوړی فلزی دروازی سره له هغی سره دجلا کیدو په‌وخت کی وویل :« خوښه دی نه‌ده چه‌سبا یوه آرام خلیج‌ته‌ولاړ شو . بارسلونا به‌یوی سړی ورځی ته پریږدو زه فکر کوم چه اوبه به‌ډیری په زړه پوری‌وی، دسیندونو نجلی !» هغه غوښتل په هر ډول چه‌وی دهغی دمخ ورك شوی منظر بیرته را ژوندی‌کړی .

هغی بیاپه بی پروایی سره وخندل :«سمه ده‌زه به‌دساحل یـوه ټـوکری هـم راسره راوړم .

ستیفن وویل :«زه‌به شرآب راوړم.»

«ویلاروزا» خالی ښکاریده . ستیفن‌په‌بی شوقی سره ځانته ځواږه برابر کړه‌اوفکریی کاوه چه لاری ـ هرڅوك چه‌وی یواحمق‌دی.

سهار هغه یوبوتل شامپاین‌او دوه‌دسیبنی گیلاسونه رانیول او تانیا ته‌یی وویل :«آخر موږ خو شامپاین په پلاستیکی پیالوکی‌نشو څښلای . تانیا له هغه څخه پوښتنه وکـړه چه شامپاین دی ولی رانیول او ده هماغه‌ځواب ورکړ چه هغی‌یی آنتظار درلود :

ـ «ددوستی دنمانځنی دپاره »

* * *

هغو ی په یوه آرام خلیج کی‌ولامبل‌او وروسته تانیا خپل دمیلی خواړه په یوه‌ټوکر باندی کښیښودل او دواړه په خوړلو شروع وکړه . ستیفن پوښتنه وکړه :«آیا تراوسه هم دلاری په‌باب فکرکوی ؟»

تانیا خپل سر وښوراوه ،یوه‌ژوره ساه‌یی وکښله اوویی ویل :« اوس نه. ماډیروخت دپاره فکر کاوه چه‌هغه به بیرته راشی خو هغه رانه غی .»

ـ «هغه -څه‌کار کوی ؟»

ـ «خدای پوهیږی» هغی په خپل لطیف آواز خبروته دوام ورکـړ : «هغـه استعداد درلود خو یوبی ارادی انسان ؤ، اوله هیڅ شی سره یی علاقه نه پیدا کوله .هغه ښه انځورونه‌کښل اوپر لړگیو باندی یی ښکلی نقشونه کیندل ، لیکوآلی هم کوله »

هغی خپلی سترگی پټی کړی او د«لاری» تصویر یی دسترگو په منځ‌کی په څرگنـده توگه را پیدا شو :

یو نری‌دخندا ډك‌مخ ،دگڼو نسواری‌وینښتانو او شنو سترگو سره . لاری یو مهربان، نجیب او ظریف مگر په‌عین حال‌کی یوضعیف‌انسان وو . دهغی سترگوته په‌یوه رخصتی‌کی هغه میله مجسمه شوه چه د«لاری» سره‌یی دفالبین خبروته غوږ نیولی وو .

هغه صحنه چه‌پهٔ سیتماکی دخورا ارزانهٔ ټکټ دزا نیولو دپاره دواړه په کتارکی ولاړ ؤاوددی کار څخه یی یوه ټوکه جوړه کړی وه. هغه صحنه چه‌دیوی میاشتی یوځای توب خاطره یی دغوایی دغوښو دساندویچو پـه خوړلو اود قهوی په‌څښلو نمانځله ..

ستیفن دغه خاطری دهغی په سترگوکی ولیدی او ورته ویی ویل :« داسی معلومیږی چه‌هغه بیخی یوغیر عملی سړی ؤ .»

ـ «هو! مگر هغه ډیر په زړه پوری‌هم‌ؤ له‌خوبونو او خیالونو څخه ډك فکریی در لود

پاتی په ٥٦ مخ کی

تا اینجا داستا ن

خبر باز گشت نوایی به هرا ت‌وانتصاب‌اوبحیث‌مهر دار دو لت، چون حادثه مهمی انکاس میکند . مردم خراسا ن این تقرررابه‌فال نیک میگیرند و چشم امید بسوی اومی دوزند .

روزی حسین بـایقرا نوایی را نـزدخود فراخواند ه نظر ش رادرباره‌میرزایادگار یکی ازشهز اد گان تیمور ی خواستار مـی‌شود اما هنوز دیری نگذ شته شهـــزاده مذکور علم بغاو ت بلند میکند و بعـــدازاشغال جرجان ، در صدد تسخیر خراسان برمی‌آید .حسین‌بایقرا باسپا هی بز ر گ‌عازم آن دیار شده او را شکست میدهد.

در همین آوا ن خبر میرسد که مـــردم‌هرات از رویه خشن و بیداد بر خی‌عاملان بستوه آمده اند ونا امنی سختی در آنجاحاکم‌است. این غایله توسط نوایی فرو نشانده میشود .

چندی بعد در اثر جنایت بر خی بیک‌هادروازه هرات به روی دشمن گشوده میشود ومیرزا یادگار بر اریکه قدر ت می نشیند حسین بایقراپس از مدتی آوار گی بسوی میمنه رو می آورد .

در خلال این مد ت، شبی سلطا نمرادباتوفان بیک ملا قات میکند وباوی راجع بـه جریان امور کشور حر ف میزند .

- اما درنزد حسین بایقرا علیشیر نوایی وجود دارد. باید میرزا یادگار ازین شا عر خیلی حذر کند !

علاوالدین مشهد ی رنجید:

-اینقدر مبالغه : او انسانی بغا یت‌نرم طبیعت است‌تو اورانمیشنا سی .

-نخیر ، نوایی قدر ت بزر گی است:او عمیقا باسیاست آشنایی دارد .علاوه برخرد مندی از اعتباری بزر گ در میان مردم‌بـر خوردار است .این‌درست است که من اورا ازنزدیک نمی شناسم ، اساسا بهتر است آدم ازوی بگریزد ودور دور بگر دد اما هر کس‌ازروی کردار خود شناخته میشود.به‌هر بافنده ازروی کرباسی که بافته استمـــی تران پی برد . هر گاه قصیده ات‌بی‌نمک باشد. هیچکس به شا عر یت اعترا فـنـــه خواهد کرد.

سلطانمراد که پیهم باتـکان دادن سر سخنان اورا تصدیق میکرد ، گفت :(امید واریم که نوایی عنقریب کشور رااز گرداب آشوب وفلاکت بر هاند :).

توغان بیک با قیافه گر فته بز میـــن نگریست وبعدا در حالیکه نیمه بدن خودرا حرکت میداد گفت:

-برای کشور هیچگونه خطری متو جـــه نیست. در رگهای میر زا یادگار نیز خون تیمور جریان دارد .او فقط حق مسلم خودرا خواسته است وبس_:

سلطا نمراد که منا قشه باوی را بی‌ثمر میدانست سکو ت کرد تو غان بیک زیاد نوشید .علا وا لدین نیز به تقلید از وی، چند جام نسبت بهر و قت دیگر بیشتـــر گرفت وسر انجام از حال ر فت. سلطان مرادکه سر حال بود از جابر خاست تـــا علاوالدین را در آنجا گذاشته ، خودش‌برود توغا ن بیک تاد رواز ه اورا مشا یعت‌کرد. صحن‌پر از در خت حویلی ،آرام در نـــور مهتاب غنوده بود. تو غان بیک صدا کرد:

-نور بابا ،شمع بیاور :

سلطا نمراد گفت :

-به‌شمع ضرور تی نیست .

-عجله نکن. زود به حجره خواهی رسید بهتر است قبل از آن در پیشگاه رب‌النوع زیبایی سجده کنی :

سلطا نمراد نتوا نست از ین گفته‌چیزی در یابد ،وشانه رابالا انداخته از پی‌توغان بیک‌روان شد . برده پیر شمع آورد. توغان بیک یکی ازخانه های واقع در عقب درختان راگشوده گفت :(بفر مایید)

چشم سلطا نمراد به دختر زیبا روی افتاد که نزدیک دریچه مسدود بااضطرابـی عمیق د و زانو نشسته و سر فرو افگنده‌بود سلطانمراد در حالیکه بانو عی انفعال یکی‌دو قدم عقب میگذ اشت با خود گفت :(درکمال زیبایی است، زیباروی بی همتا است!) _ توغان بیک به لگنی که در طاق نهاده‌شده بودچشم دو خته، بالای سر دختر ر فتو اندکی خم شده باتر مش پرسید :

-دلدار جان، چرا غذا نخوردی ؟ غذای دیگربرایت بیاورد ؟

-میخواهی غذا بخور م : بجای آنز هر بده، زهر :

دختردر حالیکه قا مت خو یش راراست نموده باندوه وتاثر فریاد میکشید ، _ چشمانش در خشید و سینه اش از شـــدت خشم لرزید.

پیرمرد که خامو شانه سر بزیر افکنده در دستان لرزان خودشمع گر فته بود، بـــا صدایی محزون گفت:

-دختر م، بخدا روی آور ، فقط از وی نجات بخواه !

توغا ن‌بیک مغر ور انه گام برداشته‌بـه سلطانمراد نزدیک شد و آ هسته بگو شش گفت:(قشنگک است به دل چنگ میزند؟)

سلطانمراد چیزی نگفت . طور غیر ارادی‌با تالروخشم دختر را ازنظرگذرالید وبیرون‌بر آمد.

لحظه ای بعد تو غان بیک نیز بیرون‌آمده دست خودرا برشانه اوگذ اشت و تبســم کرد.

سلطا نمراد اند یشناک پرسید :

-این کیست ؟

-دیشب از دهکده اش ربودم . حسنی بغایت لطیف دارد .

-مگر نمیتوا ن اینگونه حواد ث رابرای مملکت ازجمله بلیا ت بحسا ب آورد؟

-دوستم ، این حر فها رابگذار! ربودن دختر ماجرایی بس خوشایند است : شب ازنیمه گذشته واو با مو های پریشان روی صفه، درخوابی شیرین فرو ر فته است، آنطر فتر مادر کلان پیر ش (خر ـخر)میکند با دوجوان خودرا به‌نوک پا بر سرشـــ رسانیـدم . نخست آ هسته از پیشانیش بوسیدم، بعدا دها نش را بستیم و با خـود برداشتیم ودرست مثل کسیکه ازبا غ گـل بدزدد وپابه گریز نهد، بسهولت از دیـوار جهیدم واو را براسب نهاده جلو ش راآزاد گذاشتیم . ماجرای جالبی است .. آ ری صحبگاهان به خانه یکی از آشنا یان در حواشی شهرفرود آمدیم و چند لحظه قبل‌او رادرینجا رساندیم .. اینگونه کار هاکیف ولذت جداگانه ای دارند ..

-چرا اینطور کردی ؟ حالا سر نوشت اوبکجا خواهید کشید ؟مگر ممکن ا ســت مصیبتی جانکا هترازین برای یک پدرومادر روی‌دهد ؟ سلطا نمراد با بدنی مرتعش‌حرف میزد.

-در ماجرای عشق، قبو ل دل شرطاست اینرا خوب میدانم -تو غان بیک آرام وبـــا جدیت حرف میزد اگر نخواهد حتی دستش راهم بدست نخواهم گر فت: در خانه‌آقای مازندگی خواهد کرد. اما در حقیقت دختری است که باید زینت بخش سرای باشد.

- نه، باید بیچاره رابه خانواده اش بر گردانی. این یک عمل کا ملا انسانی‌است توغان بیک نباید انسا ن چون باز یچـــه

ای‌دردست هوسهای زود گذر قرار گیرد.
گیرد.

-خو بست ، درین باره فکر میکنیم،حالا شب بخیر.. توغان بیك از وی فا صلـــه گوفت.

سلطا نمراد مدتی در جای خودمیخکوب مانده چشم به درواز ه بسته دو خت،سپس باحالت محزو ن وناتوا ن آ هسته براه‌افتاد شهر درخواب عمیق فرو رفته بود.ازفاصله دور جا مع هفت طاق هرات و قلعه(اختیار الدین) در روشنا یی‌خا موش شبانگاه، -شکو همند تر وبا عظمت تر بنظر میرسید. سلطا نمراد با وضعی نسبتا غیر ارادی،بـا قلبی آکنده ازنفر ت نسبت به توغان‌بیـك وبا خشمی پایان ناپذیر نسبت بتمام‌جباران جهان راه میرفت. درتاریکی به‌حجره داخـل شدوبدو ن آنکه شمع بیفز وزد ،بسترخودرا گسترده دراز کشید . خوا ب از چشمانش پرید. اینطر فو آنطر ف غلتید . فکــر وخیالش بادلدار بود. دردی خوشا ینــددر سینه خو یش احساس کرد .لبانش تکـان خورده چند باراین بیت را تکرار نمود:

چشم‌اگر اینست وابرواین ونازوعشوه این
الوداع ای عقل وهوش‌والفراق ای علم‌ودین

فصل هفتم

حسین بایقرا در (چهار باغ) میمنه بـــا وضعی افسرده بسر میبرد .حالا از آنهـمه ضیافت های شاهانه وبزم های پر شکوه خسر وانه اثری نیست . او اکثر اوقات‌در يك‌خانه بزرگ مربع شکل که نقشها یش روبه کهنه شدن نهاده بود ودريك گوشه باغ‌مو قعیت داشت ، تنها می نشست‌وحتی غزل هم نمی سرود . حکمر وایی کــه‌از تخت خسروی فرو افتاده بود دیگر بیاد -ابروان مقوس و چشما ن شهلا ی‌زیبارویان حتی یکبار هم آه نمیکشید : عشق و علاقه به‌تاج وتخت‌باشیر مادر بخو نوی اندرون شده بود او درین روز هانیرو مندی ایـن عشق راعمیقتر و شدید از هرو قت دیگر احساس میکرد.

شور وفریاد جوانان وسپاهیانی کـه آواره از پی سلطان سر گردان ،نظم‌وترتیب خویش را ازدست دادوبا کشتی گیــر ی‌و انواع دیگر تفریح ها خودراسرگرم‌میساختند ازگوشه دیگر باغ بگوش میرسید.. حسین بایقرا نفسهای عمیق میکشید وبابی صبری ورود کسی را انتظار میبرد. ایشیك آقاسی داخل شدو تعظیم کنان گفت :

-تشریف آوردند ، اجازه ورود مـــی دهد ؟

حسین بایقرا باشاره سر تصد یق‌کرد. همینکه نوایی وارد شده بر طبق معمـــول تعظیم بجا آورد، سلطان بابی صبری موقع جلوس نشانداد وبدو ن مقد مه به سخـــن آغاز کرد:

-اندیشه ای در خا طر گذشته بود. -خواستیم نخست از همه ، درین گو شـــه خلوت، بانظر شما آشنا شویم . یقین‌دارم که‌این‌وقایع پر از درد سر شما را بیشتربه تشویش افگنده است .

نوایی گفت:

-ازلطف شما بغایت ممنونم .آمده‌ام‌تااز حضور شما خبر مسر ت بخشی بشنوم.

هرچند در آنجا کسی نبود. باآنهم‌حسین بایقرا باصدایی خیلی پست، معـلو مـات قابل تو جهی‌راکه همه وزه ازواقعه نگاران خویش دریا فت میداشت ، بوی بازگــو کرد.

وعدم استقرار حا کمیت میرزا یادگاررا افاده نمو د. نوایی نیز آنچه راکه در باره وضع هرات شنیده بود ، یکایك بیان کرده پرسید:

-حالا به چه قرار ی رسیده اید ؟

-مشکل‌اساسی هم در همین جاست.... درین باره وقت فراوان بکار باید برد-بایقرا پس ازلحظه ای مکث ادامه داد هرگاه مابـــا سپاهیان موجود خویش بسوی‌دارا لخلافـــه حرکت کنیم ودر يك فرصت کا ملا غیــر

بقیه درصفحه ۵۷

گـزارشی از نمایشگاه نقا[ش]

شهرانی درحال‌نقاشی پور تریت‌ ناغلی رئیس دولت و صدراعظم

پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات‌وکلتور ازآثار شهرانی دیدن میکند

از رشید «آشتی»

ـ به عقیده شهرانی: هنر بایست‌به موازات پیشرفت زمان گام نهد .
ـ او در آثارش با عظمت تریـــن‌آرمانهای زندگی را متجلی ساختـــه است .
ـ تابلوی « همت» با بهتریـــن ســجایای هنری‌از آینده‌روشن‌انسان هموطن ما باز گو میکند .
ـ در آثارش ، افتخارات ملـــی‌گذشته ما و هم عناصر خاص ملـی وواقعات بین المللی تصویر گردیده‌است .

یکتعد اد از محصلان پو هنتون کـابـل بـــا صمیمیت ز یــاد وابـراز عــلا قمنـدی اطـــرا ف شهرانی نقاش جوان و بااستعداد حلقه زده بودند که نمایندگان‌ژوندون ورادیو از او خواست تا در مـــورد آثارش مصاحبه ای با آنها نمایند .

او با رضایت خاصی حاضر شـــد پای صحبت نماینده ژ وندون بنشیند و به معرفی‌آثارش بپر دازد وگاهی‌هم به اطرافش نگاه میکرد تا شمـــار بینندگان آثارش را بداند، بعـــد خنده ای کرد و خودرا از حلقه‌جوانان پوهنتون بیرو ن کرد و به خواهش نماینده مجله و رادیو لبیك گفت.

براستی هریك از اعصار زندگی مسایل‌خاصی بو جود می‌آوردومسایل جداگانه ای در مقابل انسان هامطرح میکند و گا هی‌هم این مسایـل و واقعیت ها به نحوی در دست آورد های انسان ها متجلی میگردد.دراین جا بطور خاص نقا شان و رسا مان بادنبال مراحل اصلی وقایع زندگی مسئولیت شان سنگین تر است تـا باکسب تجارب علمی و تکتیك هـای تازه، سیستم کار خود را طوری‌طرح و تنظیم نمایند تا دست آورد هایشان واقعا انعکاس از زندگی واقعی‌واصلی انسان همعصر و هموطن شان باشد وطوری محیط را دوباره شکل دهند که بتواند خواست بیننده را در درك واقعیت های محیطی اش ارضانمایند.

استاد شهرانی نیز عقیده‌داردتاهنر بایست به موازات زمان و فق داشته باشد و بایست نقا شان امروز در کشور ما در همین راه پیشروند.

شهرانی که نامش‌عنایت الله است جوانیست خوش خلق و سیمـــای بشاشی دارد و از نخستین برخورد تمام صفات یك هنر مند واقعی را در اومیتوان یافت .

او گفت از زمان طفو لیت‌به‌رسامی بدون آنکه به مفهوم نقاشی و رسامی بدانم ، علاقه داشتم و با استفاده از ذغال و غیره بروی دیوار ها نقش میکشیدم دردوره ابتدایی‌درمضمون رسم در مکتب هم نمرات خـــوب میگرفتم . با ادامه تحصیل مهارتم در رسامی زیاد شد و در دوره بکلوریا ، توانستم تایك دیکشنری اطفال را تالیف و رسامی نمایم وبعدا در این رشته کارم خوبتر شد و در دوره پوهنتون بعضی ازکتاب های تعلیمی وزارت معارف را رسامـــی کـــردم. شهرانی اکنون بحیث‌هنرمند مشهور وقابل قدر جامعه ما تبارز کرده‌است.

شهرانی با سُبك های ریا لیزم ، کوبیزم و ابستر کت (نیمه مدرن) آشنایی دارد اما بیشتر باواتر کلـر (رنگ آبی) سرو کار دارددرپورتریت مهارت زیاد دارد . او چهره هـــای زیادی از رجال بزرگ را به شکـل پور تریت رسم کرده است. پیـــرو سبك خاص‌نیست ولی‌بیشترآثارش‌از از مکتب ریالیزم و کو بیزم مایـــه گرفته است .

او گفت بین سبك ها حد فا صلی موجود نیست چنانچه در آثار م کـه بیشتر به‌سبـك کـــوبیزم اســت ، خصوصیات مکاتب دیگر نیز در آنها خوا مخواه زیدخل می باشد .

در نمایشگاه‌شهرانی‌که درکتابخانه پوهنتون کابل‌برگزار شده‌بودبه‌تعداد ۸۵ تابلو به نمایش گذاشته شده که در حدود هشت الی نه آن پور تریت وهشت الی نه آن شکل کوبیستـی دارد.

تابلو های ، دیزاین ، منارومسجد جنگ اسرائیل و عرب، سگ پاسبان همت، حکمران قدیم ، نـگاه تنگـــی تاشقرغان ، دوشیزه افغان، بزکشی، بازار قدیم کابل ، کنار جوی، تکـــه ابریشم که بعضا، پور تریت‌وبارنگ آبی و(روغنی) زغال ورنگ سیاه کار شده ، تابلو های اند که جدیدادر معرض نمایش قرار گرفته است .

از میان تابلوی های که مـــورد نمایش قرار داده شده، تابلوی‌همت است که عنصر اساسی اش، انسان هموطن ماست و بدین لحاظ بیشتر قابل ارزش است .

این تابلو به مفکوره، مصرعـــه معروف :

نزد همت‌کوه آهن‌درشمار سوزن‌است

نقش گردیده وانسان را درحالـت کار و فعالیت نمایشی میدهد وبسوی آفتاب یعنی بسوی آینده روشن خود وهموطنش در روشنایی های ر ژیم

...شی شهرانی

دلخواه مردمش به پیش میرود . این تابلو به هنر ابسترکت یانیمه مدرن رسم گردیده است .

او گاهی پای عناصر ملی‌راپیش میکشد و با تابلو های بزکشی ،شیر فروش ، دوشیزه افغان عناصر خاص ملی و عنعنات باستانی کشور ما قصه میکند .

تابلوی مینار غزنه ، بازار قدیم کابل بیانگر دوره های پر افتخار کشور ماست ، و لی قلم مویش، گاهی از واقعیت های دیگری زندگی حرف میزند ، در تابلوی لبلبو فروش و حکمران قدیم ، خاطرات تلخ واوقعیت های انسانی تری را پیش چشمان ما مجسم میسازد .

گاهی متوجه پهلو های دیگر بیرون از سرحد کشور در آنسوی خط های دور دست میشود ، و حماسه اعراب را در گیر و دار اسرائیل روی تابلو پیاده میکند ، تابلوی جنگ اسرائیل واعراب که رنگ هابحیث سمبول‌کار شده ، توافق رنگ ها طوریست که هر رنگ خصوصیات این ممالك را بیانگر است . ولی آنچه بایست‌گفت، دوری ذهن اکثریت بیننده از درك‌آن است . بدینصورت هنر کمی فاصله از بیننده اش می گیرد .

استاد شهرانی ، چندین بارنمایش آثارش را بر گزار کرده، در مرکز وزارت اطلاعات و کلتور ،مرکزثقافتی امریکا و هم دریك تعداد نمایشات گروهی ، تابلوی«جاده مردم»موصوف حایز جایزه مطبو عاتی گردیده‌است. شهرانی در مورد هنر نقاشی تحقیق ومتتبع نموده وچندین اثری هم در زمینه ادبیات تا لیف و ترتیب نموده است .

کتاب بنام «آرت» برا ی معلمین ثانوی» ، «هنر در افغا نستان»کتاب دیگریست که سوانح‌بیش از ۷٤تن هنـرمندان کشور در آن‌معرفی‌گردیده است .و کاپی انگلیسی آن نیزآماده چاپ میباشد .

اصول تدریس آرت تر بیوی نیز کتابیست که شهرانی برای استفاده معلمین و کسانیکه به این رشته علاقه داشته باشند تالیف کرده است .

در ادبیات نیز کتابهای متعددی نوشته و چاپ کرده است .

لـغات مستعمـل در لـهجه دری بدخشان کتابیست که درآن اشکال تلفظ ، محل تلفظ با استفاده از علایم فو نتیك نوشته کرده است .

ــ فلك های کهسار ، دوبیتی های محلی بدخشان درآن ثبت گردیده است .

ــ امثال و حکم مناطق افغانستان در سه جلد . جلد اول بزبان پښتوکه در این کتاب شهرانی از تماس‌بامردم، کتاب های مختلف پښتو و هم‌ازکتاب های‌مرحوم گل‌محمد نوری وهم‌ازآثار محمد دین ژواك استفاده کرده‌است.

ــ جلد دوم ، امثال و حکم دری (در حدود ٤الی٥ هزار امثال و حکم این جلد از ده سال به اینطرف جمع آوری گردیده است .

ــ جلد سوم امثال و حکم زبـان های محلی بلوچی ، پشه ای،ازبکی ونور ستانی است .

کتاب دیگر داستان افسانوی یا محلی« گور اوغلی» که در مجله‌فلکلور هم نشر گردیده است .

دو کتاب دیگرش نیز بنا مشاعر بدخشان، بیو گرافی بیدل شناسان وکتاب دیگری راجع به افضل خان سرخوش معاصر ابو المعانی بید ل نیز تحت کار و عنقریب آماده چاپ میگردد .

شهرانی به رسامان وطن و آثار شان علاقه زیادی دارد. طوریکه درکتاب هنر در افغانستان ازرسامان کشور از زمان امیر شیر علی خان تا

بقیه در صفحهٔ ٦١

از تابلو های شهرانی که به سبك های مخصوصی نقاشی شده است

تابلوی «همت» یکی از آثار با ارزش شهرانی

تازه‌ترین فلمها
در پرده سپید

صحنه ای از فلم میانجی گری ازشهکار های سینمای انگلستان

سطح نمایشات هنری سینماهای کشور . بلندرفته است. تازه ترین فلم‌های کمپنی های بزرگ جهان ، در سینما های کشور به نمایش گزارده می شود.

برروی پرده آمدن فلم های برادران کارا مازوف ، بینوایان ، آخرین مرد روی زمین ، همسر کشیش ، شرق جاوا ، ینگسیر وامثال آن . هریک حادثه هنری سال بشمار می روند.

در جهان امروز سینما، بحیث یك پدیده خاص هنری مورد قبول همگان قرار گرفته و رونق شایانی یافته است .

همگام باسرعت زمان ، در امور سینما داری و تهیه فلم های هنری نیز تحولات و دگر گونی هایی وارد میشود ، که سبب میگردد ، سینما وفلم بیك حالت ثابت باقی نماند و هرروز رنگ و رونق تازه یی بگیرد.

با اعمار سینما های عصری ونمایش فلم های جدید وخوب سینما در افغانستان طرفدارانی پیدا کرده وهر روز بر تعداد این طرفداران می افزاید

در پهلوی ازدیاد علاقمندان آن اعمار سینما ها نیزروز افزون گردید، چنانکه امروز تنهاً درشهر کابل دوازده سینمای عصری، به نمایشات می پر دازد ...

... و اما آنچه درین میان قابل تذکر است، عدم توجه به سطح نمایشات این سینما هابود، که در گذشته، عوض جنبهٔ های آمو زشی وتربیوی آن، سینما داران، به پول سازی ووسیله قرار دادن سینما ، منحیث یك تجارت پر سود سعی میکردند .

یکسال پیش یعنی با آغاز ر ژیم جمهوری نخستین گامی که در راه اصلاح این موضوع بر داشته شد، انحصار تورید فلم بود ، که‌به‌موسسه افغان فلم تعلق گرفت ...

درین گزارش مختصر نحوه بلند رفتن سطح نمایشات هنری سینماها وتلاش های که درین راه به عمل می آید ، از نظر شما می گذرد :

یك منبع ریاست افغان فلم درین مورد میگوید :

- دربین گروه روشنفکر و مخصوصا جوانان تحولا تی که در نمایشات سینما های کشور روی‌داده است، انعکاس وسیعی داشته ومورد توجه قرار گرفته است ...

روابطی که مدیریت تورید فلم ریاست افغان فلم با بیست کمپنی بین المللی سینمایی بر قرار ساخته، سبب شده تا مطابق خواسته های عصر ، فلم های هنری‌متنوع درسینما های‌کشور برروی‌پرده آید. تلاش‌برای گشایش فستیوال های متعدد، از کشور های دوست ادامه یافته و تا حال به این سلسله توانسته ایم ، از

رستم سهراب فلم بزرگ سینما شوروی

م های جهان
سینما های ما

فلم های هنری ایران ، اتحادشوروی بلغاریا ویك فستیوال بین المللی ، درکابل فستیوال هایی‌دایر سازیم.

منبع می افزاید :

ـ همچنان نمایشات جدا گانه یی از فلم های چکوسلواکیا ،یوگوسلاویا امریکا، ترکیه ، اندو نیز یا و کوریا، در کابل داشته ایم .

همین منبع دربرابر پرسشی، از فلم های خوب سال که در سینماهای کشور ، به نمایش گزارده شده‌است اینطور یا دهانی میکند :

ـ روی پرده آمدن فلم های‌بزرگی چون : برادران‌کا را مازوف، بینوایان، آخرین مرد روی زمین، همسرکشیش شرق جاوا ، تنگسیر ، بیتا ، آخرین یورش و دزد شفتالو ، هریك،حادثه مهم هنری سال گذشته به شمـــار می آید .. .

در تو رید فــلم ها تنــوع فلم از سینمای کشور های مختلف مد نظر بوده و برعکس گذشته نگذاشته ایم، تا تنها فلم های بازاری مـحـدودی، سینما هارا انحصار کند .

چنانچه درین مدت فلم های‌برروی پرده آورده شد که قبل از نمایشـــ در لندن ، به سینما های کابل‌نمایش داده شد .

خانم کارو لین، مردیکه خــود را شکار کرد وزن گنهکار ازین سلسله فلم ها به شمار میرود .

همچنان فلم های جاپانی در میان خاطره و یاد گار و فلم شمشیرمرگ، بعد از فستیوال کان مستقیما درکابل نمایش داده شد .

البته نمایش فلم های روسی چون سپیده ها اینجا آرا م است ، ســر زمین سانیکوف ورستم و سهراب‌نیز قابل تذکر است .

ازین منبع می خواهم تا کمی‌درباره عکس العمل مردم از بلند رفتن‌سطح نمایشات سینما ها رو شنی اندازد.

منبع افغان فلم میگوید :

ـ بلند رفتن سطح آمــو زشـــی و تربیوی سینما ها سبب شدتاجنبهٔ تجارتی آن ضعیف گردد و در نتیجه دسته یی از مرد م که به نــمایشات بازاری-عادت کرده بودند تا حـــدی نا راضی بودند ، همچنان نمایش‌فلم های محبوب سال که با قیمت هـای گزافی خریداری میشود ، نیز گا هی سبب ضرر مادی گردیده است ، اما ازآن جاییکه افغان فلم مطابق‌پالیسی کلتوری دولت جمهوری آرزو دارد، تا سینما در خدمت اکثریت مردم‌قرار گیرد ، فقط در تلاش آن است، تـــا سینما برای بیداری و رشد فکـــری مردم ،بحیث یك سر گرمی مفیدقرار گیرد .

نمایش فلم های سینمای غر ب‌هریك حادثه هنر ی ســال بشمار میرود

منبع در ضمن این گفتگو تذکـــر میدهد :

ـ مو جود بودن یکهزار، تایکهزار و پنجصد فلم هندی در نزد بعضـــی سینما داران، گاهی سبب می شود. تا افغان فلم نتواند ، سطح نمایشات را ، در همه سینما ها بلند نگهدارد. اما این موسسه بایك سلسله طرح‌ها وپروگرا م های تازه امید وار است ، تا بتواند دگر گونی عمیقی‌که درزمینه نمایش سینما ها ، رونما شده، روز بروز مطابق به پالیسی کلتوری‌دولت جمهوری بیشتر و بهتر سازد .

فلسطینی ها بحیث یك قدرت

فلسطین چون سمنت جهان عرب را بهم وصل میکند و یا مانند مواد منفجره آنرا از هم میپاشد

یاسر عرفات

رئیس موسسه آزادی بخش فلسطین هنگامیکه خطابه خودرا درهژدهمین کنفرانس میزمدور سران ،امرا وزعمای عربی منعقده رباط پایتخت المغرب ایراد مینمود بوضاحت در برابر احساسات وجذبات درونی خود مقابله میکرد.

یاسر عرفات درین کنفرانس گفت :

(این کنفرانس سران عرب مانند جشن عروسی ای برای فلسطینی ها بوده است).

کنفرانس سران عرب که در آن ملك

عرفات درمیز کانفرانس

فیصل پادشاه عربستان سعودی ، انور السادات رئیس جمهوریت عربی مصر، هواری بو میدین وحافظ اسد روسای جمهور الجزایر وسوریه هم اشتراك داشتند بعداز چار روز مباحثات شدید اوضاع شرقمیانه رابصورت اساسی و دراماتیکی تغییرداد. زعمای عرب بشمول ملك حسین برای اولین بار درین کنفرانس باتفاق آراء یاسرعرفات رابحیث یگانه نطاق قانونی تمام فلسطینی‌ها بشمول ۶۴۰٫۰۰۰ فلسطینی که در غرب ساحل دریای اردن تحت اشغال اسرایيل زندگی میکنند قبول نمودند.

گوشه ای ازکمپ های مهاجرین درشمال عمان

شرق میانه زا سرزمین مورد منفجرخوانده است شباهت دارد. گذشته از اینکه ملك حسین از ادعای تاریخی حاکمیت ارضی اردن بر سواحل غربی دریای اردن صرف نظر نمود، پذیرفته شدن موسسه آزادی بخش فلسطین بحیث یگانه قدرت حاکمه فلسطین، اسرایيل رادر يك معمای درد دهنده قرار داده است . اسراییلی ها پیوسته اصرار می ورزیدندکه درحل آینده موضوع فلسطین وسواحل غربی دریای اردن باید، اردن شامل باشد .آنها حتی این گفتهرابین صدراعظم اسرایيل را رد کردند که بایدبا یافت زعمای عرب موسسه آزادی بخش فلسطین رابحیث یگانه نطاق تمام فلسطینی هاقبول نمودند. وزیر خارجه آمریکا بعدا اظهار داشت که این موضوع پیشرفت مذاکرات حل بحران شرق میانه رابه تاخیر می اندازد وی گفت :(عقیده ندارم که دروازه تمام مذاکرات درشرق میانه بسته شده باشد. ولی اینکه در کدام چوکات این مذاکرات صورت گرفته میتواند، مربوطبه آینده است که بایدیده شود :

درپلانی که کیسنجر با انور السادات حین آخرین مسافرتش به قاهره در کشور

گذشته ازین سران عرب اعلام نمودندکه موسسه آزادی بخش فلسطین باید ریاست وزعامت يك قدرت آزاد ملی راکه درسر زمین فلسطین تشکیل میگردد بعهده بگیرد.

معمای درد دهنده:

آنچه که قابل یاد آوری است اینست که زعمای عرب عمداویا بصورت غیر عمدی پرابلم فلسطین راازبزرگترین مواد منفجره سیاسی شرق میانه خواندند واین با گفته هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا که اکثرا موسسات دهشت افگن که هدف شان تباهی وتخریب اسرائیل است مذاکره صورت گیرد.

فیصله کنفرانس سران عرب دررباط معنی این را میدهد که در موضوع سواحل غربی دریای اردن ویا در باره مساله فلسطین وقتی مذاکره صورت گرفته میتواند که مستقیمارو برو شود .

اسرایيل با موسسه آزادی بخش فلسطین هنری کیسنجر در دهلی بود که اطلاع

درشرق میانه تبارز می نمایند

مطرح نمود قرار شد تا اول قدم بقــــدم مذاکرات بین اسراییل و مصر وبعدا بــین اسراییل واردن راجع به آینده سواحل‌غربی دریای اردن صور ت گیرد. اکنو ن عملــی شدن این پرو گرام اگر غیر ممکن معلــوم نشود غیر محتمل به‌نظر میرسد .

کیسنجر تصمیم گر فت تابار دیگر بــه شرق میانه سفر نماید تا معلوم نماید کــه فیصله عربها در مورد پالیسی وی که‌عبارت ازآغاز مذاکرا ت تدر یجی بین اسراییل‌و اعراب است بکجا خواهد کشید .

روابط غیر تشویق کننده :

بدون شك کیسنجر مخصو صا علا قمند است تا در یابدکه فیصله سرا ن‌عرب‌چطور میانه روترین زعیم عرب یعنی رئیس جمهور سادات راتحت تاثیر قرار میدهد.

درزباط انور السادات انکار ورزید کــه قبولی عر فات بحیث یگانه نطاق فلسطینی‌ها پلانهای وی را درباره اسراییل متاثر سازد معهذ احقیقت اینست که رئیس جمهور مصر مــورد انتــقاد را دیکال های عــرب نسبت به‌سیا ستش که در صدد مذاکره با اسراییل می‌باشد قرار گر فته است .ازاین لحاظروابط وی باکیسنجر شا ید قدری غیرتشویق‌کننده باشد سادات البته به ندر ت میتواند ازجبهه متحدین شرق میانه خود دور باشد وی‌هفته گذشته به کیسنجر تلگرا می ارسال ودرآن پیشنهاد نمود تا ملاقات فوری بین‌شان‌صورت گیرد.

کیسنجر توا نست که باشورو ی‌هاعوض اینکه در کنفرانس رسمی صلح شرق میانه درژنیو مذاکره کند مذاکرات دو جانبه‌رابا ایشان انجام دهد. یکی از نتایج فیصلــه کنفرانس رباط اینست که عربها میخوا هند موسسه آزادی بخش فلسطین در هر نــوع کنفرانس صلح شر کت نماید .

احتمال غالب اینست که اسرا ییلی‌هابا موسسه آزادی بخش فلسطین درژنیو روبرو نخواهند شد یکی ازروز نامه های اسراییل بنام(یدیوت اهار ونت) باری چنین اعلام کرد: جنگ در ین منطقه یك خطر آیــــنده نزدیك تلقی خوا هد شد. کنفرانس ژ نیــو دیگر مرده است .)

روزنامه (ها تز وفیه) مربو ط حــــزب مذهبی ملی اسراییل که هفته گذشته موافقه کردتادر حکو مت متزلزل صدراعظم رابیــن ایتلاف نماید دریکی از فیچرر های خودچنین عنوان داده است :(عر بها رخ بــــر وی شمشیر کرده اند).

ماموزین حکو مت اسراییل کنفرا نــس سران عرب را(خوب نه) خوانده و مذاکرات راباعراب غیر ممکن تلقی کردند .

شواهد موجوده برای اسرا ییلی‌هانشان دادکه کماندو ها تاکتیك دهشت افگن راترك نگفته اند. فقط مدتی‌هنوز ازختم کنفرانس رباط سپری نشده بود که سه نفر از — فداییان فلسطینی در اثر تبادله آتش‌باعساکر اسراییلی بقتل رسیدند . اسراییلی هابــه مقابل این‌عمل فداییان‌عکس العمل‌نشا نداده ویکدسته از کشتی های خورد جنگی خودرابه سواحل مدیترانه فر ستادند . کشتی های مذکور سه میل‌دورتر ازیك کمپ‌پناهگزینان فلسطینی درراشدیه واقع لبنان لنگرانداخته وآنرا مورد بمبا ردمان قرار داد و پنج نفر فلسطینی هارا مقتو ل و بیست نفر د یگــر را مجروح ساختند

گرگ های‌ز خمی :

ترس واندیشه اسراییلی ها باا‌طها رات عرفات در کنفرانس رباط شد ت یافته‌است وی در یکی از جلسات سرا ن عر ب درباط گفت:(پیروزی ن زدیك است این دشمن‌واین گروه نظا می(مقصد اسراییل) بمشابه‌گرگان زخمی اند. آنها آماده جنگ پنجم هستندوما باید بمقابل این جنگ آماده باشیم.

مردم سور یه که بگما ن واشنگتن درصدد تخریب مذاکرات صلح کیسنجر می باشند کلمات جنگجو یانه عر فات را انعکاس داده اند. آنها خاطر نشا ن نمودند که د مشــق بگمان غالب شش ماه دیگر مو جودیت‌قوای ملل متحدر ا برای جداسا ختن قوای سوریه واسراییل‌در ارتفاعات جولان را قبول کند. یکی از دیپلو مات های سور یایی اظــهار داشت.

ملك حسین حین صحبت با انورالسادات رئیس جمهور مصر

ماشش ماه دیگر در کار داریم تا آماده شویم. مگر اینکه اسراییل موافقه کندکه‌از ارتفاعات جو لان قوای خودرا بیرو ن‌کشد. در آواخر هفته گذشته از بیت المقد ســس اطلاع داده‌شد که در امتداد ارتفاعات جولان استحکامات نظا می بیشتر شده میرود .

برای اینکه مو قف‌سخت خودرا بمقابل اسراییل تاکید کرده باشنداشتراك کنندگان کنفرا نس سران رباط موافقه کردندتاسالانه کمکهای نظا می برای مصر ،سوریه واردن وهمچنان مو سسه آزادی بخش فلسطین — بدهند .

عربستان سعودی وسایر کشور هــــای غنی دارندهٔ نفت سالانه یك بلیون دالر به سوریه ومصر خواهند داد تاازآن در تقویه نظامی خوداستفاده نمایند. همین قسم ملك حسین سالانه سه صد ملیون دالر بــــرای تقویه قوای نظا می خود دریافت خوا هنــد کرد موسسه آزادی بخش فلسطین سالانه پنجاه ملیون دالر بدست خوا هند آورداین مبلغ البته بمراتب زیادتر ازپو لی است‌که اکثر موسسات انقلابی درسا لهای‌اخیرداشته اند. یکی از مبصرین عر بی درزباط گفت: اگر آمر یکا سعی ورزد تا مساوی بادیگران قوای اسراییل را قوی نگهدارد در آنصورت بیلانس‌تادیات آن در کسر دایمی خوا هنــد بود.

لطفاورق بزنید

تصاویر بــالا مهاجرین فلسطین‌رادرنزدیك کمپ های شان نشان میدهد

پیش از اینکه کنفرانس سران رباط آغاز یابد مبصرین توقع داشتند که زعمای عرب بمنظور تا مین وحد تبین خود جبهه‌مختلطی رابرای مذاکره تشکیل خواهند داد. ملك حسین پادشاه اردن ممکن ازطر ف سر ان کشور های عر ب‌انتخاب میشد تابا اسراییل راجع‌به سواحل غر بی دریای اردن دا خـل مذاکره میشد ولی وی مجبور و مکلف میبود تاسواحل دریای غربی دریای اردن راتازمان یك رای گیری عمو می دوباره اشغال‌نکند.

وقتیکه سواحل غربی دریای اردن به‌کنترول وی دوباره در آورده میشد ، حسین مجبور می‌بود تا ازکنترو ل خودبرسا حه جد یـــد منصر ف میشد مشرو ط بر اینکه سا کنین سواحل غربی طر فدار یك حکو مت جدیدمی بودند اماوقتیکه هفته گذشته‌درکنفرانس‌رباط رای‌گیری صور ت گر فت حسین‌کنار کشیده شد ووی هم آنرا قبو ل کرد. عرفات وعده داد که‌با ملك حسین ملاقا ت نموده ونقشه وپلان خط السیر یك عمل جدید راطرح‌نماید. امااینکه تاچه اندازه آنها میتوانند درینمورد باهم همکاری نمایند موضو عیست که‌به‌آینده تعلق دارد. بعضی از مبصرین احساس‌کرده اندکه سه صد ملیون دالر در حقیقت پولـی است که‌برای خا موش سا ختن ملك حسین داده میشود. بعضی باین‌نظر اند که‌وی‌ازطرف متحدین نزدیکش تشویق گردید تاازفرصت بوجه احسن کار گرفته یادعاوی خودرا بـر سواحل غربی به فلسطین ها تسلیم دهدویا اینکه خطر فراموشی ؤ تجرید راز طرف کشور های مقتدر همسایه خودبپذیرد.

ملك حسین علنا مغلو بیت خودرا بدست عرفات قبول کرد. سواحل غربی دریای‌اردن ازپرفیض ترین قسمت اردن می باشـــد

گرچه ملك حسین اذعان نمود که خوش است دست خودرا ازمسولیت فلسطینی های ساحل غربی شسته است معهذا تعدادقلیلی گفته اوراقبو ل نموده اند در ساحل‌شرقی اردن که ازنظر اقتصادمانند ساحل غربی مستعد نیست ۹۰۰٫۰۰۰ فلسطینی سکونت دارند. نفوس اصلی این قسمت یك ملیون وهفتصد هزار نفر می باشد .

بعضی از رفقای نزدیك و مشاو ریـــن نهایت مورد اعتماد وی درعمان فلسطین‌می باشند. **اما بسیاری از فلسطینی ها از او** نسبت اینکه فداییان را در ماه سپتمبر۱۹۷۰ طی‌جنگهای خونین مجبور سا خت تـــااز اردن بیرو ن روند و طی این جنگها هزاران فدایی وافراد غیر نظا می فلسطینی بقتـــل رسیدند نه می‌پسندند آنهانسبت اینکه‌ملك حسین درفضا وبصور ت مستقیم وقتا فوقتا بازعمای اسراییل ملاقات نموده وحاضر نشد تاعساکر خودرا در چنگ‌ماه اکتوبر به تعداد زیادبرای‌مقابله بااسراییل‌بفرستد از د ی ناراضی باشند .

معلوم میشود که شهرت عرفات‌بسرعت‌بالامی آید. عر فات بحیث رهبر موسسه آز ادی بخش فلسطین ریاست کمیته اجراییه آنرابه عهده دارد .سیزده عضو این کمیته مشتمل برنمایندگان پنج موسسه فدایی ونما یندگان ساحل غربی می باشند. درپر تو کنفرانس رباط بعضی از مبصرین تو قع دارند کــه فلسطینی‌هااکنون یك حکومت ج لای وطـن راکه عرفات غالبا ر هبری آنرابعهده داشته باشد تشکیل خواهند کرد .

هفته آینده عر فات افتخار استقبال — موسسه ملل متحد راخوا هندد اشت. — مسافرت عرفات بعد ازروز های نیکتا — خروسچف وفیدل کاسترو یکی از مسا فرت های‌مهم زعمای خار جی به‌نیویار ك‌محسوب میگردد. قرار است عر فات ریاست هیات ۳۵ عضوی فلسطین رابعهده خواهند داشت. این‌هیات ازطر ف موسسه ملل متحد دعوت شده‌تا دربحث عمو می که راجع به موضوع فلسطین در مجمع عمو می ملل متحدصورت میگیرد شر کت ورزد ولی‌نه بحیث نماینده یك حکو مت.

موسسات یهودی امریکایی در نظر دارند تامانع تبارز عر فات در ملل متحد ازطریق براه اندا ختن‌بزرگترین مظاهرات که تاحال درنیو یارك سابقه نداشته شوند. بهرصورت اگراین مظاهرات صور ت گیرد ویانگیردظهور عرفات درنیویار ك به موسسه آزادی بخش فلسطین اجازه خواهد دادتا موضوع‌فلسطین رامستقیما به‌مردم آمریکا که ازآن‌اهمال‌نموده اند پیش نماید .

تقا ضای عر فات برای شناسا یی‌دولت فلسطین برای تقریبا سه ملیون ودوصدهزار فلسطینی های که در اطراف واکناف جهان‌از اسراییل ، اردن،وساحل غربی گرفته‌تالبنان خلیج فارس ، اروپا وامریکا آواره و مشتت می باشند حادثه بزر گی محسو ب میشود.

درحا لیکه دیگر مردما ن ازجنگ دوم جهان بدینطر ف خودرا ازچنگال استعماربا آزادی واستقلال رسا نیده انـد فلسطین‌ها علیه ایـن طـرز العمل ر فتـار نـموده‌از وطن وسرز مین آبایی خود تبعید شده‌اند، پناهگزین گردیده وبالا خره عده دیگراتباع نمبر۲ شده اند. دوکتور فایز سایغ مشاور

فلسطین هیات کویت در ملل متحدمیگوید: ما مردم تماما مصیبت زده‌ایم. واین درست دروقتی صور ت گر فته که هفتاد کشوردیگر اززیر یوغ استعمار امپر یالیزم بیرون‌شده اند.)

گر چه مردم فلسطین از داشتن‌وطـــن محروم بوده اندولی اکثر شان تعلیم یافته‌و بعضی از نظر مادی‌غنی می باشند فلسطینی ها‌پوست های مشور تی مهم رادر حکو مات عربستان سعودی ، کویت ، وشیخ نشینان خلیج اشغال نموده ،وعده دیگر بحیث‌معلمان دوکتوران ،انجنیران و آمران اداری‌در سراسر جهان عرب خدمت میکنند .

یکی ازژور نا لست های‌فلسطینی باری اظهار داشت:(ما کارگرا نسر سختیم)هیچ یك فلسطینی را بخاطر فلسطینی بـو دنش استخدام نمیکند .

وی از این لحاظ استخدام میشود که‌وی یك‌کارگر‌بهتراست !! فلسطینی ها درجهان عرب‌به‌علاقه که در تعلیم و تربیه فرزندان خودنشان داده اندشهرت دارند. دو کتـــور شفیق حداد که‌یك طبیب فلسطینی دربیروت می‌باشدگفت:(ما همه چیزراازدست داده‌ایم. کدام‌چیز است که‌نباید انجام دهیم.)

هنگا میکه غربیان از فلسطنیان نام‌میبرند مقصد شان معمو لا همان ۶۴۴٫۰۹۳عربیست که‌در۶۳کمپ پنا هگز ینان در اردن ، لبنان سوریه، وساحل غربی وغزه اشغالی‌اسراییل حیات بسر می برند. این آوار گان ازطرف مو سسه ملـل متـحد کمك و معـاونـت میشوند .بودجه امدادی اونروا سالانه ۸۸ ملیون دالر است کشور های نفت خیزعربی **هفته‌گذشته دادن۲ عشاریهٔ ۳ بلیون دالر را برای فلسطینی هابه تصویب وسانیدنـدتـا بمقابل اسراییل بجنگند .**

کشور های عربی معتقدند که چون کشورهای غربی‌اسراییل رابوجود آورده‌اند وسبب‌بروز پرابلم پنا هگز ینا نگردیده اند ازاین‌لحاظ باید قسمت اعظم بار مالی پناهگر ینان‌رابه دوش کشند.

بسیاری از فلسطینی ها که قدرت‌زیستن رادر جاهای دیگر هم دارند باز هم درکمپ های‌پنا هگزینان باقی می ماند تاحس‌وحدت .تساند ویگانگی رادربین مرد م فلسطیـــن زنده نگه دارند. آنها به کار ت های‌جیره بندی خودکه ازطر ف اونروا داده میشود قناعت دارند چون آنها پاسپور ت فلسطینی رابدست ندارند کارت های جیره بندی‌یگانه شواهد فزیکی ملیت شان می‌باشد .

مردان جوان درکمپ ها به پیری رسیده اندویك نسل جدید درین کمپ‌هابه جوانی‌و پختگی رسیده است.

امابصیرت وحس فلسطینی بودن هـنوز مستحکم وقوی باقی مانده است‌یکی از — پناهگز ینان در اردن گفت:(من هیچگاه‌کمپ راترك نخواهم گفت مگر اینکه قرار شودبه فلسطین بروم) درنهر البار دریکی ازکمپ های اونرواکه در آن ۱۲٫۰۰ فلسطین‌در — شصت میلی شمال بیرو ت زندگی دارند ابوصالح مرد ۸۷ ساله است که درراس یك فامیل صدنفری قرار دارد نواسه هاوکواسه

یکتن از آزادیخواهان فلسطین حین‌عبور ازکوره آتش .

گوشه‌ای ازجریان تمرینات مهاجرین

های وی بغیر از حیات کمپ پناهگزینان‌کدام حیات‌دیگر رانمی شناسند ۰

ابوصالح ز مانی یك دهقان نسبتامسعود وکامرانی در نزدیکی (ندرت) بود که‌هنگام جنگ عرب واسراییل درسال ۱۹۴۸ وطن‌را ترك‌گفت وی زن باولاد خودراجمع نموده‌یك فارم چهار صد ایکرزه ین‌خودراتر كداد ۰وی باری باتاثر گفت : اکنون همه‌از دست‌رفته من‌همه چیز راگذاشته فرار نمودم و قتیکه‌ما مامن خودراتر ك گفتیم فکر کردیم که‌بزودی بر میگردیم۰

وی دربیرو ت، در کمپ پناهگزینا ن فلسطینی دوپسر خودرا که ازفارغان‌پوهنتون آمریکایی بیرو ت بوده واکنو ن معلم‌مـــی باشند تعلیم و تربیه داد ۰فرزند سو م‌وی یکی‌از افراد کماند وی موسسه جبهه آزادی فلسطین می باشد۰

درطو ل قسمت زیاد تاریخ خود ،فلسطین یك‌سرز مین پر از مصیبت وماجرا بوده‌است فلسطین درگذشته های دور ازطر ف عربی ها، آسور ی ها، بابلی ها، فارس ها، ـ یونانی ها،رومیها، بانیزنتینها، عربها،مصریها مملوك وعثمانی ها اداره می‌شده‌است۰ بالاخره انگلیس ها این مردم‌ها را ازفلسطین بیرون کشیدند۰

انگلیس ها بعدا برای سی‌سال‌تحت‌ماندیت جامعهٔ ملل فلسطین را اداره نمودند۰ انگلیس هامسول بعضی حوادث آینده ایـــن کشور بودند۰ درسال ۱۹۱۷ برای اینکه حما یت یهودی هارا در جنگ جلب نما یند ،انگلیس ها **اعـلامیه بـالـفور را کـه صهیو نیزم حمایت وپشتیبا نـی میکرد اشاعـه دادنـد.** صهیو نیزم تاسیس یك وطن یهودی را در فلسطین ادعامیکرد۰

وقتیکه نفوس وساکنین فلسطین بهـــم مختلط شدند و ملکیت زمین به‌نفع مهاجرین یهود انتقال یافت عربها که میدانستندکنترول وطن خودرا به مهاجرین جد یــد از دست میدهند علیه فعالیت های صهیو نست هـــا قیام نمودند. **بالاخره درسال۱۹۳۶ آنهادست بیك قیام عمو می علیه انـگلیس هازدنـد. یکی از نتایج این حوادث تشکیل موسسه** (مجاهدین) بود که‌پیش آهنگ فـــدائیـان امروزی می‌باشد ۰

درسال ۱۹۴۷ بعد از اینکه ملل‌متحـــد پیشنهاد انقسام فلسطین رابدوسکتور عر بی ویهود نمود بجنگ های خو نین بین‌طر فین بوقوع پیوست ۷۵۰٫۰۰۰ عرب دیار وو طن خودرا ترك‌گفتند . **اسراییلی هابه‌یك‌سلسله** قتل وقتال عمومی دست‌زدند۰ موسسات مخفی یهود به دهشت افگنی و کشتار عر بها ی فلسطینی آغاز نمودند ۰

یکتعداد مها جرین فلسطینی متصل کمپ‌های شان

یك موج دیگر مر دم فلسطین در سال ۱۹۶۷ بعد ازجنگ شش روزه عرب‌واسرائیل هنگامیکه قوای زره دار اسرائیل سا حـل غربی دریای اردن رااشغال نمودند ،منازل‌و اراضی خودرا درساحل غربی ترك گـفتند وآواره شدند.

معهذا یك تعداد بزرگ فلسطینی هـــا همین اکنون‌یادرتنگنای غزه‌ویادر ساحل‌غربی دریای اردن تحت حکمروایی اسرائیل بســر می‌برند۰ درجملهٔ مردم فلسطین، آنها ئیکـه درزیر حکمروایی اسرائیل بسر می‌برندنسبت به سایر فلسطینی ها، متاثر تر وغمگین‌تـر می‌باشند۰ حکومت اسرائیل هنوز به‌کنترو ل نظامی خود در قرای عربی خاتمه نداده‌است امروز بصورت معمول عربهای مسکون، اراضی اشغا لی ازطرف افراد نظامی اسرا ئیــل تلاشی میگردند۰

ساکنین ساحل غربی دریای ار دن روابط نزدیك اقتصادی بااسرائیل دارند۰ همچنیـن روابط قوی خانوادگی بین ساکنین‌سا حـل غربی و۹۰۰٫۰۰۰ فلسطینی که‌درساحل‌شر قی دریای اردن زندگی دارنـــد موجوداست۰ در حقیقت ساحل غربی دریای اردن یك معبـر بزرگ بجهان عرب‌می‌باشد۰

موسسه آزادی بخش فلسطین مـو ر د ستایش وتقدیر فلسطینی هاقرار دارددرحین حال ازآن‌خوف‌وهراس دارند. **بسیاری‌ازمردم فلسطیـن آرزو دارنـد تـایك دولت جدید** فلسطین تاسیس گردد۰

موسسه آزادی بخش فلسطیـــن درسال ۱۹۶۴ از طرف احمدشقیری یکی از ملیـون فلسطینی که‌زمانی بحیث نمایندهٔ عربستـان در ملل‌متـحدخدمت میکرد تاسیس گردید۰

شقیری طراح شعار مشهور فلسطینی هـــا (یهودی هارا تابحر دنبال‌کنید) می‌باشد ۰ موسسه آزادی بخش فلسطینی مسوول‌توحید فعالیت ها‌و‌پالیسی های شش گروپ بزرگ فدائیان فلسطینی است کـــه‌در اهداف و ایدیالوژی راه های مغایری راتعقیب میکنند۰ عضویت شش گروپ کماندوی فلسطینی‌غالبا به۱۳۷۰۰ **نفر تخمین می شود که‌ازآن جملهٔ ۳۶۵۰ نفر آن گیریلاهای سرسخت می‌باشند** که از کمپ پناهـگـزینان استخـــد ا م شده اند۰

موسسه آزادی بخش فلسطین خود دارای یك‌ادارهٔ نظامی بـنـام اردوی آزادی بخش فلسطین می‌باشد۰ تعداد افراد این اردوهفده هزار نفر است که‌در مصر ،سوریه وعراق متمر کزمی‌باشند۰

شش گروپ فدائیان فلسطینـی عبارت اند از :

۱ـ الفتح : موسسه فدائیان الفتح از بزرگترین گروپ فدایی می‌باشدکه تعـــداد اعضای آن ۶۷۰۰ نفر می‌باشد ۰ ازجمله این تعداد دوهزار نفر شان جنگجو یان فعـال هستند۰ **الفتح درسال ۱۹۵۶ توسط یکدسته** ازفلسطیـنـی های جوان د ر غزه تاسیس گردید۰

عرفات ازجملهٔ متعلمینی بود که در یـن **موسسه عضویت داشتند ۰**

وی ازسال ۱۹۶۸ بدینطرف ر یاست‌این گروپ را بعهده داشته است۰ موسسه‌الفتح ازطرف طبقه متوسط وسیعا حمایت‌وپشتیبانی می‌شود وایدیالوژی جز آزادی فلسطین چیز دیگری ندارد۰ اولین حملهٔ موسسه الفتـــح درشام سال نو ۱۹۶۵بر اسرائیل صو ر ت گرفت۰ ازآن تاریخ به‌بعد این دسته‌ماموریت های گیریلایی خودرا بالتر تیب ا نجـا م مید هد ۰

از جملهٔ شعبی که‌از الفتح‌منشعب‌گردیده یکی سپتمبرسیاه می‌باشد که‌در ۱۹۷۲ بـر ورزشکاران اسرائیل در میونیخ حمله بر ده ویازده نفر شانرا بقتل رسانید۰ این گروپ همچنین یك دیپلومات بلژ یکی ودودیپلومات امریکایی رادر خرطوم درماه مارچ۱۹۷۳ هلاك نمود .

۲ـ جبهه عوامی آزادی بخش فلسطینی، **که‌ازنظر بزرگی دو مین گروپ فدائیان‌میباشد درسال ۱۹۶۷ از طرف ژورژ حبش تاسیس** گردید۰ عضویت این گروپ به ۲۵۰۰ نفـر میرسند۰

این گروپ فعالیت های خودرا برطیارات خطوط هوایی امریکا، انگلستان و سو یس متوجه ساخته ودرسال ۱۹۷۰ طیارات خطوط هوایی مذکور رادر صحرای اردن پائین‌آورد۰

باقی دارد

یک کشف جدید در ساحه زراعت

دستگاهی را که متخصصان صوت در اتحاد شوروی ساخته‌اند. حرکت تقریبا بی صدای حشراتی را که به محصول غلات آسیب میرساند، هفت هزار بار تقویت می کند. دستگاه جدید که «سپکتروگرامهای صوتی» نام دارد. قادراست که در ظرف چند ثانیه آفات مختلفه را کشف و نوع آنها را تشخیص دهد. تا بزودی اقدامات مفیدی برای از بین بردن آنها اتخاذ گردد. در گذشته انجام این کارها وقت زیادی میگرفت و مستلزم کار توانفرسا با میکروسکوپ بود. دستگاه جدید صوتی با موفقیت ازعهده آزمایش بر آمده و اکنون در اختیار مراکز بزرگ تحویل غلات و سیلو ها گذارده شده‌اند.

زمین سنگینتر میشود

چندی قبل دانشمندان انستیتوی شیمی زمین شناسی و شیمی نیلتیک وزناد سکی واقع در اتحادشوروی نظریه داده‌اند که هر ساله یك تا دو ملیون تن گرد و غبار کیهانی بر روی کره زمین رسوب می کند. آنها ضمن تحقیقاتی دراین موضوع اضافه کرده اند که شدت رسوب عناصر کیهانی در سطح کره زمین ظرف پنجصد ملیون سال اخیر تغیری نیافته است. در طی این مدت کره زمین معادل بیش از یك ملیون تن سنگینتر شده است. لیکن این مقدار در مقایسه با وزن پوسته زمین بسیار ناچیز است.

اوصاف یك زن

یك مرد فرانسوی که بغرض بازدید کوتاهی به لندن رفته بود، یك شب که از تنهائی حوصله اش تنگ شده بود وارد باری شد وبه پیشخدمت گفت:

ـ یك بوتل ویسکی بیاور!

پیشخدمت مؤدبانه پرسید: چه نوع ویسکی باشد؟

ـ اصلا برایم فرق نمی کند، ولی مهم اینست که: گنده باشد، سرد باشد وپر از وسکی باشد.

ـ پیشخدمت رفت و یکی از مشتریان بار که این مکالمه را شنیده بود از جا بر خاست وتلوتلوخورده خودرا بمرد فرانسوی رساند ودر حالیکه حالش خراب بودگفت: بشما تبریك میگویم.

مرد فرانسوی گفت: چرا تبریك میگوئید. آنمرد گفت: برای اینکه شما توانستیددر چند کلمه زن مرا باتمام خصوصیاتش توصیف کنید.

پرواز رنگ

پریرو یکه از تار نگه کـ ردم‌حجابش را
زمان اکنون بیکسو افگند ازرخ نقـابش را
خموشی میرود از نا له امشـــب‌سخت حیرانم
که داد ازروز تارم سرمه چشم نیمخوابش‌را
مگر امشب بزخم دل نمك پـــاشیدنی دارد
که دید م‌با تبسـم آ شنـا لعل خوشباش‌را
دل بیتا ب چو ن بوی گل از بادخزان دارد
که هر پرواز رنگم ترجمانشد اضطرابش را
بود تعبیر هستی آنمیان بشنو زمن غافل
که از عمریست میدانم رموز پیچ وتابش را
تو ای فارغ ز درد حا ل دل سوزان چه میپرسی
شنید ازدود آه مـــن توان بوی کبابش را
گرو کردی بیك پیمانه‌دلق وسبحه را (جلوه)
گلی دادی به آب اکنون که میگوید جوابش را

«نزیهی جلوه»

از: شاه امیر (فروغ)

نقش تو

از میان شاخه هـا فانوسـ مـاه
نور می پاشد برو ی بستـــر م
شاد می ریزد شبســا ن چمـــن
با ده مستی درون ســا غـر م

* * *

از کناری بانـوای پر ز کیـف
عا شقـانه می سراید جو یبـار
و ز میـا ن صخره در قلب کـوه
نا شکیبا مـی خر وشد آبشـار

* * *

در میـا ن سبز شالی ها گـهی
نغمه ها می جو شد از غوغای باد
گا هگا هی گوش من پرمی شود
از صدای مرغکـان مست و شاد

* * *

نا گـهان باصـد نیـاز و آ ر زو
ازپیت پر می کشـد رویای مـــن
گرچه با من نیستی اما بـــدان
شور عشقـت خفته درغوغای من

* * *

از میان شاخه ها فانو نس مـــاه
نور می پاشـد برو ی بستـــر م
چون ز هم وا می کنم چشمان دل
نقش تو بینـم به‌هرچه بنگـــرم

« دره علیشنگ » میزان ۵۳

از بشیر

شیشه های راز

کجایی ای‌گل خوشبوی باغ‌ناز، بیا
براه تست زشوقم دودیده باز بیا
خزان رسید وبه گلزار، گرد غم بـاشید
بیاکه باتو بـیاید بهار ، بازبیا
بهار آمده بود ونیامدی‌و گذشت
کنون که باد خزانست یکه تاز، بیا
نبودی ومن دل رانبود محرم راز
بجز خیال تو وآه نگداز بیا

دل جنون زده ام بی توشد جنون‌زده‌تر
به‌دلنوازیم ای یار دلنواز ، بیا
شراب شوق تو پرزور ومن‌بجامی‌مست
بیاکه می شکند شیشه های‌راز،بیا
نمانده در دل زار (بشیر) طاقت‌ناز
بس است ،عزیزم ،بس‌است‌ناز،بیا

عطر مهتاب

به‌آتش نگاهی مقابل شدم
که نقش سیه دیده ازیاد برد
میان چمن زار چشمان او
نگاهش مرا مست وآزاد برد
لبانش بگرمی تنور بلود
تنش آتشین پیکر مرمرین
شب جامه اش عطر مهتاب‌داشت
که‌بو یش گرفته سراپا زمین
به‌آتش نگاهی مقابل‌شدم
که‌مویش برویش طلاریخته
میان چمن زار چشمان او
هزاران گل لاله آویخته
دل بی شماری زلبخند او
چو کودی چشمش بنفش وکبود
گروگان نازش جهان در جهان
مسلمان، هندو وگبر ویهود

(اقبال رهبر)

استاد بسمل

اشک روان

سربسر بزم، دورنگیست‌میان من‌وتو
گر بسازیم بهم، نیست‌زیان‌من‌و تو
نگه گرم تو وحیرت من صحبت ما
بس بود، حرف‌نگنجد به‌میان من‌وتو
با تغافل خم ابروی تو گوید سهلست
گربه تسلیم کشد کار کمال‌من و تو
وارسیدن به اداهای محبت نتوان
ترجمان تابود این‌دل،ززبان من وتـو

عمر درگریه گذشت وسزد ای شمع‌اشبی
آب‌برآتش دل، اشك روان من و تو
به‌که ازناله شکیبم، کنون‌ای بلبل
ننهند گوش ،گلی سوی فغان‌من وتو
چه‌شدای شوخ که‌بیدا د وتظلم‌هم‌رفت
بدر از دایره تاب و توان من وتو
«بسمل!» آن یار نداردسرو کاری‌باغیر
وهم محض است درین باره ،گمان‌من‌وتو

بیا باور کنیم هیچ بدبختی وجود ندارد

ترجمه‌ی : رهپو

نوشته ی :پیسارو

بخش دوم

…می مکث نمود زیرا گوشك ازدستی
…گشت .ولی اوتبسم می‌کرد مانـــند
…جای دوری باپدرو مادرش گپ می‌زند
…پدر ؟)
…گدا!!) صدای نفسی به گوشك‌تلفون
…قطع شد .
…لفونچی لین‌قطع شد.خوب ،پسانتـر
…نم .تشکر)
…انست که لین قطع نشده بود.
…اطر ی‌گفت که‌ممکن کسی حرفش را
…باشد .نمی‌خواست کسی بداند کـه
…ااین وضع‌خشن‌لین راقطع‌نموده‌است.
…ه به‌چوکی اش برگشت واز کلکین
…یرون میدید که‌گویی کاردیگری بجز
…ن ندارد.
… هایش روی لبانش فشاروارد‌میکرد
…م می گریست .
… ای‌بعد ایستاده شد ونزدیك دروازه
…نتظر ماند ،ازورای آن مردمانی راکه
…ی‌شدند می‌نگریست وتوسط دیـــدن
… رنگارنگ‌شان طلسم شده‌بود،بوتهای
…ری، کری بلند، کری‌کوتاه، بوتهای
…،بوت های پت‌دار ،کلوش های شفاف
…ردمانی بودند که بوت های یگرنگ
…اشند همانطوریکه می‌نگریست دانست
…ی آید.حتی ممکن‌است اوفکر یافتنش
…باشد. واگر داشته باشد، واگردرراه
…ی مادرش به‌کله اش بیاید ممکن حالا
…باشد.دوبامادرش‌مناقشه‌نموده واوراملامت

…وی به‌بالا نگریست‌ودیدکه‌یك چیره‌ی
…ورای دروازه گردان به‌او می‌نگرد .او
…که‌به سختی نفس‌می کشید وروی چوب
…فلش تکیه داده بود،بطرفش، دوید.
…بغل گرفت وچوب هایش رارها کـرد.
…می‌کنی کـجامیری؟) این را گـفت‌در
…لب هایش‌بشدت بهم‌فشرده شده‌بود.
…چوب‌زیر بغل‌راازا زمین برداشـــت‌و
…ی گذاشت تاجو روی اوتکیه کند .
…رحالیکه گام برمی داشت می‌لرزیـــد
… چهره‌اش رابه بالاپوش جو پنهـــان
…دوجوروی اوتکیه نموده‌بایك چوب‌خیز
…وی هاوروی سیلوی را نوازش می‌داد
… صدای قلب جورا بخوبی می‌شنیـــد،
…شدت روی گوش سیلوی صدا می‌کرد
…یزساده بنظر می‌آمد اگر اوبتواند که
… به‌قلبش نزدیك باشد وضربان آن‌را
… ،احساس آرامش می‌کند حتی اگـراز
… رنج ببرند ، حتی اگر طفل شان‌در
… تولد شود ،حتی اگر ریش جوبرسد
…شان به‌ژنده پاره هابدل شود ،آنهـا
…زیر پاخواهند گذاشت ،دوگدای مردنی
…ریقی که دردریای‌توفان‌زده به‌آنسوی
…سیده شده‌باشند -بااین هم‌درست‌است
…زی دیگری بدنیا باقی نمی‌ماند که‌او

بدان دل‌بسته باشد واگر حالاهم‌می‌مردآرمانی
نداشت .

جواورا بطرف غرفه ی تلفون کشاند
(می‌خایم بانیك لوپوگپ بزنم) سیلوی‌برایش
پول سیاه دادوقتی گوشك رابرداشت تلفـون
خاموش وبی‌صدا بود ،کارنمی داد .آنهاغرفه
دیگری آنطرف جاده دیدند بدان سو رفتند.
دختر پرسید :
(نیك لوپو کیست؟)

(نی، جو)
(خو)
جوسیلوی رابه بغلش چسپاند .
(چطور هستی ؟)
(مسخره گی نکو)
ایستگاه بزرگ خط آهن گرم وخشك‌بود.
دراتاق بزرگ انتظار یك‌یا دونفر خواب بودند
وجو دانست که‌منظور نیك چه است ولی‌چیزی
راکه دوست نداشت‌این بودکه همه کس‌بسیار

که‌برآن برای اعتراف گناه زانومی زنند وجود
داشت .
واین هاماند آن‌معلوم می‌شد این کلیسا بوده
ولی کار دیگری جز نشستن وجود نداشـــت.
بجای این که‌باید قربانگاه می‌بود میزبزرگ
اخبار وجود داشت درطول دیوار ها قفسچـه
های کلیددار که‌برای گذاردن‌کالا بکار می‌رود
می‌توان آنرا برای ربع‌روز کرایه کرد،دراز
کشیده بودیکی ازقفسچه هاباز بود وکـالای

(ازرفقایم.دراستوار یازندگی می‌کند .صاحب
منزل بزرگی‌است) نوار سپیدی روی محلی
که‌سکه انداخته می‌شود چسپیده بودوروی‌آن
نوشته شده بود (ازتلفون کـردن معـذرت
میخواهیم ...)
(بیاپس بهوتل برویم)
(درست)
تمام تلفون های هوتل درست بود .
(بلی ،بانیك‌می‌تانم گپ‌بزنم؟ نیك؟ مه هستم)
سیلوی ازتبسمی که‌روی لب های جوپیدا شد
ذوق زده شد .
(بلی ،بجز اینکه سوختم .بلی ،خانه‌ای مادر
گرفت)
سیلوی ازدروغ جومتاثر شدو پشت به‌اوکرد.
(...پس به‌جایی ضرورت داریم تابرای چند
روز بمانیم کوشش کردیم .مادرم باسیلوی
خوب‌نیست ،به‌همین خاطر اونجه نمی روم،و
اکنون درگل ولای جان مابر آمد)
نیك گفت:
(ایستگاه بزرگ ریل بروید)
(ایستگاه بزرگ ریل ؟)
(بلی چنین‌بنمایانید که‌مسافربوده ومی‌خواهید
به‌ریل سفر کنید وآنها اجازه می‌دهند شب را
آنجا باشید)
(راجع بخانه خودت چطور ؟کدام خانه داری؟)
(صبرکن) (مادر، مادر)
صدای نیك دورتر شد .
(مادر دوستهای من هستند)
(خو)
ؤمی‌خواهند یك‌شب اینجا بیایند)
(نی ،نیك)
(بگو به‌نوانخانه بروند).
(سیلوی شکم دار است).
نیـك دستش را روی گوشك گـذاشت.
جو چیزی نشنید .

خسته وبیزار درآن فضا بنظر می‌آمدند سقف
بیش ازحد بلند بود.
درآنجا هیچ گوشه‌ای وجود نداشت . مانند
کلیسای متروك بنظر می‌آمد از سقف پنـــج
چهلچراغ بزرگ آویزان بود.
قطار چوکی هامانند کلیسا بدون چوکی های

چرك ازآن بیرون زده بود، یك‌بالاپوش کهنه
باراکت تینس‌دیده می‌شدکسی نزدیکش نرفت
وماند این بودکه گور بازی باشد .
سیلوی وجو درقطار عقب روی چوکـــی
نشستند چوب های زیر بغل راطوری بدوطرف
شان ماندند که‌کسی نزدیك نشود سیلوی‌کمك

کرد که جوبالاپوشش رابکشد سرش راروی
زانو های خود ماند .پای های جوچنان بلند
معلوم می‌شد مثلیکه به‌خواب رفته باشد .
وقتیکه جوبیدارشدسرش روی بالاپوش‌اش
قرار داشت وسیلوی‌کمی آنطرف تردر حالیکه
خودرا کلوله نموده بود، بخواب رفتـــه بود
ساعت یك‌وپنج‌دقیقه رانشان‌می‌داد کمی‌گرسنه
بود.چوب های‌زیر بغلش رابرداشت وبه‌طرف
دروازه‌ی که‌برآن کلمه (مردان) نوشته بـود

شانه‌ی مرد ودست دیگر ازدستگیره پائین‌شد
مرد جورا بطرف اتاق مردانه هدایت کـردو
همانجا ایستاده شدوچوب های زیربغل جورا
بدست داشت .
جومضطرب شد .رویش راگشتاند مـــرد
هنوز هم تبسم می‌نمود .
ازجو پرسید:
(می‌خواهی پول پیداکنی ؟)
(چی ؟)

است وبسوی می دود ،آدم این حقیقت‌رادیده
نمی تواند. و لی درشب هنگام، که همه‌چیز
ساکن وخالی است ، آدم این شناوری درخلا
رادیده می تواند. بعد در مورد در یانورد،
گداوزن پیر اند یشید این غیر باور بودکه
همه‌شان ازیك زن تو لدشده باشد . بعددر
مورد پدر ومادر پیرز ن فکر کرد وروزی‌که‌او
تولد یافته بود. واز روز ی که پدر ومادر
آن‌زن عشق ورز یدند ، وروز ی که آنهـــا

هرگز ندیده است.
کرتی اش را گر فت وروی پای…
سیلوی انداخت . این کار نمای عمو…
سیلوی راکه روی دراز چوکی‌افتاد…
دگرگون سا خت. اکنو ن مانند فرش…
جوان وزیبا بنظر می آمد وسا لون بز…
ایستگاه خطآ هن بخود می بالید از…
سیلوی رابا طفل درونش باخود دارد…
هایش راپالید. سه دالر و کمی پول…
خوشحال شد و ترسش پرید. تصمیم…
که باید دکتوری را ببیند که سیلوی…
رامعاینه کند. به محو طه خط آ هن…
درآنجا آهنگ (سا لون های عرشه‌ی…
ازبلند گو پخش می شد .
قهوه خرید وبان پا کتی ازشیرین…
درباز گشت سکه ای به تلفو ن انداخ…
خانه گپ زد.برادر کو چکش میچل…
جوگفت (گوشك رابه مادرم بده) ماد…
پرسید :
(جو کجاستی ؟)
(مادر تو میدانی که نمی خواهم…
بایدبگویم که بسیار بدز ن هستی…
فامی؟
(کجا ستی سیلوی کجاست)
(تویك وقتی شکم داربودی طفل…
داشتی اکنو ن‌تو روز بدی رابالای…
بدون خبر آوردی)
گوشك راماند ، لحظه ای در در…
ایستاده شد و اشك های که آرام از…
چشمش پایین مـیر فت، پاك نمود.
خریطه را با پیاله ی قهوه گرفـ…
به دستگیره چوب های زیر بغل آو…
بطرف اتاق انتظار براه افتاد. سیلو…
نبود ممکن به تشناب رفته باشد .
دستمال راهموار کرد وبروی آ…
نان‌شیرین گذاشت . سیلوی با تب…
جو گفت:
(رفتم قهوه آوردم)
(می دانستم)
(تو خوب هستی ؟)

(شکمم درد می کند)
(ازطفل است؟)
(نی)

نان شیرین را نصف کرد ،نیم…
جوگذاشت . با حر کتی موها یش…
سرش انداخت وبه سقف بلندنگریس…
سیلوی میدانست که جوبطر فش می…
میدانست که درفکری غرق است ول…
گرفت مزا حمش‌نشود به خوردن ادا…
آهسته آهسته به‌قهوه‌شپ‌های کوتاه…
همه‌جا، بالا، پایین، اینسو وآنسو…
نگریست وسعی میکرد تابه فردا ت…
پایان

روان شد. تشناب مردانه چندزینه پائین‌تـر
بودلذا چوب هایش راروی هم‌گذاشـــت ،از
دستگیره گرفت وآهسته آهسته پائین شـــد.
(کمك تان کنم؟)
مرددریشی نوی پوشیده وتبسمی برلب داشت
.جوچوب هایش رابمرد داد وبایك دست روی

(پول پیداکنی)
جو به‌آهستگی چوب‌ها راازمرد گرفـت‌و
رویش راگشتاند وشروع به‌بالاشدن اززینـه
هاکرد .مردبار دیگر می‌خواست برایش کمك
کندولی جونپذیرفت .
(یقین‌داری) مردبار دیگر وقتیکه جواز زینه
بالاشد پرسید ؟
(ازمه چی می‌خواهی ؟)
(بتوده دالرمی‌تم اگربانی ...)
(نی،نی بروبخانه پیش زن‌وبچه هایت،تومست
هستی)
(زن‌ندارم ،مست نیستم ودرهوتلی آنطرفتـر
زندگی می‌کنم)
(نی ،خوب نیست .برعلاوه‌به پول ضـرورت
ندارم مه‌منتظر ریلی‌هستم که‌واشنگتن می‌رود)
بداخل‌اتاق‌انتظار شد بدون‌اینکه به‌عقبش‌بنگرد
باخودفکر کردچه دنیای مسخره است بعضی
مردم چنین معلوم می‌شوند که‌همه چیزداشته
باشند ولی آنها کمتر ازمردمی که‌چیزی ندارند
،دارند به‌آهستگی بطرف سیلوی خزید،ناگهان
شرمندگی احساس کرد،بدتراز آنکه باآن‌مرد
می‌رفت وده‌دالر می‌گرفت .
سیلوی همانطور گلوله شده بخواب‌رفته
بوداتاق بزرگ تقریبا خالی بودکسی به‌قفسچه
بازدست می‌زد دریانوردی که‌مجله‌ای خوانده
بوددرحالیکه دهانش بازبود بخواب رفته‌بود،
گدای پیری کاغذ هارا جمع می‌کردوبجیبش‌ـ
میریخت زن‌پیری باموی های سپید پریشان‌و
کالای‌سیاه‌خاك‌آلودبین‌دوسبد بازار کهنه‌نشسته
بودوچاکلیت می‌جوید. جو بارامی چوب های
زیربغلش راگذاشت ،نشست وبهم‌جلوديد.
فکر کرد، دنیا جای مسخره است ،و دیدکه
همه کس در خلاء آن شناور است و دســت
هایشان مانند غر یقی بسوی چیز نا معلوم
دراز است . .روز هنگا م‌که همه کس‌مصروف

همدیگر رادیدندو دید که مردی جوانی‌بالباس
زیبابدنبال دختری می دودوراجع به طفلی‌فکر
کردکه اکنون در شکم سیلو ی است‌او طفلی
رادید ته به خودش وسیلوی شباهت داشت
دراطراف اتاق ایستگـاه بـزرگ خط آهـن
قدم‌می‌زد ،وبطر ف اتاق تشنا ب مردانه‌رفت
بعد دید که‌آن طفل اکنو ن جوان برو مندی
باشغل خو ب‌بجاده پار ك قدم می زند وبعد
به ایستگاه بزرگ خط می آید در حالیـــکه
تبسمی بر لب دارد و هیچ متو جه مردمانی‌که
بکندی راه می‌روند نست جو به پسر شـــ
فخر میکند پسری که بسو ی راه باز دربین
مردمان شناور راه می رود. ولی از ذ هنش‌می
گذردکه نگران ترین در دروازه اورا ازورود
باز میدارد و پسر ش بدنبال بکس جیبی‌اش
میگردد وآن رانمی یابد نگران بدرو ن راهش
نمی دهد، پسر ش دوباره در حالیکه هنـوز
بجستجوی بکس جیبی اش است در میان
مردمان شناور راه میرود . در ذ هن‌پسرش
این اندیشه را راه میدهد که سکه ای راپیدا
نموده‌و به کسی تلفو ن کند. پسر ش‌اینکار
رامیکند وپدر ومادر ش رادرتلفو ن میخواند.
درهمین لحظه غرفه ی تـلفون که درگـوشهٔ
سالون قرار دارد بزنگ زدن شروع میکندوجو
صدا میکند :
(سیلوی)
(چی ؟)
سیلوی بدار نشد . فقط گفت (چی؟) و
جایش رابدل کرد. جو متو جه شد که تلی
بوت‌سیلوی پاره شده پار گی اش‌که‌ترشده
بود اکنون کرسمه زده بود زانو های پتلونش
برآمده ونخ‌نما شده، بالا تنه اش چملك‌شده
واز زیر آن شکم بر آمده اش بزر گتر از
همیشه‌معلوم می شد، فکر کرد که تا کنون‌بر
آمدگی شکم زن حا مله دار رابه این وضـع

ادبی ټوټه :

زړی جامی

داختر ورځ وه ،

دکـلی‌مالت ټـولو ماشو مانو نوی جامی اغوستی وی .

دخیالی اکا بال‌بچ هم‌دچم‌ګاونډ له‌ماشومانو سره ګرځیدل .

خوددوی جامی نوی نه‌وی، بلکه هماپخوانی پریولی جامی یی په‌ځان وی .

دوی د کلی نورو ما شو مانو په‌منځ کی‌ځان ډیر .. احسا سولـو ، او اریـان اریان به یی دیوه اوبل مـاشوم جاموتـه کتل .

ماچی ددوی داحال ولید، په‌زړه‌کی‌می‌ډیری خبری وګرځیدی .

دکلی مخی کی می لویـی ګټی ته تکیـه کړی وه ، او دکـلی دماشو مانو دلـوبـو نڅاوو، اوخوشحالو ننداره می کوله.

پدی کی می دخیالی اکـایوه شپږ کلنه ماشومه‌لور ترځنګه تیره شوه، نومی‌پرېږ غ‌کړ جلی راغله ،سلام یی واچاوه اوپه ډیره خوږه او ماته ژبه یی راته کړل:

کاکا ! اختردی مبارك شه :

ماورته کړل :

ستادی مبارك شی .

ماخپلی خبری اوږدی کړی او دی‌نجلی‌ته می کړل :

کاکایی ګوری ! ولی تاسوته مو پلار په اخترکی کالی نه‌وو کړی ؟

دی راته کړل :

نه‌کاکا ! سږکال می‌پلار ناروغ وو، اودا دری میاشتی کیږی، چی‌ځای پرځای پـروت دی ، غره‌نه لرګی‌نه‌شی راوړی، پیسی نه‌شی ګټلی نوکالی په‌څه شی واخلو !

ادی خان باباکره مزدوری کوی ، موږتـه دهغوی دکاله پاتی شونی راوړی ،اوموږپری مړوی ،او لالامی چی له‌مکتبه راشی ،نو دملك کاکا تامیرته خښتی اچوی ، اوپه پیسو یی دبادا دارو کوی .

نو کالی له کومه کړو،

دایی راتـه وویل ، اوپه منډه راڅـخه دماشو مانو لوبځی ته روانه شوه .

اوسنی ادب :

ماهیرکه

ماوی نجلی لیږه ستنه شـه ،ځکـه
خدا زد ه‌چه بیا سـره پیدا کو د لـی
د ګلـو ځا نګه را کـږ ه شو ه‌په مـا
په سو ی‌سا یی ویل «ولـی ،و لـی ؟»
مـا ویل بـاز یـمه د لـو ړ وغرونو
اخر به‌الوز مه ، پو ه شو ی ګلـی !
زه یم د غـرو د در یا بو نـونه یم
بی ځا یـه‌مـه کو ه د ا هلـی ځلـی
د غم وریځی یـــی اخوری وری‌شو ی
لکـه‌ما شو م یی ر ا ته و ژ ړ لـی
«نه خو به وا لو ز ی،د غرو نوبه شی ،
چا ته‌پریږدی د غه ما غمځپلـی ؟ »
ما ویل هو د ژونـد تقد یـردی د غـه
غم دمر د ا نـو ، مرد د غم دی‌نجلی
زه‌یم دغرو دسمندر به نشم
څـه‌وکم بیلـی د ی د بر خـو تلی
ر ا نه چا پیر د ی د وطـن‌خو بو نـه
دغرونو مینـه مـی ور کاږی ولی
ز ه هم و طن ا سـر مه ، او لس‌لـر مـه
ماته‌په لاردی ډیری ستر ګی هلی
وز ر می سو ځی د پـر وا زپه هو س
ګر زیدی‌نه شـم اور می اخلی تلی
هیر که‌ماهیرکه‌لکه هیر خو بو نه
خداز ده چی‌بیا سره پیدا کو د لی

لرغونی ادب:

کله کله

پاخه دلربا دناز له خوابه کلهٔ کلهٔ — وباسه لعلونه له دریابه کله ـکله
خلاص کړه مهجوران دغم‌له‌تابه‌کله‌کله — بوی دخوږو زړونو ترعنبرو لاخوشبوی‌دی
درومی مخ په وړاندی په‌شتاب‌بیرته‌نهٔ ګوری — بنه‌ده په هجران سینه کبابه‌کله‌ـکله
راشه څه خو روشه لهٔشتابهٔ کلهٔکلهٔ — ناست یم په‌هجران کی‌وچی شونډی سینه‌سوی
راشه مرجونا «شه»د دریاب ومنځ‌ته‌پریوزه — راوړه‌جام دسرو شونډوله‌آبه‌کله‌ـکله
مه‌اوسه خاموشه لب بسته مدام اشرفه — وایه ښه غزل دعشق له‌بابه کله‌ـکله

اشرف خلیل

ګړنی ادب :

سروکی

توره لالیه باران اوریږی = پـه‌ما اوریږی ستاد وینو بارا نونه
توره لونګی دی غوړوه چی پـری‌ویده شم
اور ،ا، که چی توده‌شم
توره لونګی چی دی په سر کړه‌پلو داره = زما د مینی یاره

دشهیدکاسی ارمان

دپښتون کور جوړول زما ارمـان دی
دامی پت، دامی غیرت، دامی ایمان‌دی
له‌بولانه ترچترا له زلمو ویښ‌شیء !
خو نبها زمـا دسر پښتونستان دی

اوسنی ادب :

ښه‌په فیشن لاړی

شولی بلبل دسر درو په‌هرګلشن لاړی
ښه په فیشـن لاړی ، الله د ی مل شه

* * *

ته یی بلبله خرا ما نه شوی =
په سیل روانه شوی
چی‌سیل‌دی وکړو په خوښی مخ په چمن لاړی
ښه په فیشن لاړی ، اللـه د ی مل شه
د ښا پیرو په شا نی رنګ لری
= په ګل کلنګ لری
ګلاب دی بوی‌کړو بیا په لو ری‌د سوسن لاړی
ښه په فیشن لاړی ، اللـه د ی مل شه
ته به خوبا نوکی حسینه یی =
په خوی سنګینه یی
زه‌وم ولاړ چی ته خیا لی مخ په کمند لاړی
ښه په فیشن لاړی ، اللـه د ی مل شه
د ببو جانی په فرقت کی =
رنځ وضیقت کی
ای سید کما له په ار مان مخ‌په کفن لاړی
ښه په فیشن لاړی ، اللـه د ی مل شه

د شګی سید کمال

ارتباط چشم با دندان

اگر روزی متوجه شدید که چشم های تان درد می کند، چه می کنید؟ حتما به‌سراغ دکتور چشم خواهید رفت.

ولی فراموش نکنید که دندانها و چشم ها با هم ارتباط عمیق دارند به هر حال رفتن نزد دکتور چشم تنها کافی نیست، باید به دکتور دندان نیز مراجعه کرده واز تکلیف چشم هایتان او را آگاه سازید. در اکثر ناراحتی های چشم باید علت را در دندان جستجو کرد. زیرا ریشه دندان کاملا نزدیک چشم قرار گرفته و کافی است که یك چرك دندان و کرم خوردگی باعث ناراحتی چشم و کم شدن قوه دید گردد.

یك دندان خراب و یك کیسه چرکی در ریشه دندان نه‌تنها باعث ناراحتی میگردد بلکه به اعصاب چشم نیز صدمه میزند ونمیگذارد خون به اندازه کافی به چشمان برسد. و حتی یك کرم خوردگی دندان و یا ریشه دندان خراب و چرکی باعث بوجود آمدن آلرژی و حساسیت چشم نیز می گردد.

اغلب کسانی که چشمان ضعیف شده با کشیدن یك یا چند دندان ناگهان بینائی خود را بدست آورده‌اند. پس شما هم برای حفظ وسلامت دندانهای تان علاوه ازپاك کاری ذریعه مسواك وبرس‌گاه‌گاهی نزد دکتوردندان رفته‌وبعداز معاینه خویش را خاطر جمع بسازید.

فرار توریست‌ها از نیویارک

ازسال ۱۹۷۰ به اینطرف ازعده ای توریست های که از نیویارك دیدن میکنند، کاسته شده‌است. علت این امر طبق آماری که امریکائیها انتشار کرده اند، حملات‌افراد ناشناس است که شبها ودر جاهای خلوت به توریست ها حمله‌می کنند.

در میان کسانی که قربانی حملات افراد ناشناس گردیده اند می توان از یك وزیر المانی، یك‌محصل فرانسوی و یك تاجر ایتالیائی نام برد و گفته می شودکه اگر وضع به همین منوال ادامه بیابد، ممکن است تا چند سال‌دیگرهیچ توریستی جرأت نکند که از امریکا بازدید بعمل آورد.

وحیده رحمان ازدواج کرد

ترجمه از :دعاگوی

این از دواج دو نیم ماه قبل صورت گرفت که برای همه دوستان او غیر مترقبه بود ، شو هر و حیده تغیر مذهب داده و نا م خود را عوض کرده گفته شد بالاخره از جمله سه ستاره خانه مانده یکی آن بخانه شو هررفت.

« وحیده رحمان» ستاره مشهور سینمای هند که سال گذشته با فرید احمد صدیقی یك تاجر مشهور غیر مستقیم در هند نا مزد شده بود وبعد از اینکه بیشتر از دو ماه ازنامزدی اوشان سپری نشده بود که ناگهانی وحیده تغیر عقیده داد و نا مزدی خود رابهم زدکه علت این بهم خورد گی تاکنون افشا نشده و آنچه در فحواه مردم راه یافته است حرف ها و سخنانیست که بعید از دایره پزیرش میباشد و واقعیت آنرا که خیلی تلخ است نمیتوان قبول کرد .

وحیده رحمان مدتی دربرابر شایعات و افوا هات خا موش بودولی چون مقاو متش را از دست داد علت العلل بهمزدن نا مزدی خودرا با فرید احمد صدیقی متکی بعد م اعتقادخوانده افزود که او مرد عاشق پیشه و هوسران بوده و تاکنون چندین بار ازدواج نموده که هریك از زنان اوبه سرنوشت شوم و ناگواری مبتلا گردیده است و برای اینکه او هم **بهسرنوشت زنان دیگراوگرفتار نشده** باشد پیش از وقوع حادثه خود ش رانجات داد وچاره واقعه رانمود .

وحیده رحمان بایك نگاه اجمالی :

یکعده از مردم سینما دوست هند این ستاره را مهتاب شب چهارده لقبداد اند واین از جهت است که او در فلمی که چندین سال قبل بهمین نا م تهیه شده بود به پیمانه درخشید که انتخاب چنین یك لقب برای اوبی مسما نمی نمود.

وحیده رحمان درسال ۱۹۵۳ در حالیکه شانزده سال داشت تو سط «گرودت» فلمساز ودایر کتر جوا ن آنوقت وارد سینما شد .

او در آغاز مرحله همواره باگرودت یکجا درفلم ها ظاهر میشد که فلم های «خانم وآقای ۵۵،پیاسا، چو د هوین کاچاند ، دلهن یك رات کی » را می توان از فلم های مشهور او خواند ، تا آنکه «گرودت» باو صف اینکه خانمی چون «گیتارت» آوازخوان مشهور وقت هم داشت سخت بعشق این ستاره افتاد و وقتی خود را در برابر آرزو و عشقش ور شکست احساس کرد خود کشی کرد ووحیده را با راده خودش سپرد .

وحیده باوصف اینکه یکی ازستاره های آرام و بی سرو صدا یی بودباز هم داستان عشقی او با دلیپ کمار مدتها روی زبانها زمزمه میشد که وحیده دربرابر آن همه شایعات عکس العملی از خود نشان نمیداد و این خود نشانه قوی وثبوت عینی برای واقعیت امر محسوب میشد . اما وقتی که دلیپ کمار با سایره بانو ازدواج کرد روزنه امید و حیده بکلی کور شد و دیگر دلش دربرابر هیچ پیشنهادی نلرزید اگرچه پیرامو ن ارتباط او با سنجیو کمار هم یک سلسله افواهاتی بلند شد و لی این موضوع ازطرف جانبین از روی صدق و صفا یکسره تردید شد واز همین تاریخ به بعد وحیده شا مل گرو پ خواهران مجرد شناخته شد چندین

منظرهٔ از انجام مراسم عقد نکاح

وحیده رحمان و شوهر شس

سال بهمین تیره گی زندگی را عقب گذاشت وجزباامور مربوط به‌مشاغلات روزانه خود بدیگر چیز ها مخصو صا به ازدواج فکر نمیکرد تا آنکه بیك بارگی موضوع نا مزدی او با فرید احمد صدیقی بلند شد تبصره های بلند بالا در نشرات هند منعکس شد ولی همه آن بی ثمر بود برای اینکه نامزدی اویك جریان با آغازی بود که پایان و سر انجام مثبت برای وحیده نداشت و رو بهمرفته از حلقه‌دوستان تا جریده نگاران موضوع بهم‌خوردگی نامزدی و حیده را یك صدمه بزرگ روحی برای و حیده تلقی و یادداشت کرده ابراز نظر نموده بودند که شاید دیگر وحیده‌بحلقهٔ ازدواج گیرنشود اما علی الرغم‌همه حدس هاوپیشگوئی ها پای او دریك از دواجی بند شد

که برای هچکس قابل قبول جلوه نمیکرد و برای عمو م دوستانش غیر مترقبه بود . و حیده رحمان بیست ویك سال است که درسینمای هند هنر نمایی میکند و چندین بار جایزه های سینمایی را بدست آورده و در بیشتر از پنجاه و هشت فلم‌هنرنمایی کرده که‌از فلم های مشهو ر و ی «گائید ، آدمی ، را م اورشیا م، دل دیا دردیا ،پهاگن» رامی توان نا م برد .

شوهر وحیده کیست ؟

عده زیادی را عقیده باین بود که وحیده دیگر از ازدواج نا مید شده وشاید تا آخر عمر باین موضوع فکر نکند ولی همه‌بی‌اطلاع بودند ازاینکه تما م ماجرای مقد ماتی خیلی‌خصوصی وخا مو شانه بپا یان رسیده بود و ناگهان این خبر درمیان حلقهٔ‌دوستان وهمکاران او منتشر شد که وحیده‌با «کمل جیت» توافق های حاصل‌کرده که باساس آن قرار گذاشته اند که با هم عروسی نمایند .

«کمل جیت» یکی از هنر پیشه‌های گمنام و غیر مشهور درسینمای هند بود که سالها قبل درفلم «شگون» مقابل وحیده رحمان درفلم « سن آف اندیا» مقابل کم‌کم در فلم « قوالی کی رات» مقابل جبین هنر نمایی کرده‌بود ولی چون چنگی بدلهانمیزد خودش متقاعد شد و بطرف کا نا دا بمنظور کار و بار روی برد .

چندین سال بعداو دو باره بهند

وحیده رحمان بعداز نا مزد ی

برگشت و بعدا دختر سعیده خواهر بزرگ وحیده را بحیث سکر تر استخدام نمود که این مو ضوع‌پای او را بخانه و حیده رحمان باز کرد.

دریکی از شب هاکه «کمل‌جیت» بمنزل سعیده دعوت بود او برو ی احساس همدردی به و حیده گفت :ــ چرا از دواج نمیکند که و حیده بعد از یك تبسم کوتاه جواب داددر صورتیکه مرد خوبی حاضر باز دواج شود تا خیر نخواهد کرد .

کمل جیت فورا و یا شاید هم غیر ارادی گفت :ــ اگر در نظر اومردی خوبی باشم ، پیشنهاد میکنم که باهم عروسی کرده و بکا نا دا رفته متباقی زندگی را براحت و آرامی سپری کنیم .

چون و حیده بجز ا ز اختلاف مذهبی چیزی دیگری که مانع از دواج شود دربین نمی بیند موافقه میکند با همدیگر از دواج کنند و هریک

بقیه در صفحهٔ ۵۸

وحیده و شوهرش که قــرا راست بسوی کانادا سفر نمایند

وقتی که کمل جیت گردن‌بند ی‌رابعنوان تحفهٔ نامزدی بــگر د ن وحیده می آویزد

تلاش برای دست یافتن به

ترجمه: گاو شگر

ذخایر عظیم مواد خام در زیر آب های خروشان پوشیده است

* * *

بشر سعی می کند تا بحر را بحیث یک منبع بزرگ مواد غذایی تبدیل کند

بعداز صید ما هی آن هـا را چنین دسته بندی می‌کنند .

کارها وتلاشهای پیشگا مـی بشر دربستر ابحار هنوز مانند پا یـن شدن وگام گذا ران بشر بروی‌سطح ماه ،روی پرده تلویز یون نیا مـد ه است . تازما نی این حاد ثه ازتو جه عامه بدوربوده‌و آنرا جز حوا د ث دست نایاب بشر می دا نستند مگر دا نشمندان و انجینران در تـلا ش این اند تا ردپای منا بع عظیم کـه هزاران فت پاین تر از سطـح آب یافت می‌گردد بیابند . وقتیکه د ر سال ۱۹۶۰ پرو فیسور پیکارو بـا هیات بحر شناسی ا شـ در عمـق ۸۰۰ر۳۵ فتی با آله‌ی بحر یا بـی اش راه یافت، مر دمان ایـن سفر را زیاد تر یك سفری به منظـو ر کشافی می دانستند ، تا یك سـفر سود آور. فقط یك دهه‌بعدتر کشتی تحقیقاتی آلمان بنام «وا لدو یا» بـا خود در حدود ۳۰ تن نمونه هـا ی قابل استفاده از عمق بحیره سر خ بهمراه آورد . طی سفری به‌بحیره‌ی جنوب با کشتی تحقیقا تی والدو یا دا نشمندان آلما نی مو فق شد ند که تو سط دستگاه تلویز یو نی ا ز فاصله دور محل ذخا یر بزر گـ سنگ آهن را در عمق ۰۰۰ر۲۰ - فتی بحرکشف کنند . به این‌ترتیب دا نش وتکنو لو ژی گام نوی را - دارد دا نشس بحـر شنا یـی برداشت که‌تلاش شان فقط آگا هـی به شگفتی‌های عمق ابحار نیسـت بلکه هدف اسا سی را دست یا فتن به منابع عظیم اقتصادی به خا طـر انسان ، می سازد .

نفت سنگ آهن وغذا :

از مدتها پیش انسان توا نست تا از هفت بحر بزرگ ، بحیـث وسیلهٔ ارتباط وپیوند از یکطـر ف وبهره برداری از ما هی از جا نـب دیگر کار بگیرد . امروز می دا نیم که‌در بستر بحر ها ملیو نها تـن طلا ، منگنیز ، نیکل آهن وکوبالت که می توان سا حه جد یدی را از لحاظ منابع مواد خام بحساب آورد، وجود دارد . در بحیره‌ی شمـا ل خلیج مکسیکو، سواحـل افریقا و اندو نیزیا هم اکنون ساحه هـا ی برای بهره برداری نفت کشف شده وبرمه های چاه کنی مشغول حفـر آن بخش ها می باشد .

کمبود جهانی مواد خا م ز مینـه اینگو نه کشف ها را از ثـر و ت بحر بیشتر آماده نموده است . نـه تنها منابع برای نفت و سنگـ آهن، آب و ماهی‌بر اهمیت ابحارمی افزاید بلکه ، ابحار منا بع عظیـم و پر قدرت غذ ایی را برای جها نی که هر روز بیش از پیش در چنگال فقر وگرسنگی دست‌وپا مـی زند ، می‌سازد .

جنگ به خاطر افزا یش سر حد های بحری آیسلند :

اگر اکنون آ غاز بهره بر دا ری اقتصادی ازدو سوم سطح ز میـن که با آب پو شا نیده است ،باشد ، بزودی بر خورد منا فع اقتصـا دی چاره ناپذیر است. نبرد آ یسلنـد برای افزا یش سر حدات ابحار شـ یکی از مثالهای تازه است. اینکشور که در آمد ش بصورت مطلق بـه شکار ماهـی وابستگـی دارد سعـی

زیر دریایی که میتو انـد تـا ۹۰ر ۲ فتی بحر راه یابد گر چـه این امر هنوز رویاست ولی بزودی به تحقق خواهد پیو ست .

منابع طبیعی بحر

نمود تا ساحه شکار ما هی اش را تا پنجاه میل تو سعه داده به ایـن وسیله جلو شکار ما هی کشورهای المان غرب وانگلستـان را که بـه صورت سنتی‌در این ساحه بر مـی خورد ،گرفت . محکمه‌ی بین‌المللی هاگ به ما هیگران آلمانی‌وانگلیسی اجازه داد تابه شکار مقدار محدود ماهـی در ایـن ساحـه بپر دازد. وبه‌این تر تیب یك فیصله عا جل از طرف قضات صورت گر فت .اقدام آیسلند یك هو شداری بین‌المللی برای استفاده از ابحار بود . و بـه دنبال آن بسیاری کشور های دارای ساحل تلاش ور زید ند تا قوانیـن اسا سی بین‌المللی را برای بهره‌برادری از بحر ،تنظیم کنند .

پایتخت وینزویلا ، کارا کاس‌محل

کشتی ما هیگیری

کشور گرد هم آمد ند تـا روی خوبی اینگو نه تلاش ها به حساب
«قانون اساسی» برای ابحار که می می آید. پنج هـزار اقـتصاد ا ن ،
توان آنرا را گام بزر گی در ایـن سیاستمدار و دا نشمندان از ۱۵۰

نمونه از تصفیه خانه نفت .

راه به حساب آورد ، کار کنند .این سو مین کنفرانس روی حقو ق ابحار است ولی مشکل پیچیده تـر ا ز آنست کـه بـتوان آن را در همیـن کنفرانس حل نموده تمام شر کـت کنند گان ابراز دا شتند که با یـد دراین راه همه سالـه کنفـرا نسی دایر گردد ، هیچکس نمی توا نـد برکمبود مواد غذایی وخام جـها ن چشم بپو شد ، کورت وا لد ها یـم سر منشی ملل متحد ، کنـفرا نس کارا کاس رایکی از عمده تـر یـن کنفرانس های ملل متحد خوا نـده است .

راهٔ حل های محدود

مسأله اساسی قا نون بـحر ی را میتوان در یك جمله خلا صـه کرد: «سنت های کهن وچـندیـن سده آزادی ابحار باید بـادعا های ملی در مورد منا بع طبیعی هما هنگی یابد » دربرخی ساحـه هـا ایـن سوال راه حل یا فته است.چنانچه یکسلسله موا فقه نامه ها بمـیا ن آمده است که مسا له ماهی گیـری ساحه بحر، منابع بستر ابـحـا ر وغیره را در بحر شما ل راه حـل یافته است. بستر بحیره‌ی شما ل که بخش شمال غـرب اروپـا را در بر می گیرد تو سط چند ین‌موافقت نا مه ها بین ناروی ، د نمـارك ، انگلستان ، ها لند و آلمان غـرب تقسیم بندی شده است . و لـی قوانین همـه جا نبـه و کـا ملی که بتوا ند اد عا ها ی ملـــی و بین‌المللی را در بر بگیرد ، هنـو ز بمیان نیا مده است .

سوال که یك کـشور تـا چـه اندازه می‌تواند سا حـه سر حـد آبی خود را و سعت بد هد تاﺍکنو ن حل نشده است با و جو دیـکـه از عمر آن ۲۰۰ سال می گذرد .در آن سال ها سا حه آب های ملـی فقط سه میل بحری طول دا شت که این سا حه به اندازه تیر رس یـك توپ بود. این سه میـل بـحـر ی هم اکنون هم در بین بعضی کشورها چون آلمان غرب، امریکا ، جا پا ن، استرالیا ، بلجیم و ها لند و جـو د دارد . برخ دیگر از کشور ها ایـن سا حه را تو سعه داده اند ما نـنـد برخی از کشور ها ی امریکای‌جنوبی که آن را به دو صد میل بحـری گسترش داده اند . در این سا حـه وسیع آنان حق ما هیگیری ، حـق منابع طبیعی وآلود گی را به خو د اختصا ص داده اند .

بقیه در صفحه ۵۸

«په جاپان کی دځوانانو فیستوال»

پدی کی شك نشته چه دیوه ملك اووطن لوړتیا اووړاندی تګ په عمومی صورت دهماغه وطن په ټولو اوسیدونکو پوری اوپه خاصه توګه دهماغی جامعی په ځوانی طبقی پوری چه دملك دآبادی لوړه او مثمره قوه ګڼل کیږی ارتباط لری. ځوانان دی چه دنه ستړی کیدونکو فعالیت او خوار یو په نتیجه کی خپل ملك ابادوی او خپله ټولنه دمنزل براوته رسوی، ځوانان دی چه دخپلی ټولنی نیمګړتیاوی حس کوی او ددی نیمګړتیا وودله منځه وړلو دپاره زیار باسی او ځوانان دی چه دراتلونکی نسل دپاره په مشکلاتو دبری منبدلو لاری پرانزی

پورتنی مطلب ښاغلی محمد داؤد«امر» دپولی تخنیك دپوهنځی د پنځم ټولګی محصول اود پالندوی ټولنی لیبهردمرکی پهترخ کی څرګند کړ.

یوافغانی هیات چه څو موده پخوانی په جاپان ته دځوانا نو په فسیتوال کی دګډون دپاره سفر کړی ؤ او ماوغوښتل چی دفستیوال په باره کی دمعلوماتو لپاره مرکه ورسره وکړم نومی لاندی مرکه له دوی سره وکړه:

کله چه می دهیات غړو نه پوښتنه وکړه چه جاپان ته ستا سودسفر مطلب اوهدف څه ؤ ؟ وئی ویل : دجاپان هیواد چه زموږدهیواد سره ښه او دوستانه روابط لری او دهمدی نیکو روابطو په اساس موږ دوه تنه افغانی ځوانان دهغه هیواد دځوانا نو دهرستی په غوښتنه او دافغانستان دځوان جمهوری دولت په موافقه په هغه هیواد کی دځوانانو په فستیوال کی ګډون وکړ.

البته زموږ دګډون مطلب اوهدف په کوم خاص تیکی پوری مربوط نه ؤ اوپه عمومی توګه یو لوی هدف یکی موجود ؤ او هغهداچه دنوری دنیاځوانان زموږ په عنعناتو، رسومو او موږ دهغوی پهطرز تفکرباندی وپوهیږو.

علاوه لدی دجاپان دځوانانو موسسه چههرکال دآسیائی هیوادو ځوانان هلته بولی غرض ئی دادی چهخپل انکشافات اوپرمختګونه دخپلو دوستو هیوادو ځوانان ته وښائی اوهمدارنګه ښوونکی ښاغلی محمد اسماعیل (خزاعی) ؤاودا چهموږ تهپه څه ډول ددیسفر موقع راکړه شوه البته په افغانستان دځوانانو داجتماع یوازنی موسسه چه هلته ځوانان دخلکو دخدمت دپاره سرهرا ټولیږی دځارندوی موسسهدهچهموږ دواړه دهمدی موسسی لـه خـوادی سفـرتـه وتـــا کـــل شو .

دښاغلی امر نه می بله پوښتنه وکړه چه آیاویلای شیچه پهنوموړی فستیوالکی دکومو هیواد و ځوانا نوبرخه اخستی وه؟

ویيویل : بلی دجاپان پهګـډون پدی

عده ای از جوانان ما، درفستیوالجوانان منعقده جاپان دیده میشوند

ددوستو هیوادو ځوانان پـدی وپوهوی چـه ځوانان څه ډول باید په اجتماعی چاروکی برخه واخلی .

دهیات غړو وویل: پدیسفرکی ستاسوبل افغانی ځوان ملګری څوك اوڅه ډول تاسوته دتللو موقعدر کړه شوه؟

بل ملګری می دنادریی دلیسی دځارندوی فستیوال کی د یـو و لسو آ سیایی هیو ا د و نـو ځـوانـان بـر خه درلـوده (افغانستان ، هند ، ایران ، بنګلهدیش ، مصر ،نیپال ، کو یټ ، تـرکیه ، کور یـا، سـر یـلا نـکـا او خـپـلـه جـا پـان) لههیأت نهمی وپوښتل : ستاسو سفرڅومره موده پهبرکی ونیوله اومصرف مودچاله خوا

بقیه درصفحه ٦١

جوانانوموسیقی

مسولین امور موسیقی در بر لـــن بیشتر متوجه آن اند که تا عالـــی ترین نوع موسیقی را به جوانـــان عرضه کنند . و برای ایشان تقدیم نمایند که از جدید ترین شیوه های موسیقی استفاده نمایند .

استادان مو سیقی میگو یند که جوانان باید از آوان طفلی باید بـا دایره عمومی موسیقی معرفت داشته باشند .

موسسات متعددیگرپرو گرامهای تجربوی بیشماری را روی دســـت دارند تااطـفال به سنـیـن ۸ـ۱۰ سال را تحت آن قرار دهند ایـــن پرو گرام مشتمل بر سه قسمـــت میباشد .

۱ـ اصلا حات تجربوی ،بازدید های اعضای ارور کستراز مکاتب، کودـ کستنها و اجرای پارچه ها تـوسـط آلات جعبه یی وشنوا نیدن موسیقی توسط آلات تصفیه کننده امـــواج صوتی درسالن های که تدابیر تحفظی اهتزازات صوتی آن اتخاذ گردیـده صورت میگیرد و توسط وسا یل سمعی که به منظور بهتر فهمیدن از موسیقی و پارچه های ثبت شده و آلات موسیقی را فراهم میسازد در رشد واستعداد شاگــردان و در آموزش نواختن با اور کستر اقدام صورت میگیرد .

معلم موسیقی جدید ترین میتودموسیقی را به شاگردان یاد میدهد .

ژوندون

یک نامه از چند نامه

در ینجا میخواهم در مورد سینما وتقلید جوانان ازآن چیزی بنویسم، سینما یکی از وسا یل تفریحی کشور ما بوده که اکثرا تما شاچیان آنرا جوانان تشکیل میدهند . ولی بیشتر جوانیکه عادت رفتن به سینما دارند تحت تاثر حرکات ، گفتار و کردار ستار گان‌فلم قرار گرفته. از حرکات و تمثیل بیمورد هنر مندان سینما که (در آن صحنه صرف‌جنبه تفریحی دارد) تقلید می نمایند . هر فلمیکه به روی پرده سینما میاید از دو حالت خالی نیست ، یا فلمهای تفریحی است ویا اخلاقی و آموزشی بر ما است که از جنبه هـــای مثبت فلم استفاده نموده از آن تقلید نمائیم ولی متاسفانه هستند عده جوانانیکه به تقلید از ستارگان فلم خود رایکی از جمله هنر منـدان سینما تـصور نموده به تقلیـد از ایشان باپوشیدن لباس های عجیب وغریب(سـر خ وزردو...) وگذاشتن موتابه‌شا نه و غیره تقلیدات بیمورد شان که‌زیب جوانان افغان نیست،عمل مینما یند بجوانان ما لازم است که از کار های خوب وپسندیده دیگران که اجتما ع ما به آن احتیاج مبرم دارد ، تقلیـد نمایند یعنی تقلیدازکاروزحمت وفرا گرفتن علم و معرفت نه یله گردی‌و هیپی شدن‌کوشش از جوانان‌ماست که بتوانند مانند دیگران که‌به‌نیروی همین جوانان خویش ماه را تسخیر و دست تسلط با قمار سماوی دیگر دراز نموده اندوخو د را بشا هراه تمدن نزدیك ونزدیکتر سازند . تا باشد که دست احتیاج ماAز دامن دیگران کوتاه گردد .

جوانان نیروی پر قدرت هرجامعه را تشکیل میدهند و جامعه به‌نیروی جوانان و پر کار خویش احتیاج مبرم احساس می نماید و ملتی به‌موفقیت های شایان نایل میگردد که دارای جوانان وطن پرست ،وپر کار وفعال باشد چه نیروی همین جوانان اسـت که مملکت آباد و مردم آن خوشبخت میگردند .

ای جوانان حالا که در کشور مـا آفتاب جمهوریت سراز افق بیکران طبیعت طلوع نموده و وقـت کـار و فعالیت میسر گردیده لازم است تا حد توان و قدرت از هیچگو نه فدا

بقیه در صفحه ٦١

جوانان وروابط خانوادگی

هیچ تعجب نکنید روزیکه شما هم مانند من حلقه از دواج یاحلقه ای .... به انگشت نمودید روز گار تان ازین بهتر نخواهد بود .

و آن روز دیر نخواهد بود کـــه شما هم به مانند من جاروب بدست بگیرید و یا اگـر کمی تر قی کرده باشید وظیفه دار شستن ظرو ف‌چرب آشپز خانه تان گردید .

– بلی تمدن امروزی برای زن و مرد حقوق مساوی قایل شده اسـت هیچ جای تعجب ندارد که ما از ین کار ها نمایيم و چنانچه عده از خانم ها میگویند که شستن و جــارو ب کردن و غیره کارهای منزل‌تنهاوظیفه زن نبوده بلکه مردان نیز باید درین قسمت بازنها همکاری نمایند .

خوب حال که ما و ظیفه دار شدیم یابهتر بگویم وظیفه دار ساختندپس نباید که این وظایف را با بدخلقی بی میی قبو ل کنیـم و به آن مبادرت ورزیم . بلکه با پیشبانی بازو بدون اینکه احساس گردد که به ایـن کار ها علاقه و دلچسپی نداریم و چـــه بخواهیم و چه نخواهیم وظیفه دار آن شده ایم. پس بایـد وبـد ون اینکه اصلا بروی خود بیاوریم کـه آیا این وظیفه زن اسـت یا مـرد با کشاده رویی و سلیقه خاص به کار های خانه بپر دازیـم و نگـذ اریـم که محیط خانواده مارا ا بر هـــای کدورت و بی اعتمادی فرا گیـرد . زیراهمکاری در امورمنزل جزء از وظایف همیشگی هر کس میبـا شـد چه این شخص زن باشد یا مردفرقی نمی کند .

در جستجوی دوستان‌قلم

مایلم با برادر انیکه در قسمـت موسیقی علاقمند اند مکاتبه نمایم .

آدرس : لیسه‌حبیبیه ـمحمدفاروق متعلم صنف نهم دال .

* * *

اینجانب سید دا ؤد میخواهم‌درباره آثار تاریخی افغا نستان معلوما ت حاصل نمایم .

کسانیکه میتوانند درین قسمـت رهنمائی کنند لطفا به ایــن آدرس مکاتبه نماید .

هرات ، لیسه جا می ، سیدداؤد متعلم صنف یازدهم .

* * *

میخواهم درباره آثاراز نویسندگان معاصر کشور معلومات تازه جـمـع آوری کنم .

کسانیکه میتوانند درین باره کمك کنند لطفا به آدرس ذیل مکا تبـه نمایند .

کندز ـ محمد نبی ـ متعلم صنف دهم شیرخان .

* * *

من از علاقمندان آواز احمد ظاهـر و ظاهر هویدا هستم کسانیکـه بـا من هم عقیده و ازعلاقمندان موسیقی اند لطفا به این آدرس : مکاتبه کنند.

لیسه نادریه ـ جان آقاـ متعلـم صنف نهم .

* * *

آرزو دار م‌که‌درباره آثار نقاشـی کوبیسم بیشترمعلومات‌جمع‌آوری‌کنم.

لطفا به این آدرس : مکاتبه کنید. لیسه استقلال ـ محمد نادر متعلم صنف نهم .

* * *

به جمع آوری تکت پستی عـلاقه دارم کسانیکه درین قسمت علاقمند اند لطفا ـ به آدرس‌ذیل‌مکاتبه‌نمایند.

آدرس : لیسه محمود طـرزی ـ عبدالعلی متعلم صنف نهم .

از شوهرم شکایت دارم زیرا

در هر کارم بدون مو جب مداخله می کند.

ـ بعد از مدت ها که خو یشا ن واقاربم بدیدنم می آیند با پیشانی باز از آنها استقبال نمی کند.

ـ در حضور اطفا لم مرا تهد ید میکند وهرچه بـد هنش بـیایـد نثارم می کند.

ـبین فر زندانم یکی را نسبـت بدیگری تر جیح می دهد.

(میرمن س از شاه شهید)

ـ به خانه و اطفا لش علاقه ندارد وروز ها می گذرد یك طفلم را نا ز ونوازش نمی دهد.

ـ تما م امور خانه را متعلق بمـن میداند جزئی ترین همکاری حتـی در آوردن سودا از با زار با من ندارد.

ـ هیچگاه احسا سات زنا نـه مرا درك نمی کند.

ـ وقتی بخانه می آید در گو شهٔ می نشیند و مصرو ف مطا لعه مـی

بقیه در صفحه ۵۸

مودوفیشن

باشوهرم چکنم؟

درین هفته یکتعداد نا مه ها ئـی از خوانند گان محترم این صفحـه دریافت نموده ایم که در هر کدا م ازان از رو یهٔ شو هر شان شکا یت نموده، و از ما خوا سته اند تا درین مورد با یشان مشوره بد هیم.

مانامه های رسیده را به متصدی صفحهٔ زن سپر دیم تا جوابی برای هریك از نامه ها تهیه نما ید. امـا بعداً اطلاع یا فتم که متصـد ی محترم چون از عهدهٔ جواب همـهٔ نامه ها نسبت ضیقی وقت بر آمد ه نمیتوانست از همکـار دیگر خـود این خوا هش را نموده بود تاجواب نامه ها را تهیه و آماده نشرنما ید. اینست جواب هائی که همکـار متصدی صفحه جهت نشر حا ضر نموده و ما آنرا برای شما تقد یـم می کنیم:

• • •

س ـ شوهرم دربدپوشی شهرت دارد و هیچگاه بسر و بر خورد نمی رسد با او چکنم؟

• • •

ج ـ خو بست که اقلا دریك چیز که شهرت دارد. شما هم لبا سها ی بد برایش تهیه کنید.

• • •

س ـ شو هر م همیشـه تنها به سینما می رود و من که خیلی به دیدن فلم علاقه دارم مرا با خود نمی برد.

• • •

ج ـ از کجا می دانید که تنها به سینما می رود شاید تنها نرود.

• • •

س ـ شو هرم با و جود یکه سرفهٔ زیاد می کند هر قدر برایش میگویم که سگرت را تر ك کند ولی قبو ل نمی کند بااو چکنم؟

• • •

ج ـ کو شش کنید که سر فه ر ا ترك کند.

ش ـ شو هر م خیلی شکم خوردا دو ست دا رد، هر چه پیشش نیاید از خوردن آن دریغ نمی کند چکنم؟

• • •

ج ـ در ینصورت بکو شید که خود شما پیشش نروید.

یک سوپ خو شمزه

مواد لاز م:

لبلبوی پیازی یکدا نه
گوشت گاو پنجصد گر ا م

زردك یکدا نه
برگ کر م دوصد گر ام
پیاز یکدانه
شبت یك بو ته
سیر ۳ـ۴ دندانه
کچالو نیم کیلو
مرچ سیا، نمك، مرچ سرخ تازه بقدر لاز م

تمات با دنجان رومی ۲ـ۳ قا شق گو شت را در بین آب جوشانیده وبعد از پخته شدن پار چه هـای گو شت را از آب بکشید. زر دك و لبلبو را به قطعات کو چك بر ید ه با تمات با دنجان رو می و مقد اری روغن با مرچ و نمك دربین دوگیلاس آب گو شت انداخته بجو شا نید تا خوب نرم شود یك مقدار پیازولبلبو را در بین روغن سرخ کنید و سپس کچالو، برگ کرم و مرچ تازه رادر یك مقدار دیگر آب گو شـت بجو شانید. بعد تما م مواد پختـه شده را در باقی مانده آب گو شت انداخته دو باره در آتش ملایـم بجو شانید بعد از پا نزده دقیقـه شور بای مزه دار بد ست خوا هـد آمـد.

بابخت سیاه خود چه کنم

سر گذشت اسفناکم را که عا مل آن يك اشتباه بود بشما قصه میکنم اگر توانستید آنرا دریکی ازصفحات مجله نشر کنید تاباعث عبرت دیگران شود .

یکسال چند ماه پیش که صنف یاز دهم را نزدیك بود به آخربرسانم روزی از مکتب سوی خانه روان بودم که جوانی ظاهراخیلی آراسته ومودب مقابلم ایستاد و بعد از ینکه نامم راخودش بزبان آورد مکتوبی راکه از جانب برادرم ازیکی از کشو رهای خارجی نزدش بود بمن داد و گفت دوستم از خارج آمده واین مکتوب را از برادر تان با خود آ ورده است من در حالیکه ازو تشکر نمودم مکتوب را از نزدش گرفته روان شدم و لی جوان که بهترین بهانه اش مکتوب بود با من یکجا براه افتاد و از هر طرف صحبت های خیلی دلچسپ با من می نمود . بالاخره بمن اینطور وانمود ساخت که پدرش با فامیل خود از مدت هاست بخارج زندگی دارند و او چون در صنف اخیر پوهنخی است تا حال همه ساله رخصتی اش را در آنجا سپری میکرد وتصمیم دارد بعد از بپا یان رسانیدن دوره تحصیل بخارج نزد والدین خود رفته و تحصیلات عالی خود را درآنجا به پایان برساند .

جوان برای اینکه توجه مرا بخود بیشتر جلب کرده باشد گاهی از موتر شخصی خود و گا هی از زندگی تنهای خود و گاهی از پول و دارائی خود بامن صحبت میکرد. هنوزصحبتش بپایان نرسیده بود که من بخانه رسیدم و قتی می خواستم ازو خدا حافظی نمایم خیلی مو دبانه تذکرداد که همان دوستم که از فا میل خود ماست هفتهٔ آینده دو باره بخارج می رود و اگر مکتوبی به برادر تان می نویسید من برایش می سپارم تاآنرا برایش برساند باز هم ازو تشکر نمودم و او از نظرم دور شد .

روز دیگر باز هم وقتی بسو ی خانه روان بودم باز هم او را دهن مکتب دیدم و باز هم با چشم سفیدی خاص با من بنای صحبت را گذاشت وبا همان سخنان چرب و شیرین مرا تا خانه همرائی نمود . همین طور چندین روز متواتر وقتی از مکتب رخصت می شدیم او بانتظارم می بود ومرا بخانه می رساند و هر روز بهانه تازه می تراشید و با همین بهانه هایش سر صحبت را با من می کشود. ازشما چه پنهان منهم کم کم زیر تاثیر این چرب زبانی ها رفته بودم بالاخره روزی رسید که بمن پیشنهادی نمود ، پیشنهادی که ابتدا از قبول آن انکار ور زید م. تا بالاخره در اثر اصرار زیاد بمن وعده داد که با هم نامزد شویم ووقتی مکتب را به پایان بر سانم عروسی نموده ویکجا بخارج نزد فا میلش برویم ودر آنجا هردوی ما تحصیلات خود را دوا م بدهیم . همان بود که یکی دوبار بخانه ماهم آمد اما آنقدر مودب بود که پدر و مادرم نیز باین جوان علاقه گرفتند تا دا ماد شان شود دیر ی نگذشته بود که چند نفری را برای خواستگاری فرستاد و بعد از یکی دوبار رفت و آمد پدر و مادرم موافقت خویش را اظهار نمودند و ما با هم نا مزد شدیم چند ماه دیگر سپر ی شد یکروز جوان با عجله و شتاب بخانه ما آمد و در حالیکه يك رفیق دیگرش نیز با او بود مو ضوعی را در میان گذاشت که گویا پدرش مریضی خطرناکی است و او را بخارج نزد خود خواسته است و لذا باید به يك نکاح استفاده نموده مرا با خودیکجا بخارج ببرد و در آنجا متباقی تحصیلاتم را ادامه دهم . مادر وپدرم باین خواهش شان قناعت نمودند و يك هفته بعد مراسم نکاح ما آنهم باشتراك دوستان خیلی نزدیك خود ما انجام شد . بعد از ازدواج مکتب را هم ترك گفتم و با مید اینکه امروز یا فردا بخارج می رویم بخانهٔ خود جاء دادیم و او شوهرم شد . مدتی ازین زندگی مشترك سپری گردید و جوان هرروز بهانه‌های جدیددیگری میتراشید تا بالاخره بعد از سپری یکی دو ماه دیگر همه چیز ها روشن شد این جوان نه مادری در خارج داشت ونه پدری نه خانه داشت ونه جایدادی بلکه از سالیانی بود که آواره ودربدر گاهی درکابل و زمانی در ولایات کشور زندگی میکرد و با هزاران وسیله لقمهٔ نانی پیدا میکرد . اکنون چند ماهی شده که درچنگ این جوان بی مروت افتاده ام . و راه چاره از نزدم گم شده . نمیدانم چه کنم .

نکته های در بارهٔ زن

زن عمیق تر می بیند و مرد دورتر، عالم برای مرد قلبی است و قلب برای زن عالمی .

(گرابه)

تسخیر يك کشور بزرگ ازتسخیرقلب کوچك زن آسانتر است .

(ناپلیؤن)

وظیفهٔ زنان تهذیب اخلاق مردان است .

(ولتر)

زن مخلوقی است که در او لطیف‌ترین و صمیمی ترین فضایل را می توان پیدا کرد .

(جو ستون)

درجات ترقی يك ملت درحیات اجتماعی منوط با احترا م زن است .

(گرگوار)

زن بزرگترین آژانس خبررسانی است ، زیرا همیشه دستگاه های آخذه (گوش) و فرستنده (زبانش) کار میکند .

(ولتر)

نامهٔ شمارسید

محترمه میرمن ش !

ما هم باشما هم عقیده استیم وامید است بزودی آرزوی تان بر آور ده گردد .

* * *

پیغله ماری از شاه شهید !

خدا اصلاح شان بسازد ، شما کوشش کنید تحت تاثیر سخن های شان نروید که در آینده پشیمانی سودی ندارد .

* * *

محترمه فایزه از جمال مینه !

نامهٔ تان را نسبت بعضی معاذیر چاپ کرده نتوانستیم. امید است نامه های آینده تان را در همین صفحه بچاپ برسانیم .

* * *

پیغله ثریا وجمیله ازلیسه جمهوریت !

نامه تانرا در شماره آینده چاپ می کنیم تا شماره آینده منتظرباشید.

* * *

پیغله ص. ف !

توصیهٔ ما اینست که هنوز برای اینکار وقت زیادی دارید بکوشید تحصیلات تانرا تکمیل کنید و هم شخص مورد نظر را خوب مطالعه نمائید آنگاه در مورد خواهش او تجویز بگیرید .

* * *

محترمه م. س از جاده میوند!

از مطالعه نامهٔ تان درك می شودکه جانب مقابل شما باشتباه خویش پی برده است و لذا بهتر است راه مصالحه راباوی درپیش بگیرید .

مسالهٔ اسپ

درشماره ۳۲، موضوعی بعنوان مساله اسپ طرح شده بود که از خوانند گان را ههای دیگری برای اینکه اسپ در صفحه شطرنج بتواند همه خانه ها را عبور کند بدون اینکه ازیك خانه دوبار بگذرد ، پرسیده شده بود، اینك یکی از راههای حل این مساله تقدیم میشود، اما برای آنکه شما بیشتر فکر کنید، اسم ۱۳ ولایت راکه درابتدانگر هارودرآخر بغلان آمده است، در این صفحه شطرنج جای داده ایم و ضمنا خانه شروع را هم با علامت پیکان نشانی کرده ایم .

شما در ضمن اینکه نا م این ولایت ها را پیدا میکنید کوشش نمایید که که راههای دیگری برای حل مساله اسپ پیدا کنید .

ه	ا	ن	گ	ل	ن	ل	ن
ا	ر	د	ز	ا	ن	ب	ت
ب	ا	ر	خ	ن	ی	ا	غ
ه	ه	ک	ر	ا	پ	ک	ب
ر	ل	و	ف	ا	ا	ب	گ
ه	ا	ه	ت	ر	ن	ا	پ
غ	ف	س	م	ن	ر	ن	د
ر	ل	ز	ا	م	ن	ی	ی

طرح کننده: مونسه بشیر

راه حل معما ی مشکلتر

یك مساله حسابی تحت عنوا ن (ولی این معما مشکلتر است) در شماره گذشته چاپ شده بود که جواب مساله در کلیشه زیر نشا ن دا ده شده است ، اما راه یافتن آن چنین است:

اگر اندکی د قت کنیم می بینیم که از ضرب عدد ۸ یعنی تنها عددی که در تقسیم مذکور معلوم است) در مقسوم علیه یك عدد دورقمی بدست آمده‌است ، بنا بر آن معلوم است که مقسوم علیه از عدد ۱۲ بزرگتر نیست، از طرف دیگر می بینیم که در بعضی موارد از ضرب رقم خارج قسمت در مقسوم علیه ، عدد سه رقمی بدست آمده است و چون تنها از ضرب عدد ۱۲ در ۹ عدد سه رقمی بدست می‌آید

۱۰۹۱۸۸۹۷۰۸ | ۱۲
۱۰۸ | ۹۰۹۹۰۸۰۹
۰۰۱۱۸
۱۰۸
۰۱۰۸
۱۰۸
۰۰۰۹۷
۹۶
۰۱۰۸
۱۰۸
۰۰۰

پس مقسوم علیه از ۱۲ کوچکتر هم نباید باشد بنابرآن مقسوم علیه مساوی ۱۲ است .

اگر از آخرین رقم خارج قسمت به عملیه ضرب (که مقابل تقسیم‌است) شروع کنیم می توانیم بقیه رقمهای نا معلوم را به تدریج پیدا کنیم .

تقسیم برا

آیا می توانید اعداد ازیك تانه راطوری درکنار یکدیگر قرار دهید که عدد نه رقمی حاصله قابل تقسیم برعدد ۱۱ باشد ؟

جواب درشماره آینده تقدیم میشود .

مسالهٔ شطرنج

سفید بازی را شروع میکند و در دو حرکت سیاه را مات میکند .

حل مساله شطرنج

شمارهٔ گذشته

۱ـ وزیر سفید به خانه **(ب ـ۳)** برود اگر اسپ سیاه ازخانه (ج ـ٤) به خانه (الف ـ٥) یا(هـ ـ۳) یا (هـ ـ٥) برود .

۲ـ وزیر فیل سیاه خانه **(هـ ـ٦)** را میزند کش و مات .

اگر اسپ سیاه بخانه (د ـ٦) برود

۲ـ رخ سفید از خانه **(الف ـ۷) به** خانه (ج ـ۷) میرود، کش ومات .

اگر فیل سیاه (هـ ـ٦) اسپ سفید خانه **(د ـ۷) را بزند .**

۲ـ وزیر، اسپ سیاه (ج ـ٤) را میزند کش و مات .

اگر سیاه حرکت دیگر کند

۲ـ وزیر به خانه (ب ـ۷) میرودکش ومات .

جواب معمای حسابی شماره ۳۳ـ ۳٤

حاصل ضرب ۷ در ۱۱ در ۱۳، عدد ۱۰۰۱ می باشد، هر عددی که عین ارقام آنرا بطوری درزیر آن بنویسیم وباآن جمع کنیم که عددبزرگ سمت چپ در زیر عدد چهارم نوشته شود، حاصل جمع آن مضربی از عدد ۱۰۰۱ خواهد بود و معمای مذکور با استفاده از همین خاصیت ساخته شده است.

جواب معمای منظوم شماره ۳۳ـ ۳٤

در اصطلاح صرف، ناقص، کلمه‌ایست که حرف آخر آن صحیح نباشد و اجوف کلمه ایست که حرف وسط آن صحیح نباشد بنا ؛ راین نی ناقص حرن نون و جام اجوف دو حرف جیم ومیم است که روی هم رفته کلمه نجم ازآن حاصل میشود .

جواب مساله هندسی شماره ۳۲

کاغذ را باید قات کرد بطوریکه دایره بریده شده و سط آن به شکل شکاف مستقیم درآید ، از این شکاف سکه پنج افغانیگی عبور خواهدکرد، به شکل زیر توجه فرمایید :

جدول اطلاعات عمومی

افقی :

۱ـ نویسنده سه تفنگ دار ـ این کتاب تالیف شمس الدین رازی است .

۲ـ یك سیاستمدار معروف ـ شبه جزیره مربوط آناتولی است .

۳ـ نویسنده اسپانوی و صاحب دو مان ادمون ـ کوهی در کشور ترکیه .

٤ـ کاشف مرض طاعون ـ مرکز یك کشور افریقائی .

٥ـ صاحب کتاب جاسوس دو طرفه ـ یك کشور کوچك اروپائی

مرتب غلام یحیی احمدپو شنگی

٦ـ از ستارگان سینمای غرب ـ مولف زیج خاقانی که فرمانروا هم بود.

۷ـ نویسنده از فرانسوی وصاحب رومان سافو ـ ریاضی دان گرانما یه خود ما .

۸ـ خلیجی در جنوب ترکیه ـ یك ماده حیاتی .

۹ـ فلا سفه کلاسیك انگریز ی است ـ ازفضا نور دان مشهور .

۱۰ـ از منتقدین قدیم روم ودارنده کتاب (شب ابتکار)

حل کنندگان

مسعوده غریب ، شفیقه رقیم، احمد حسن زاده ، سلطان احمد ، پروین جهانگیری ، ثریا خالقی ، میرزا محمد گلکار ، محمد شریف سعید زاده و غلام سخی کارگرمطبعه دولتی . سلطانه ابوی ، غلام یحیی احمد پوشنگی .

S · Rezai

حل جدول جغرافیایی شماره قبل

جواب معمای منظوم شماره ۳۲

حرف اول (بها) ب و قیمت آن ۲ می باشد که چون یکی بر آن بیفزایم سه میشود که در حساب جمل معادل حرف جیم و چ میشودو در آن صورت بها به چهار مبدل میگردد .

جواب چیستان منظوم شماره ۳۲

شمشیر است .

شاعر نامی شماره ۳۲

عبدالواسع جبلی غر جستانی است .

اینجا کجاست؟
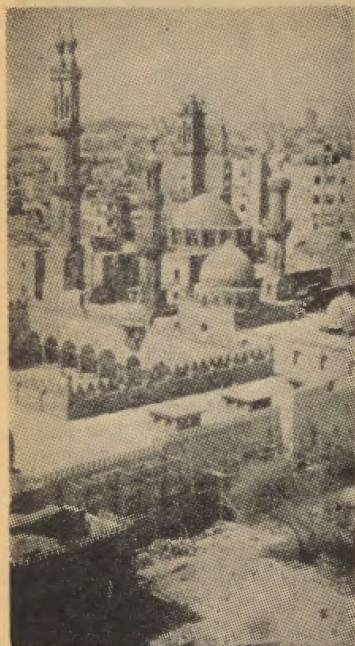
این تصویر ، متعلق به قدیمترین پوهنتون دنیاست که در مرکز یکی از بزرگترین کشور های عربی ساخته شده است .

برای اینکه بهتر از عهده شناختن آن بر آیید ، یاد آوری میشو یم که ساختمان این پو هنتون در زمان فاطمیان صورت گرفته و اکنون نیز معرو فترین پوهنتون اسلامی بشمار میرود .

اسم آن چیست؟ ودر کجا واقع است ؟

آزمون نظر
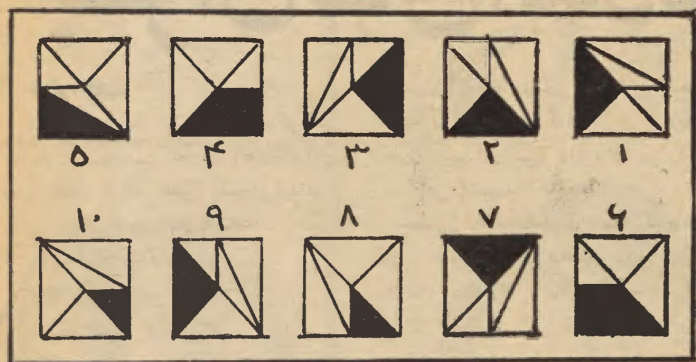
بادقت این اشکال را ملا حظه نمایید ، آیا میتوانید از بین آنها دو شکلی را پیدا کنید که کاملا با هم مشابه اند ؟

ستاره شناسی

به چهره این زن نگاه کنید آیا او را میشناسید ؟
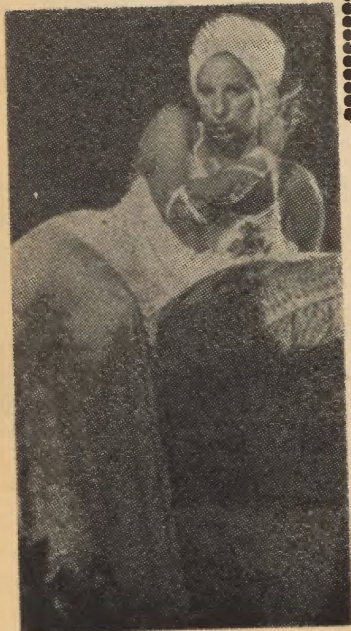
وی در سال ۱۹٤۲ در برو کلیس نیویارك متولد شده و در سال ۱۹٦۸ بخاطر بازی در فلم دختر مسخره موفق بدریافت جایزه اسکار گردیده ، این فلم در کابل نیز بنمایش گذاشته شد .

مترجم ژرف بین

پسران فوق العاده

خانم گفت:

در کوچهٔ ما اطفال تمام کوچکی هایك خصوصیت خارق العاده‌ای‌دارد تنها طفل مایك طفل معمولی‌است و پس رفته ترین طفلهاست .

وبعدا ادامه داد .

در رهرو، در میدان ودر ... سخنم راقطع کرد وگفت):

بگذار بگویم! تربیه نمی توانی. ببین پسر نینا پتروفنا که هنوز از هشت سال بیشتر نداشت زبان فرانسوی رابدون استفاده از فرهنگ لغات میداند. در اپار تمان پانزده، تانیا که چهار ساله است کتاب کانت رامیخواند .

اپار تمان بیست وچهارم چگونه است؟

اطفال لیونیدو فنا را میگویی؟ آنها هم‌به همین ترتیب .پسر شان یك‌نابغهٔ به‌تمام‌معنی است. سمفونی راباپایان میرساند وتصورش را هم نمی توانی بکنی درسمفونی هفتم‌را به‌مهارت مینوازد. دختر شان درسال ۱۹۷۱ یك‌داستان دنباله داری راخودش نوشت.

به سخنان اوعلاقه گرفتم وپرسیدم :

راستی بیاد نداری که ایکی‌ازهمین اطفال کوچهٔ ماخودش یك‌در پرتابل (ساختمانی که بداخل آن چند انجن جابجا میشود واز گاز مملو گردیده فاصلهٔ بسیار کمی راپرواز می کند وبعدا می نشیند) ساخت.

چطور یادم‌نمانده؟ همه رابخاطر دارم. سموچکا از دهلیز دوم همین بلاك‌ما. بیچاره تابحال گپ زدن‌را هم‌یاد نگرفته ولی توانست دریژابل بسازد .

وکی..

دختر شمشورنی. لاکن تا هنوز این موضوع مجرم نگهداری شده است. ولی طفل ما؟ طفل ماتا بحال چه‌کرده ؟ اینجا بیابچهٔ بیکاره ونا کاره .

تو مصروف چی هستی ؟

طفلك جواب داد !

دروسم را آماده می کنم. کتاب تو خوب ببین، کتاب الفبا می الفبایم را میخوانم .

خواند. هفت سال دارد وهنوز در صنف اول است. هرروز در فکر اینست که نمره چهار بگیرد وبعدا به‌نمره پنج ارتقا کند. در حالیکه بچه های هم‌سن وسالش کنفرانسها دایر میکند ومقالات شاخ ودمدارمی نویسند. آخرین بار میپر سمت، بالاخره تویك پسر خارق العاده می شوی ویا خیر؟!

پسرك نق‌نق کنان گفت ،

نمیتوانم، نمیدانم چه کنم .

من گفتم ،

من میدانم! بگذار میشا برود و بخوابد وفردا صبح همین که‌ازخواب برخواست حتما یك‌پسر غیر عادی ومعمولی خواهد بود .

خانمم با علاقه مفرطی پر سید ،

آیا این‌را وعده جدی میدهی؟

بدون اینکه درمورد جواب وی فکری کنم گفتم ،

طبعاء

فردای همان روز تمام والدین اطفال درباغچه روبروی بلاکهای ما جمع شدند وروی دراز چوکی ها نشسته پرگوئی های همیشگی شانرا آغاز کرده در اطراف مسایل مختلف شروع به سخن زدن نمودند .

هم‌در بین آن‌ها موقعیت گرفتم .

خانمی ازبلاك پانزده‌گفت: پسرم کتاب اول کانت راباپایان رسا نیدو حالا کتاب فیدرباخ را شروع کرده است .

خانم دیگرگفت، وپسر من‌دیشب زبان فنلندی رافرا گرفت وباز هم باید یاد دهانی کنم که بدون‌استفاده ازفرهنگ لغات مکالمه می کند .

پسر من موتر ..

پسر من هلو کوپتر ..

دخترم ....

پسرم ..

ودفعتاء رو بطر فمن کردند و پرسیدند :

وپسر شما؟ پسر شما چه کرد؟

به‌آهستگی پرسیدم .

ببخشید !پسر شما توسط چی آمد

چطور توسط چی، توسط بـا ـ یسکل .

این جواب رانا مبرده بدون‌اینکه فکر کند داد .

ومن هم‌با غرور کامل گفتم

همان بایسکل که پسرشما توسط آن‌آمد. پسر من اختراع کرده علاوه برآن کاغذرانیز پسرم اختراع‌نموده

کا، ک،کا، کاغذ را؟ نفس همهٔ آنها بند آمد .

جواب دادم بلی همه چیزراپسرم من‌اختراع کرده است. دیشب‌راجع به‌باروت فکر میکرد تاچندی بعد آنرا اختراع کند .

مادران تعجب کردند وگفتند.

باروت راکه چینی ها اختــراع کرد ه‌اند!

نخیر! پسرمن، میشما آنرااختراع می کند. وجالب اینجا ستا که‌درین راه‌از بزرگان قطعا کمك نمی‌خواهد.

مادران انگشت زیر‌دندان گرفتند وحتی بعضی از آنها سخن زدن را فراموش کرده برخی بصورت پرا ـ گنده وغیر منظم حرف مـی زدند و برای اینکه پسرم راا‌ز یاد نبـرده باشند پرسیدند.

وچطور، پسر تان چطور است؟

بدون آنکه انتظا ر بمانم گفتم ، پسرم، پسرمن، یك نابغه‌ا ست.

نابغه.، آواز این کلمه به اشکال مختلف به هوا متصاعد شد .

مشاهده کردم که‌تیر درست بـه هدف خورده :

نابغه یاغیر نابغه، ولی بایـــد بگوییم که پسرم بی‌نهایت‌بااستعداد است .

مادران در حالیکه د ستکول هـا وبیك های شانرا‌اززمین بر داشتند وچند نفس عمیق کشیده میخوا ـ ستند بروند، اطفال شانرا نیـــز بطرف خانه روان نمودند .

دومی ـ مه‌دزدهستم ؟؟

تیوری نسبت انشتاین را نیـز ختم کرده وعلوم لوبا چیفسکی‌رانیز می داند !

بعدا به ملایمت ازجایم برخواستم وبطرف منزل روان شدم .

خانمم تعجب کرده پرسید .

تمام شد ؟

سخنش را تصدیق کردم

بلی وبشنو .

اولی ـ تو بکدام جرأت پستی راکه‌من برای خود نگهداشته بودم‌ازمغازه ام‌دزدیدی ؟

دومی ـ برو کدام دزه گیر کو‌امه‌پست تره ندیدیم .

خودم این پست را از حیـوا نـی که‌شمار کرده بودم دریده ام.

ایره سیکو او، فهمیدی کله ره سیکو

اولی ـ تو بکدام جرأت در برابرمن‌اینطور حرف می زنی، دزد بـی غیرت !

دومی ـ مه دز هستم ؟؟

«او باروت را اختراع کرد ،کاغذ رانیز اختراع نمود،» «تمام پسران خارق العاده اندو پسر مانیز»

خانمم در حالیکه فوق العاده‌راضی بود گفت:

تشکر عزیزم .

فکری به‌کله ام گذشت‌ا «خدایا شکر،رفتم وکلکیـن هـارا بستم . امشب اولین شبی بود کـه پسر م توانست بدون مزا حمت دیگران به راحتی کتاب الفبایش را بخواند.

دومی ـ نه‌پدرم‌دزد بوده و نـه خودم ازتو کرده هم غیرت‌من زیاتر است .مفتخور !

اخلاق صفر

دوجوان درپارکی مشغول قـدم زدن بودند که‌دختر جوان وقشنگی را‌دیدند ،یکی از این دو جـوان بـه دیگرش گفت قلم وکاغذ را بگیــر تامن اعضای بدن این دختر رانمره بدهم .جوان دومی قلم وکاغذ گرفته منتظر نمره دادن رفیقش شد .

جوان اولی گفت .بنویس چشم ده ،دومی ،نوشتم ،اولی، بنو یس ابرو، ده، دومی،نوشتم‌اولی، لب‌ده دومی نوشتم،جوان به‌همین طریق‌به نمره دادن اعضای بدن دخترمشغول بودکه ناگهان کاسه صبردخترلبریز شده باعصابنیت گفتا ،جوان احمق خجالت بکش جوان بانخو نسر دی رفیقش رامخاطب ساخته گفت ـ بنویس اخلاق صفر

فرستنده ،ف،ف

اولی ـ چپ که‌می کشمت !

دومی ـ کی، والله همین ... زور

بیانی این‌گز وای میدان

گفتی ـ حق الزحمه ترمیم موتـر این آقا چند میشود ؟

ـ من موتری ندارم ، آمدم تیرمرا بادکنم .

آخرین نوازش

ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل

درشماره گذشته خواندید :

از چندی به اینسو، مادر «پال»مریض است و داکتر وضع صحی او را خیلی خطر ناك خوانده است البته علت‌عمده مریضی اوبخاطریست که همسرش وی را ترك گفته وبازن‌دیگری زندگی میکند :«پال» درصدد آنست که برود ، پدرش را مجبورسازد تا دو باره بخانه اش بر گردد. واینك بقیه داستان :

باید صبر و حوصله داشت. این یکبار آرزوی مادرم است.
«پائل» راه مرکز شهر را در پیش میگیرد
آقا... آقا به خانه نیست
حال دیگر زن جوان میگوید
پس منتظرش میمانم
و خانم «ستفانی» چطور؟
صفحه دوم

۶۷
۶۸

بلی، خانه لوکسی که برای پدرم
خیلی گران تمام شده.
۶۹

۷۰
۷۱

۷۵

۷۴

۷۲

۷۳

تیم والیبال لیسه سوریا قهرمان

تورنمنت خزانی معارف نسوان شناخته شد.

لیسه سوریا که‌از سال ۱۳۵۰ منحیث یک لیسه ازلیسه های نسوان شهر کابل عرض اندام نموده درمدت کوتاه افتخارات زیادی کسب کرده است که‌ازآن جمله ورزش است

لیسه سوریا دارای تیم های والیبال و بسکتبال بوده تیم والیبال ازمدت دوسال به اینطرف تشکیل یافته واعضای آن‌از شروع سال زیرنظر معلم سپورت فعالیت نموده وامسال سال اول اشتراك شان درمسابقات میباشد .

درتورنمنت بهاری والیبال بجز لیسه زرغونه وعایشه درانی تمام لیسه هارامغلوب ساخته ودر تورنمنت خزانی افتخار قهرمانی والیبال نسوان رابدست آوردند .

ازجمله اعضای تیم های والیبال که‌زیر نظر پیغله محبوبه منصوری معلم سپورت شان ابراز لیاقت نموده‌اند پیغله ذکیه ـپیغله ملحبه ـپیغله مینا ـپیغله لطیفه ـپیغله زر غنچه ، پیغله عزیزه ، پیغله نظیفه و پیغله زرغونه از تیم اول پیغله دینا ـپیغله شکریه ـپیغله نظیفه ـ پیغله نجیبه ـپیغله محبوبه ـپیغله ناجیه ـپیغله ماهره ـپیغله شریفه ـپیغله اقلیما ازتیم دوم میباشند .

یکی ازاعضای تیم درمورد مشکلات سپورتی شان چنین گفت : درقدم اول مشکلات ماازنظر سامان سپورت است زیرا لیسه سوریا حتی توپ بازی ندارند که‌درین مورد یعنی تهیه توپ ـمیدان وغیره سامان ولوازم توجه جدی ریاست تربیه بدنی را خواهانیم.

درقدم دوم برای دختران باید موقع بیشتر فعالیت داده شده وتوجه زیادی مبذول گردد زیرا ورزش دختران درکشور ماخیلی عقب مانده درحالیکه درمسابقات آسیایی لیاقت اهلیت وکار دانی زنان درورزش ثابت شده پس بنظر مااولا باید معلمان ورزیده سپورت برای تدریس وتعلیم سپورت‌تیم های دختران گماشته شوند ،ریفری میدان های مسابقات دختران باید ازبین معلمان‌نسوان انتخاب‌گردد به‌معلمان نسوان ورزش موقع تحصیلات عالی درساحه ورزش داده شود.لباس سپورت‌برای

مربیان واعضای تیم های دختران داده شود، دختران‌تیم هاباید تشویق شوند تادرمیدان‌ها سهم بگیرند وخصوصا بامیدان آشنا شوند، بایدبرای تیم‌های دختران جمنازیوم ها ساخته شود وازهمه مهمتر باید تشویق شوند .

جای مسرت است که‌دولت جمهوری افغانستان ازبدو تاسیس تاکنون کوشیده است تاتسهیلات بیشتری درساحه ورزش درکشور عزیز ما بمیان آید .

دراخیر بایدیادآور شوم که‌اداره لیسه سوریا همواره درتلاش است تاساحه فعالیت ورزشی درین لیسه هرچه بیشتر تقویه گردد

اعضای تیم والیبال لیسهٔ سوریا.

اعضای تیم لیسهٔ سوریا با مدیره‌لیسه مذکور

تورنمنت خزانی ورزشکاران اردوی جمهوری آغاز شد

تورنمنت خزانی ورزشکاران اردوی جمهوری به سیستم لیگ بعد از ظهر روز ٤عقرب ضمن مراسم خاصی در کلوپ عسکری آغازگردید.

دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز ورئیس کمیته عالی تربیت بدنی و کلتوری اردو پس از آنکه قطعات مختلف ورزشکاران را معاینه نمود ، طی بیانیه‌ای به آنها گفت دولت جمهوری در نظر دارد تا ورزش نیز درکشور ما انکشاف و توسعه یابد ، چه سپورت ممد تعلیم تربیه بوده و باید جوانان‌ما‌مخصوصا منسوبین اردوی جمهوری در توسعه وتکامل آن صرف مساعی نمایند .

درآغاز تورنمنت بیرق های ملی جمهوری و قطعات عسکری توام با نواختن سرود ملی‌بر فرازاستدیوم کلوپ عسکری به اهتزاز در آورده شد و بعدا تیم های ورزشی از دو مراتب رسم گذشت را بجاآوردند.

متعاقبا لوی درستیز به آن عده ورزشکاران تیم های‌موسسات‌وقطعات مرکزی اردو که در تورنمنت بهاری مقام‌قهرمانی را حایز گردیده بودند کپ‌های قهرمانی توزیع کرد .

در این مراسم جنرالها و صاحب منصبان ارشد اردو و یکعده زیادی از علاقمندان سپورت‌حاضر بودند.

این تورنمنت که بیست روز دوام خواهد یافت دران درحدودیک هزار ورزشکار سهم داشته و شامل مسابقات فتبال، والیبال ، هند بال، باسکتبال ، جمناستیک، پهلوانی و سپورتهای سه گانه عسکری‌میباشد.

در مسابقات روز ٤ عقرب دوش یکصد متر سه هزار متر با موانع ، دویدن ریلی چهار در صد متر، دسك وخیز دور انجام شد که طرف‌توجه خاص قرار گرفت .

قهرمان پهلوانی اتحادشوروی
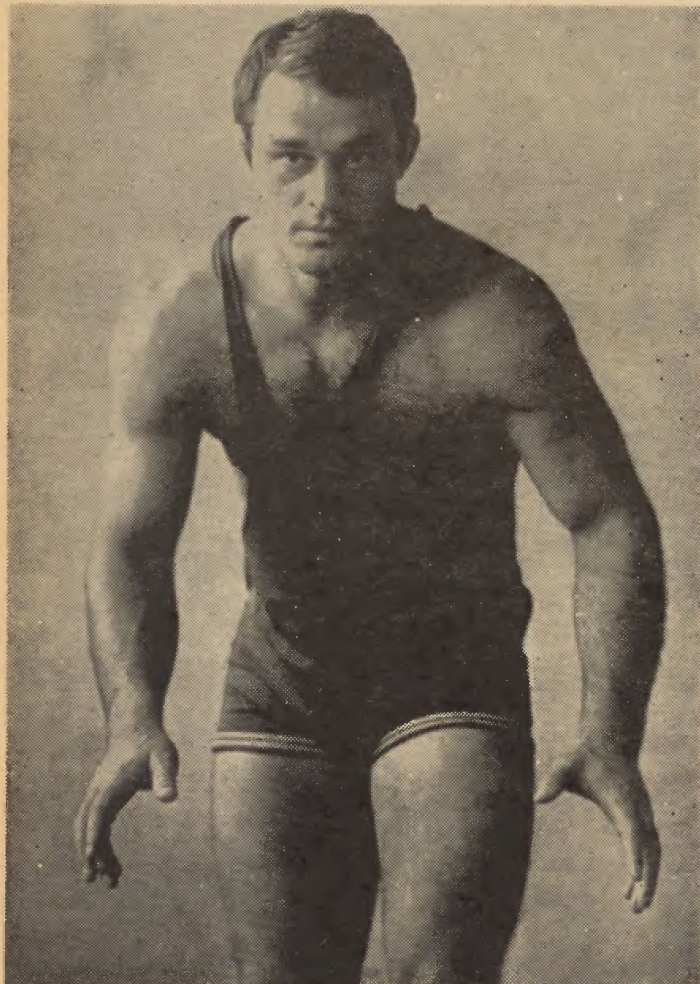
مسابقات قهرمانی جهان در پهلوانی آزاد تمام‌شده بود وپهلوانان در مجلس ضیافت تودیعی نشسته بودند که معلمین تیم منتخب به تدیا شو یلی گفتند که او باید فردا درنخستین دیدار قهرمانی جهان در پهلوانی سا مبو شرکت کند ، چون پهلوان میان وزن در این رشته بیمار شده است .

واختانگ بالا وادزه، معلم‌مسابقات قهرمانی و پهلوان مشهور سابق بالحن اطمینان بخشی گفت :

ـ لوان از عهده بر خواهد آمد!

تدیا شویلی درسه مسابقه پیروز شد ، در مسابقه نهائی بر حریف ژاپنی اش فایق گشت و در ظرف چند روز دو بار قهرمان جهان شد، حادثه‌ای که در تاریخ پهلوانی‌سابقه نداشت ! این حادثه مربوط به سال گذشته بود . امسال نیز یك هفته پیش ، او مجددا، برای سومین بار قهرمان جهان در پهلوانی آزاد شد .

... تدیا شویلی هر روز از ساعت هفت صبح تا دوازده شب از روی پروگرام معین، حتی با حساب دقایق، کار می کند، زیرا هر روز باید دوبار به تمرین ورزشی‌بپردازند در قسمت شبانه پوهنخی حقوق پوهنتون درس می خواند و علاوه بر همه اینها وظایف اجتماعی هم بر عهده دارد . ...

ـ تدیا شویلی پهلوان نمونه‌است از لحاظ هیکل و قواره کوچکترین نقصی در او نمی توان یافت . شانه های پهن و عریض ، عضلات قوی ونیرومند دارد . باوزن ۹۲ کیلو گرام مسافت صد متر را در١١٫٤ ثانیه می دود .

تاریخچه پهلوانی تدیا شویلی با شاه مراد اوف، پهلوان مشهور داغستانی بسیار جالبیست. آنهااز سال ۱۹٦٧ تاکنون پنج باردر مسابقات احراز مقام اول اتحاد شوروی با هم پهلوانی کردند . در اولین پهلوانی لوان تقریبا بکلی منکوب شد . نتیجه بازی مثل اینکه ۱ به ۱۳ یا ۱ به ۱۲ بود. به او می گفتند :« احمق، این چه بی پروایی است؟ مگر کسی می تواند با شاه مراد اوف پهلوانی نماید؟...»

لوان این حرفها را می شنید و سرش را تکان می داد ، باز هم با او پهلوانی کرد و باز هم دو بار مغلوب شد ، ولی البته با اختلاف خیلی کمتر، او می خواست بر استیل شاه مراد اوف پیروز شود. در سال١٩٧٠ وتدیا شویلی بانتیجه هیچ بر هیچ پایان یافت ویکسال بعدلوان‌برحریف دایمی اش پیروز شد و برای‌نخستین بار بمقام قهرمانی کشور مفتخر گشت .

واختنانگ میخائیلو ویچ بالاوادزه گفت :

ـ ساعت یازده روز سی ویکم دسامبر سال ۱۹۷۰ بود. ما پشت میز جشن سال نو نشسته بودیم که لوان سرش را بطرف من خم کرد و آهسته گفت: میخائیلو ویچ،خواهش می کنم نخندید » من پرسیدم: «جانم، چه میگوئی؟ منظورت چیست؟ » . او گفت: ـ میخائیلو ویچ، می خواهم سال نو در محل پهلوانی دیداری تازه کنم . میدانید ، شانس هست... من شانه هایم رابالا انداختم‌وخندیدم

ته یا شولی پهلوان شوروی

بعد فکر کردم که بهر حال رومانتیك است و اجازه دادم.

سال بعد مسابقات المپیك بود . وهمه باز یکنان و جماعت مردم ناراحت بودند ، ولی لوان در خواب بود . من ١٥ دقیقه قبل از شروع مسابقه بیدارش کردم . لوان بلند شد ، کمی ورزش کرد و گفت : «حالا من حتما برنده خواهم شد!»

لوان برنده شد . چونکه‌میخواست برنده شود . او بازی را با نتیجه١٤ به ۲ برد و قهرمان المپیك شد .

بنظر من، حالا دیگر شما خود تان می‌توانید از روی تعاریف نزدیکان تدیا شویلی خصلت پهلوان را حدس بزنید . واینك مصاحبه مختصری را که من باوی در آستانه خروج‌از تفلیس کرده بودم باطلاع شما می

(بقیه در صفحه ٥٨)

ـاوف ۰۰۰ :

این کلمه ازمیان لبان‌فشنگ تایپست موطلائی بیرون جهید ۰خانم تینکه خودکار سردش را به پیشانی "گرم‌ومقبول‌خودکه‌باموهای‌چنگک‌چنگک احاطه شده بود تماس داده‌دوباره‌تکرار کرد (اوف) ۰اوسپس متوجه زنی که همکارش‌بود شده گفت :

ـوینچی تویك وقت پیانو نمی نواختی ۰۰۰؟

وادامه داد :

ـبگو آن کدام کمپوز یتوز فرانسوی است‌که از۱۸۷۵الی ۱۹۳۷ میزیست ...؟

نوینا ماموره آرشیف که‌بسن تقاعد نزدیك شده است درهمین اثنا آخرین لقمه بزرگ ناشتائی خودرا از روی میز برداشته بلعیده صدا کرد :

ـموزارت ۰۰۰

خانم تینکه دوباره‌سرش رابروی آخرین‌شماره روزنامه (ویزور) پائین کرده بروی جدول تایپست بادیدن اوباعجله دستی به موهای خودکشیده خودرا بشکل بهتر بروی چوکی جابجا کرد ۰

ماموره کاغذی رابروی ناشتای خود گذاشت تاآنرا ازنظر تازه واردین بپوشاند ۰معاون رئیس باآواز پرطنین گفت :

ـآقای منول توتف همکار جدید تان را بشما معرفی میکنم ،وظیفه اوبرزسی دوسیه هاست۰ جوان باتبسمی دربرابر دوزن اندکی سرش راخم نمود ۰

معاون رئیس ادامه داد :

ـ آقای‌توتف ... میزکار شمااینجاست.. محترمه نوینا شمارا باکار هاآشنا خواهد ساخت . تاحال همین خانم بحیث معاون‌آقای بای دونچو که‌تقاعد کرده وشما بعوضش مقرر شده‌اید کار میکرد ۰خوب برای تان موفقیت آرزو میکنم ۰جوان بعداز گفتن تشکر عقب‌میز خود نشست میزاو درست مقابل میز دوشیزه حلال بسازم ۰۰۰)

ماموره گفت :

ـهمین که‌سرکارمیباشیم معاش ماحلال میشود ،خوب حالاکه عجله دارید همین حالا کارها راشروع میکنیم :

درینوقت دوشیزه تایپست ماموره را مخاطب ساخته گفت :

ـقبل ازینکه کاررا شروع کنی بگو ۰۰هـه ۰۰۰ یکنوع بوسیله حمل ونقل که‌به حرف (ك) شروع میشود ۰۰۰

ماموره با بیحوصلگی گفت :

ـنمیدانم ۰۰۰ بگذار مرا

مرد جوان فوراً گفت :

ـکراچی ۰۰

دوشیزه که‌قرمز شده بود گفت :

ـاوه بلی ۰۰۰ بکلی مطابقت میکند ۰۰۰ متشکرم ۰۰۰

دختر ازینکه خودش نتوانسته بود این کلمه

ـاوه فهمیدم ۰۰۰ اویل ۰

بعداز گفتن این کلمه توتف پهلوی ماموره نشست ،ماموره چنان قیافهٔ مغرور انه‌ای بخود گرفت که‌گوئی خودش جواب این سوال هارا داده است ۰

معلومات وسیع توتف آنقدر دختر را تحت تاثیر آورده بودکه وی مجبورشد روش خود رادر برابر او تغییربدهد ،چنانچه موقع‌صرف نان چاشت وی‌توتف رابه میز خود دعوت‌کرد۰ روز بعد وقتی که تینکه به اتاق معاون‌رئیس رفت اورا مصروف حل‌نمودن جدول کلمات متقاطع دید ۰همان جدولی که‌او روز قبل باتوتف خانه پری کرده بود ۰معاون باآواز بم‌و خفه ای‌گفت :

ـتینکه ۰۰۰ آیامیدانی واحد قیاسی اندازه کردن روشنی چیست ۰۰۰؟ دختربدون اینکه فکر کند گفت :ـفوتون)

ـخوب ۰۰۰ آفرین ۰۰۰ بگوکه مشهور ترین رومان تاریخی هانریش سنکویچ کدام است؟ تینکه جواب داد :

از تودور دانا یلوف

طنز نویس بلغاری

ترجمه :زلمی نورانی

نیرنگ طراح جدول

کمات متقاطع خیره شد آنوقت گفت :

ـ نی ۰۰۰ موزارت کمپوزیتور شش حرفی است من کمپوزیتوری رامیخواهم که‌اسمش پنج حرفی باشد ۰یکی دیگر بگو ۰۰۰ :

ـماموره پیرگفت :

ـدگه نمی فامم ۰۰۰۰۰

ـخی‌یك چیز دگر ۰۰۰۰ امپراطور فرانك‌هااز ۸٤۰تا ۸۵۵که بود ۰۰۰۰ ؟

ماموره گفت :

ـاوه میدانم ۰۰۰هه۰۰۰آه بدلم اس بزبانم نمی آیه :

وبعداز گفتن این جمله دوباره شروع کرد بخوردن ۰۰

درینوقت معاون رئیس داوید اوف بایك‌جوان ناشناس وارد شد ۰جوان لباسی شبیه لباس نوازنده های آرکستر جاز پوشیده بود ۰خانم تینکه واقع بود تینکه قیافهٔ بی تفاوتی بخود گرفته سرش رابروی روزنامه خم نمود وبدین وسیله وانمود کرد که‌هر تازه واردی نمی تواند بزودی توجه اورا جلب کند یااینکه میخواست بفهماند که (اواز آنهائی نیست‌که بعضی هافکر میکنند)ولی بااینهم بطوریکه دیگران متوجه‌نشوندخودرا برای‌لحظه کوتاهی عقب ماشین تایپ پنهان کردو لب‌هایش را سرخ نمود .

ماموره بعداز تینکه موفقانه ناشتای خودرا صرف کرد بالحن جدی ومطمئنی گفت :

ـآقای توتف ۰۰۰ مخواهید حالا دوسیه هارا برایتان بدهم یابعد از چاشت ۰۰۰۰ جوان گفت :

ـاگر همین حالاآنهارا دراختیار من بگذارید بهتر است ۰ بعدبا لبخندی افزود :

(میخواهم معاش امروز قبل‌از ظهرم را ساده راپیدا کند بالای خود قهر بود۰او اینبار به‌توتف گفت :

ـخوب آقای توتف ۰۰۰ پس بگوئید امپراطور فرانك هااز ۸٤۰ الی ۸۵۵ کی بود ۰

جوان قیافه متفکری بخود گرفته اندکی مکث رد سپس گفت :

ـگمان میکنم (لوتار) باشد

دوشیزه تینکه فریادی ازشادی کشیده گفت:

ـها۰۰۰بلی لوتار ۰۰۰ همین است خیلی متشکرم ۰۰۰ پس اینرا هم‌باید بدانید ۰۰۰ کمپوزیتور فرانسوی که‌از ۱۸۷۵ـ ۱۹۳۷ میزیست چه‌نام داشت ؟اودر دلش خوشحال بودکه لااقل اینرا توتف نخواهد فهمید و پیش‌او به اصطلاح کم خواهد آمد ۰توتف گفت :

ـ کمپوزیتور فرانسوی ...؟هه.. و بچرت زدن پرداخت

ـکدام سال گفتین ؟

ـدر۱۸۷۵ تولد شده ودر ۱۹۳۷ مرده است۰

ـکامو گریادیشی

ـآ۰۰۰ تینکی ۰۰۰ تومرا بحیرت انداخته‌ای توهیچوقت مثل حالا زودرس وحاضر جواب نبوده‌ای ۰۰۰ علت آن چیست ۰۰۰؟

تینکه گفت :

ـآقای داویدف ۰۰۰ این جدول رامن دیروز کاملا خانه پری کردم ،اما میدانید همراه‌کی؟

ـبانوینا ۰۰۰ ؟

ـاوه نه۰۰۰ همراه توتف همکار نوما ۰۰۰

ـاوه ۰۰۰ همراه او ۰۰۰؟

ـبلی آقای داویداوف ۰۰۰ شما هیچ نمی توانید تصور کنید که‌چقدر باهوش وپر معلومات است درمیان کسانی که‌من می‌شناسم تاحال کسی رابه اندازه اوحاضر جواب‌وپر معلومات نیافته ام،آگاهی وسیعی در علوم،

تاریخ هنرو مسایل اجتماعی دارد ،اوه۰۰۰او یك‌مامور عادی نه بلکه یك‌مرد اکادمیك‌است۰ ازحرف های دوشیزه معاون رئیس متعجب شده بود زیر تاثیر قرار گرفته بود دختر ادامه داد :

ـبسیار کار خوبی‌کردید که‌اورامقرر نمودید۰

ـآه‌بلی ۰۰۰ من‌خودم پیشنهاد اورا نوشتم۰

ـآقای داوید اوف پشیمان نخواهد شد۰یافتن چنن اشخاص لایق‌کار ساده‌ای نیست ،آدم ازکارکردن باچنین شخصی لذت می‌بردامامن فکر میکنم که‌او بزودی پیشرفت نموده از شعبهٔ ما خواهد رفت .

موضوع لیاقت توتف دهان بدهان میگشت، این امر باعث آن‌شدکه خود رئیس بااو ملاقات کند۰ ناگفته نماند که‌خود آقای رئیس نیز هربعد ازظهر جدول های کلمات متقاطع روزنامه راحل میکرد واینکار رایك نوع (ورزش فکری) می نامید . اوهمیشه میگفت (خیلی مفید است که‌آدم دماغ خودرا باچنین مصروفیت هاچرب کند ۰)

یك‌روز معاون رئیس آقای داویداوف رئیس‌را عرق‌آلود ومتفکر یافت رئیس جدول روزنامه ویزور رامقابل خود گذاشته بود ۰معاون‌گفت:

ـدرکدام حصه مشکلات دارید ۰۰۰ درافقی یاستون های عمودی ؟

رئیس گفت :

ـ تقریبا حل شده ... فقط همین یك‌حصه مانده... همین خط فرضی ایکه دور کره زمین رسم شده چیست ...؟

داوید اوف‌مدتی چرت زد وآهسته گفت ... « خط » رئیس ازروی نارضایتی گفت:

ـ نه نه... یك چیزی که پنج حرف داشته باشد .

معاون پیشانی خودرا پرچین ساخت ولی نتیجهٔ ازآن نگرفت ، بعد گفت :

ـ خطوط سواحل ...

ـ نه‌نه... خطوط سواحل فرضی نیست حقیقی است .

معاون گفت :

ـ میدانید آقای رئیس ، همین شخصی‌که تازه مقرر شده، توتف رامیگویم در فهمیدن چنین مسایل اعجاز میکند . آیا میخواهیداورا صدا کنم ...؟

ـ مامورین چه فکر خواهند کرد. اگر بفهمند که آمر شان در وقت رسمی جدول کلمات متقاطع راحل میکند ۰آنوقت چگونه میتوان نظم ودسپلین ازایشان توقع کرد؟

ـایه‌بلی ۰۰۰۰ حق‌بطرف شماست ولی‌راه حلی وجود دارد ۰بگوئید کدام ستون هسارا نفهمیده‌اید من‌به‌تینکه تایپست اداره میگویم تاجواب آنرا از توتف‌بپرسد ،بدون شك‌بدین وسیله جواب های صریح قاطع ودرستی خواهید یافت ۰

رئیس گفت :

ـبسیار خوب ۰۰۰ اولازش بپرسید که‌خط فرضی کدام است ودیگر اسم خواهر (سار شیشمون) (فرمانروای قدیم بلغاریه) چه‌بود؟ ویکنفر که‌در انقلابات بیکوف هاحصه داشت ونامش هفت حرف است چه کسی بود ۰

معاون آمربیرون رفت وبعداز پنج دقیقه بالبان متبسم وقیافه بشاش باز گشت وگفت :

ـنگفته بودم ۰۰۰۰ ؟فورا جواب داد ۰۰لیاقت عجیبی دارد رئیس گفت :

ـخوب ۰۰۰۰ بگو ۰۰

بدون شرح

ـخطفرضی پرالل است اسم خواهر سار شیشمون (مارا)و کسی که‌درجنگ های‌بیکوف هاحصه گرفته (ما تادور)نآم دارد.

رئیس این کلمات رادر ستون هایش نوشت وناگهان قیافه اش شادو بشاش گردید گفت:

ـآفرین ۰۰۰ درست همین چیز هاست ۰۰۰ هوم جالب‌است وقتی که‌اورا مقرر میکردن بنظرم آدم‌غیر جدی آمده بود ۰ قیافه اش‌به موش های جنگل می‌ماند ،اماآین استعداداو قابل تحسین است

معاون گفت :

ـبلی ۰۰۰آدم بافرهنگی است ۰۰۰ استعداد طبیعی دارد ۰آقای رئیس من‌فکر میکنم که‌در تشکیلات جدید اورا به مقام بلند تری مقرر کنیم نظر شما چیست ۰۰۰؟

ـمن‌هم موافقم ۰۰۰

ـچنین اشخاص برای‌کارهای بزرگ واجتماعی ساخته شده اند ۰

بدین ترتیب توتف چندروز بعد بحیث مدیر تشکیلات عمومی‌مقرر شد ۰آمرین بزرگ جداً ازوی طرفداری میکردند ۰آوازه دانش‌و معلومات وسیع توتف درتمام شعبات پخش شدو همه بوی احترام میکردند ۰اودر حالیکه بحیث یك مامور ساده شامل کار شد سه‌ماه بعدمفتش عمومی شده بود۰ پیشگوئی تینکه که‌گفته بودوی آدم مهمی خواهد شد بحقیقت پیوست ۰همکاری توتف باتینکه درقسمت‌حل نمودن جدول هاهم خاتمه یافت زیرا اکنون توتف آدم بزرگی شده بودو تینکه نمی توانست به‌آسانی اورا ملاقات کند ۰حتی هنگام صرف غذا که درشروع کار کنارتینکه می‌نشست اکنون‌در پهلوی آمرین بزرگ جا گرفته بود۰ پیشرفت این جوان فهمیده به همین جا خاتمه نیافت بلکه بازهم درحال صعود بطرف مقامات بالاتر دیده میشد. یك روز که‌آمر نزد رئیس عمومی رفته بود۰اتفاقاً پسر رئیس عمومی هم نزد پدر خود آمده‌بود وعقب میز مجلس که روپوش سبز رنگی داشت نشسته مشغول حل‌نمودن جدول‌کلمات متقاطع تازه ترین شماره روزنامه ـویزور) بود۰

این پسر ناگهان باطرح سوالی گفتکوی آمر ورئیس عمومی راقطع نمود ۰

ـپدر ۰۰۰ هه۰۰۰ قهرمان اشعار بایرون کیست ؟بحرف (د) شروع میشود ۰

رئیس عمومی غم‌غم کنان گفت :

ـکوکو ۰۰۰ می‌بینی که‌من مصروف هستم

پسر باخونسردی گفت :

ـپس نمی فهمی ۰۰۰ خوب بگو یك‌جزیره‌در بحیره مدیترانه که‌پنج حرف داشته باشد ۰

ـاوه نیکولای خواهش میکنم ۰۰۰ مزاحم‌نشو می‌بینی که‌مصروف هستم بعد رئیس عمومی آهسته به‌آمر گفت :

ـ شما این کلمات لغتی‌رانمیدانید...باید به‌این بچه بگویم وگرنه مرا نمیگذارد ۰

ـاوه ۰۰گمان نمیکنم بدانم ولی ۰۰۰هه ۰فقط بعداز یك‌دقیقه موضوع راحل میکنم ۰۰۰۰۰۰ اواز اتاق خارج شدو بعداز دو دقیقه واپس آمد وکاغذی رابدست رئیس عمومی داد

رئیس کاغذرا خواند وآنگاه متوجه پسر خودشد :

ـنیکولای ... هه .. تو بیشتر راجع به‌جا می‌پرسیدی ۰۰۰ حالاکه‌کار خودرا تمام‌کرده‌ام برایت جوابش رامیگویم ۰

ـاز جدول کلمات متقاطع دوسه ستون را پرسیدم اول یك‌جزیره دربحیره مدیترانه، دیگر قهرمان اشعار بایرون بحرف (د)

رئیس قیافه متفکری بخود گرفته گفت :

ـ هوم ... جزیره ...: گمان میکنم‌جزیره (تاسوس) باشد پسر فریاد زد :

واه واه ... آفرین پدر

ـقهرمان اشعار بایرون بحروف (د) هه۰۰حتماً دوان ژوان است

ـاوه پدر ۰۰۰ بمب هستی ۰۰۰ درست‌است ،همین کلمات است ۰

بعداز آن کارها پیشرفت سریعتر نمود، بعداز رفتن نیکولای آمربه‌رئیس عمومی‌توضیح دادکه این جواب هاراازچه کسی دریافت نموده است ودرمورد توتف حرف های زیادی گفت واورا بحیث نمونه عالی‌هوش ذکاوت فرهمندی واخلاق معرفی نمود واورا مناسب احرازکرسی سکرتریت ریاست عمومی دانست ۰دوروزبعد وقتی توتف بخانه آمد و فرمان مقرری بحیث مشاور وسکرتر رئیس عمومی رادرجیب داشت گوشك تیلفون رابرداشت وشماره‌ای رادایل نمود ازآنطرف سیم صدائی راشنید:

ـبفرمائید متصدی صفحه مسابقات روز نامه ویزور

ـآقای بونف خیلی متاسف هستم برایتان اطلاع میدهم که‌بعداز ین‌نمیتوانم بصورت دوامدار باشما همکاری نمایم ،بعلت گرفتاری زیاد وکارهای اداری شاید نتوانم برای هر شماره تان جدول کلمات متقاطع طرح کنم۰

توتف ازمدت زیادی باروزنامه ویزور همکاری داشت ،اوبرای صفحه‌مسابقات روز نامه‌مذکور بااستفاده از دایرةالمعارف وفرهنگ های مختلف وکتب معلومات عمومی جدول کلمات متقاطع طرح می‌نمود ۰

پایان

د۱۹ مخ پاتې

لالهانده‌مینه

همه یو سحر آمیزه او فوق‌العاده ذوق‌درلود. داسې ژوند یې خوښ وو لکه زماکمیس . خلیدونکې اوبې عیبه. دسبا فکرېې نه‌کاوه ..»

– «خوتا دسبا فکر کاوه .»

– «هوله همدې کبله مې خپل دوکـــان پرانیست ، ددې دپاره چه‌موږ دواړه یو څه مصؤنیت ولرو . آیا دتعجب وړنه ده‌چه همدې کار «لارۍ» له‌ما څخه لیرې کړ ؟ زه فکرکوم کله‌چه زما دوکان له مالې نظره بر یالـې نتیجه ورکړه زه ددې سبب شوم‌چه هغه‌خپله ناکامي احساس کړي .

• • •

ستیفن خپل یولاس دهغې په لاس باندې کېښېنود اوپه نرمې سره‌یې وویل «تانیا ،زه تاسف کوم هغه یو لیونی ووچه ته‌یې یوازې پریښودلې .»

دهغې شنې سترګې دسیندپه شان‌روښانه اودیوه سـاړه نسیم غوندې له مهربانې څخـه ډکې وې . ستیفن ته‌یې وویل : یوشې شته چه‌زه باید تاته ووایم زه‌چه کـله کورته ورسیږم ډیر ژر له «ماکس» سره واده کوم. په‌اول سرکې وږ درې تنه‌وو . ماکس ، لارې او زه .

موږ درې واړه یوځای سره لوی شوي‌یو ماکس دلارې غوندې نه‌دی . هغه پوهیږي‌چه کومې خواته ځي .

ستیفن ورو وویل :«یوه شرم ،خو ستا په‌ګوتو حلقه نه لیدل کیږي .»

– تر آوسه نه ماهغه وخت ماکس‌تـه «هو» وویل چه هغه زه په موټرکې ترهوایی میدان پورې راوستلم . هـغه دلارې ترټک وروسته مهربانه اودښې رویې خاوند وو .»

ستیفن دشامپاین دبوتل سر خلاص کړ او هغه‌یې په‌ګیلا سونوکې توی‌کړ . هغه‌دیوې وچې مسکا به ترڅ‌کې‌یوګیلاس تانیاته وړاندې کړ اوبل‌یې پخپله واخیست .

– «دنه تانیا پیکـفورد – ستا دپه زړه پورې دوستې په خاطر . ته اوزه ددوو هفتو دپاره لمر ، سیند میلې ،بار سلوناته تګ. په‌زړه پورې نه‌دی ؟» هغې یوه ژوره ساه وکښله اوویې ویل :«هو، ډیرښه دی»

کله‌چه هغوی په لمر وړانګو ته پراته وو ستیفن تانیاته وویل :«راشه او دماښام‌دډوډی دپاره زماسره ولاړه شه ، ستا دخوړو څخه ددکې توکری په خاطر ډیر متشکریم »

هغه خپل مخ دتانیا خواته وګر زاوه او دهغې په‌خیره کې‌یې دتردید نښې ولیدلې.» بیایې خپلو خبروته داسې ورکړ : ترهغه‌ځایه چه‌زما په‌یاد دی زما دکور په دیوالونو باندې داسې نښته چه‌څوك تخریش کړي .»

هغې وخندل او ویې ویل : «اوه ،ستیفن ته‌ډیر ښه سړی یې .»

ستیفن په وچه لهجه ځـواب ورکـړ : «تشکر، زه فکر نه‌کوم‌چه‌د «ښه سړی»اصطلاح مې ډیره خوښه وي .» اوزه‌به ډیره خوشحاله شم‌چه دماښام ډوډی ته ستا سره ولاړه شم: حتی که دا ډوډی توله ددبلیو څخه‌وی .»

هغه په درند لهجه وویل :«داسې نه‌ده. زه پخلی کولای شم ،زه ددې خبرې داثبات دپاره دلایل تاته نشم وړاندې کولای خونن شپه به‌ته پخپله قضاوت وکړی »

ستیفن دجهیل په غاړه په یوه کوچنی برنده باندې ډوډی تیاره‌کړه او د ډوډی تـر خوړلو وروسته هغې ته خیر شو او ورتـه ویې‌ویل :«تاوویل چه تاسې درې واړه‌یوځای سره لوی شوي یاست پدې برخه‌کې څه‌نورې خبرې هم راته وکړه .» هغې په داسې حال کې‌چه په چوکې کې‌یې د شاوخوا تکیه‌کوله اوپه تیرو کلونو کې‌یې خپلې خاطرې ورپه یادولې ، ستیفن ته دخپل تیر ژوندانه پـه ترسیم کولو پیل وکړ .

هغوی درې تنه وو اود تانیا پلار دلوی واټ په کونج‌یې دعمومې اجناسو یو دوکان درلود . «لارۍ» دخپلې یوې زړې عمه سره ژوند کاوه چه دآرت په پوهنځي کې دهغه دتحصیل په شپږم کال مړه شوه . د«ماکس» مور دمحلې روغتون پرستاره‌وه اوهغه هیڅکله دخپل پلار په باب څه‌نه‌ویل .

«ماکس» له هـره نظـره د «لارۍ» سره توپیر درلود . هغه ښه اندام او ټیټ آواز درلود دپولادو په شان کلك وو خوله هغو کسانو سره چه‌ده پیژندل اوباوریې ورباندې درلود ، ډیر نرم وو تانیا ستیفن ته‌څرګنده کړه چه ماکس بې‌رحم نه وو خو پدې یـې پوره باور درلود چه امنیت دژوند له خورا مهمو شیانو څخه‌دی . هغه په‌اتلس کلنې کې‌ځان ته یو مستعمل موټر رانیواو تولەورځ یې‌کارکاوه . اوس په شپږ ویشت کلنې‌کې یوه پراختیا موندونکې تصدی لري .

دهغه نوم په هغو وسایلو باندې پـه رنګ لیکل شوی‌دی‌چه د کورونو په‌منځ‌کـې کوچنی واټونه اواروي خودکورونو دکانکریټ اوسیښې دنوو بلاکونو دنصبولو دپاره چمتو شي .

هغې خپلو خبرو تـه داسې دوام ورکړ: «ماکس تل فکرکاوه چه «لارۍ» یو آحمق‌سړی دی او «لارۍ» بیا وویل چه ماکس زماغوندې یوازې له برې او امنیت سره مینه‌لري .کله چه وږ په ښوونځی‌کې وو ، دوی دواړه سره ملګری وو خو و روسته یـې بیا مـلګري وشلیده .»

ستیفن دتانیا خواته ورکوږ شو او خپل لاس یې دهغې پراوږه کېښېنود ، هغه ډیره بې‌حرکته ناسته وه ستیفن ورته وویل: «اوته په ماکس باندې مینه نه‌یې ، هغه دیوه بل ډول امنیت نمایندګي کوي ، احساساتي امنیت .»

هغې پداسې حال‌کې چه‌په څیره‌کې یې‌د دفاع نښې لیدل کیدې ستیفن‌ته وویل :«نه، دارښتیا نه‌ده ، زه‌له هغه سره‌یو په زړه‌پورې اوبې‌توقعه رابطه غواړم . » (نوربیا)

بقیه صفحه ٦

حضرت‌اسود راعی (رض)

حقیقتا یاران راستین حضرت محمد (ص) باین مفکوره عقیده داشتند که زند گا نـی دنیا زود گذر بوده بهترین عزت‌برای‌مسلمان داشتن عقیده وکسب رضای خدا ورسولشـــ میباشد ویقین داشتند که طلب شهادت‌قیمت جهاد بوده وشهادت زینت عبادت است زیرا شهادت قربان روح وکرم نفس است وآن دوبالای تمامی اهداف برتری داشته در ین مورد قدماء همنظر میباشند ورسیدن با ین مرتبه محتاج تربیه دینی وفطری اساسـی میباشد که شخص به بصیرتش فا یق آمده خودرا دریقین قربان‌کند.

یاران وپیروان حضرت محمد (ص) درصدر اسلام که‌از مدرسهٔ آن فارغ می‌شدند وراه و روش آنرا تعقیب می‌نمودند ودر گفتـــار و کردار وعبا دت شان ازمشی آنحضرت(ص) مستقیما طرفداری داشتند همان بودکه‌درمقابل خدا ودین‌ازتمامی نعمت ها ولذایذ صرف‌نظر می‌کردند.

درین‌مورد پیغمبر (ص) فرموده‌اند: شهید راه‌خدا بانخستین طوایف ویا باریختن‌او لین قطرهٔ خونش بخشیده‌میشود.

البته مطالعهٔ سرگذشت آنحضرت(ص) و یاران فداکارش بمامی آموزد که‌درزند گانی آنها اسرار رموزی نهفته‌است که‌هر کـدام سرمشق برای دیگران است ومارا می‌آموزدکه اخـلاص وعقیده ماباید بخدا محکم بوده‌تعلیم میدهد که‌خطا کاری های قبل از اسلام‌بمجرد دخول اسلام محو گردیده آمرزش خدایی منوط به‌طول زمان وکثرت‌عمل‌نیست .

بقیه صفحه ٦

ارزشهای نظام‌جمهوری

وخلافت مردم بمیان آمده و ایـــن شعله در آینده درزیر غبار مخالفت ها واندایشه های تورات وحق‌های میراثی مکدر نگردد نپذیرفت کـــــه پسرش پس از وی جانشین اوشده واداره امور مرد م را در دست‌بگیرد.

هر چند مردم برو ی رضا وقبول خویش چنین پیشنهادی بحـضو ر خلیفهٔ دوم اسلام نمودند و لی از آنجائیکه اینکار از نگاه پر نسیـــپ واساس طرح شده‌ای ز مان حضرت پیامبر اسلام ، نا درست بود لـذا آن را قبول نکرد ورد نمود .

وقتی خواننده حقایق و وواقعیت های اسلامی را در دوران کاروخلافت پیامبر اسلام (ص) و همچنان درروز گار خلفای راشدین اسلام از نظـــر میگذراند وارزش‌های بشری‌وانسانی ای را که درین روز گار به صحنهٔـ عمل و تطبیق قرار داده شده بخوبی درك میکند واز طرفدیگر خصوصیت ها و خصایل و ممیزه های نظا م ها وسیستم های اداری واجتماعی جهان را چه در دنیای معاصر و چه درجهان کهن، مورد غور و مداقه قرار میدهد ودر عین زمان معیاری در میان آنهـا قایل گردیده و باساس آن نظام ها وسیستم های مروج و معمول‌انسانها را می سنجد و باز آن را منصفانه و بیطرفانه با نظا م اجتماعی و اداری اسلام مقایسه مینماید و هر یك راز نقطه نظر جا معیت و بشری بود ن واز لحاظ اینکه کدام یك توانسته و یا میتواند واقعا پاسخگوی نیازمندی های مبرم و حیاتی بنی نوع انسان باشد و تا کدا م اندازه موفق اسـت راه سعادت و پیروزی حقیقی راجلو آدمیان بگشاید ، بلا درنگ بایـــن فیصله و نتیجه میرسد که بهتریـن نظا م ها در جهان ما همین نـظا م جمهوری است که مطابق با رو حیه اساسی و اصلی دین اسلام بوده و نظام جمهوری‌درواقعیت امر،پدیده‌ای است از ارزش های انسانی‌وحیاتی آئین اسلام و طرز اداره و سیستم کاری است‌که بحق میتوان آن‌راناشی از اساسات عالی و بشری اسلام و اندیشه های جهانبینانهٔ آن وانمود کرد .

بقیه درص٦١
ژوندون

بقیه صفحه ۲۱

علیشیر نوائی

منتظر برق آسا بر یادگار بیك هجوم‌ببریم، ۰۰۰آیا بعقیده شما بهد ف خوا هیم‌رسید؟

شاعر به پاسخ‌دادن عجله نکرد چشمان خودرا به‌نحو معنی داری نیمه بسته نمود وناگهان تبسمی حاکی از تصورات دقیق‌بر چهره اش پدیدار شد ۰سپس با هنگی‌خیلی جدی گفت:

ـبهتر بود این‌اندیشه رابمـــــن نمی گفتید !

حسین بایقرا چنین پنداشت که (شاید در اندیشه بخطا رفته باشم) و شتابزده پرسید:

ـعجبا ۰۰ چرا ؟

نوایی نتوانست جلو خنده خودرابگیرد:

ـنخیر، باید این فکر را بمثابه یك‌راز، پنهان نگهداشت ، پنهان ۰۰

حسین بایقرا نیز خند ید، اماسرخودرا تکانداده آمیخته با اعترا ض گفت:

ـماکه چاره ای جز کینگا ش با ارباب جنگ نداریم؟

ـطبعا ،بدو ن مشوره آنها نباید کـــار صور ت گیرد،

امایك مو ضو ع رادر نظر باید داشت آنانیکه از سپا هیان شما راه گریز درپیش میگیرند ، میتوانند این تصمیم رابا طـلاع دشمن برسانند ۰ در آنو قت هم میرزاد ـ یادگار وهم امراء اوبیك های وی ازخـواب غفلت بیدار خواهند شد۰ نباید درین راه‌به همت و شهها مت شما، ذره ای‌فتور راه‌یابد امااتمام تدابیر رانهان باید داشت (میرخور) درهرات است ۰

اوبرای تحقیق بخشید ن به این امرروز مشخصی را برای مامعین سازد بعدادر موقع لازم ارباب جنگ را ازین راز مطلع خواهید ساخت۰

ـدر مورد ملا حظات‌شما ذره ای هم‌تردید نداریم ۰حالاروشن شد که جنا ب شمادرین خصو ص باما هم عقیده اید ۰۰؟ـ حسیـــن بایقرا بسوی نوایی چشم دو خت ۰

ـکمینه تاجایی که توان دارد ، در راه پیروزی شما صر ف مساعی و جد یـــت خواهدکرد ۰ خداوند به مملکت ومردم مـا، فراغت وآرامش نصیب کناد !

ـآمین !بایقرا دست براو کشید ۰

برای عملی سا ختن این نقشه ، مدتی طور مخفی آمادگی گر فته‌شد بعدا در یـك فرصت غیر منتظر از (میمنه) بطر ف دریای (مرغاب) حرکت صورت گرفت. حسین‌بایقرا درموضعی‌بنام (تاغکون) جلسه بز رگی کـه فروشکوه پیشین اورابخا طر می آوردتشکیل دادوبعد از آنکه بیك های خودرا موردلطف ونوازش قرار داد ،تصمیم خود رادر میان گذاشت بر خی ازحاضرین درسکو ت فرو رفته، جرات نکردند اندیشه ای قاطع درین زمینه ابراز دارند۰ اما بر خی دیگر ازبیك های‌کار آگاه سخنور ،با خرسندی دا خـل مذاکره شدند۰ پس از ختم ضیا فت،حسین بایقرا درپیشا پیش جوانان خویش‌بسرعتی بی‌سابقه ابراه افتاد درمو ضعی‌بنام (پیـل پایان) عده ای ازرجال معتبر چون محمـــد ارلات،امیر سا ربا نو دیگرا نبوی پیوستند بایقرا۸۵۰ تن ازسپا هیان سوار خود ازآب مرغاب گذشته ،شبا نگاه نیز راه پیمود۰بـر اساس توصیف مبالغه آ میز مور خ‌مشهور آنوقت هریك از رسو اران وی(بنو ك‌نیزه های خارا شگاف، پرده از روی ما بر مـی داشتند) بنز دیك صبح در منزلی فرود آمده پس ازکمی استرا حت دوباره براه افتادنـد وازطریـق (بابـه خاکی) بحـرکـت ادامه دادند۰

درآن مو ضع درو یش مشهور ی بنـام بابه خاکی میان مغازه کو هی حیات‌بسرمی برد۰ وی از جوانی برجهان (دامن فشانده) امادور از انسانها درمسکن سنگی پرتوحش خودبه‌عبادت اشتغا ل داشت ۰حسین بایقرا که به(ولایت) وی معتقد بود، لازم دیددر چنین روز دشواری ازوی دعا بگیرد منتهـا تشویش داشت که مبادا باباخا کی برطبق عادت ازپذیر فتن اوآباورزد امااین تشویش کاملابیمورد ازآب در آمد درویشی که‌پیوسته ازانسانـها میترسید باشنیدن خـبر وصول سلطان در عرض راه عام به استقبال وی شتافت۰

حسین بایقرا از اسپ فرود آمده تعظیم کردو دست لاغر بی گوشت و استخوانی‌او رابو سید۰ درویش اورابه مسکن خوددعوت کرد۰ بااینکه حسین بایقرا برای هر دقیقـه ارزش بی پایانی قا یل‌بود جرات‌نکردخواهش درویش را رد نماید وباممنونیت دعوتش را پذیرفت۰

بابا خاکی که در حدود ۸۰ سال عمـــر داشت بااندام باریك لاغر وشانه های بـــر جسته خویش ، هنوز خیلی استوار بنظـــر میرسید۰

او از میان صخره سنگها ی غول پیکر، چون‌آ هوی کو هی سبکسیر ۰۰ بسر عتی تعجب آور، جانب مغاره بلند ر هنمـــو ن شد۰

برفراز مغازه صخره سنگها ی مهیبی‌که میگفتی آلان فرو خواهد افتاد۰ معلق بودند۰ داخل مغاره صحنی به گنجایش ۳ـ۴ بـــود یاداشت و دیوار های سنگی ناهموارسیاه‌و بوبناك بودند ۰ برسطح غار یکسال کوچك کهنه بایك پوست کم موی گوساله روی‌کاه هموار شده بود ولحافی که‌پنبه‌اش‌فروریخته بوددرگوشه دیگر بنظر میرسید ۰

آنجا هوایی بغایت لطیف داشت ۰بـاد ملایمی که باآهنگ موزون میوزید در بـین مغاره داخل شده، باتار های سبیل‌حاضرین بازی میکرد وآب زلالی را که چون نوادی باریك سیمین از میان صخره ها برون می جهید بسا ندانه های ریز مروارید هرطرف می پراکند۰ سنگلا خها دستهای خشك ولـم یزرع ،تپه هایی که‌با امواج پست وبلنــد امتداد داشتند ومناظری که از ورای‌پـــرده رقیق زنگا رگو ن مید ر خشیدند ،چشمهارا بی اختیار بسوی خود میکشاندند وذو عـی عواطف و احساسا ت مبهم رویا انگیزرادر دلها بر می انگیختند۰

سلطان کوشید تا قلب درویش رابدست آورد۰ بر فرش پوستی کم موی او‌باکمال اخلاص وارادت نشست ۰

حسین بایقرا که تمام مو جودیت خودرا به‌تخت وتاج وابسته میدانست وتلاش‌داشت تامنبع تمام نعمت ها ولذایذ بی شمارجهان راتاپایان عمردر اختیار داشته باشد درآن لحظه مو قفی درویشانه گر فت ودرباره‌پاك کیزه گی‌حیات‌فقیرانه دورراز غوغای مردم در باره اینکه غمو سودای جها نازیك منبـــع شیطانی سر چشمه میگیرد ونیز درباره ـ زیبایی شاعرانه این مغاره صحبت کرد۰چون درویش پیر احساس نمود که سلطان‌نسبت بوی صمیمانه اخلاص ورزیده است ۰۰بسخن آغاز کرد وبا حرکا ت آزادوبی پروای‌خویش مطالبی ابراز داشت که معلوم‌نبود برای‌کـه میگوید۰

سپس یك پار چه کرباس چر کین‌را پیشرو ی سلطان گسترده یك قرص نان ـ نسبتا سخت را شکستا ند وروی آن‌گذاشت، واز ظرف کدوی ابلق گونه ماستی غلیـــظ برکاسه ای سفا لین ریخته بوی تقدیم‌کرد۰ وبه دو ملازم خاص سلطا ن که ازعقب‌وی آمده‌و در مد خل‌مغاره برسنگی تکیه داشتند نیز باپیاله سفالین ماست داد۰ در حالیکـه حسین بایقرا کاسه ماست را بر داشتـــــه بکمال اشتها ونهایت ارادت مینو شید ، ـ درویش برمد خل غار نشسته باخودز مزمه کرد:

(ناتمام)

بقیه صفحه ۳۹

تلاش برای دست یافتن

از ۱۲ تا ۲۰۰ میل بحری

گروه سوم کشور ها اد عا مـــی کنند که با ید بین سا حه مر ز ی بحری وساحه استفاده ازحق ما هی گیری فرق دا شته با شد .

به صورت مثال کا نادا سا حـــه حا کمیت خود را تا دواز ده میـــل بحری گسترش داده در حا لیکـــه سا حهٔ اقتصادی را تا ۲۰۰ میـــل بحری پیرو نیز رقم سه میل را از لحا! حاکمیت بر سمیت شنا ختـه است و لی از لحاظ اقتصادی هما ن ۲۰۰ میل . ضرورت به تذ کـــر نیست که هم آهنگی بین سا حـهٔ سیاسی و اقتصادی ضرورت بیـــك همکاری بین‌المللی دارد .

صنعت ماهیگیری حیاتی است

امروز اکثرا عقیده دارند که آ ن سا حه محدود سه میل بکلـــــی کهنه شده است او لین کنفرا نس حقوق بحر در سال ۱۹۵۸ تعر یـف جا معی در این مورد داده است که در سا حهٔ سر حد ی یك تما یـــل فوق العاده به خا طر حفظ منا بـــع زنده در تمام سا حه می با شد .حتی بعد ازآن خبر نگاران بحری تجدیـد نظر نمودند کـه چنـین تعـر یفـی نقش حیاتی را برای کشور های در حال رشد دارد. برای مثال اقتصاد حکومت افریقای عربی گانا، فقطمی تواند باساحه سه صد میل به‌صورت کامل توسط صنایع ماهیگیری بـــر آورده شود. هر روز بیش از پیش ازمقدار کشور هاییکه اقتصاد آنان به‌شکار ماهی وابستگی دارد کاسته خواهد شد اگر بهره برداری خشن کنونی ادامه یابد .

حسب پیشنهاد های متعددی‌برای تعریفنمودن آب‌های ملی‌در کنفرانس کارا کاس طرح شده است وطـرح های حکومات امریکای لاتین از همه بیشتر رادیکال اند. آنها می گویند که ساحه ای ملی تادو صد میل به شمول حقی پرواز، استفاده از بستر آب حـار و غیـره گستـر س داده شود. هالند طرح نوی مبنی بـــر کنترول بین المللی (نقطه یی اقتصادی) فرا سوی آب های ملی نموده است. آلمان غرب‌توسعه دوازده‌میل راپذیرفته است .

ولی اینکشور در برابر تو سعه

بقیه در صفحه ۵۸

بقیه صفحه ۵۷

تلاش برای دست یافتن

دوصد میل از لحاظ استفاده اقتصادی وماهیگری تابه رسیدن به یک موافقه همگانی وبین المللی، مخالفت خواهد کرد .

اینکشور هم چنان درنظر دارد که کنفرانس به این مشکل که باتوسعه آب‌های ملی تادوازده میل، تنگه‌های جدید بمیان می آید، رسیدگی کند.

به غقیده آلمان اینگونه معبرهای آبی باید توسطه قدرت بین‌المللی تضمین شود .

یک غهده از اقتصاد دانان وتکنشن ها،نبرد کشور هارا برای استفاده از منابع بحری با اندیشه وتا سرمی نگرند .

آنان می دانند که تلاش فراوان مالی وتکنیکی برای بهره بر داری ازبستر ابحار وتهیه مواد خام، ضرورت است. وهم چنان ساحه جدیدی از حاصلدهی برای بشربمیان می آید. انگلستان نمونه ای راتهیه کرده است .اینکشور تاسال ۱۹۸۰ درحدود یکصدو پنجاه تا یک صدوشصت میلیون تن نفت در سال‌بدست خواهد آورد .

این ساحل تمام ضروریات نفتی آن کشور می باشد. ولی کمبودنیزوی کار ماهر، فولاد ومواد ضروری برای استخراج نفت جلو طرح های لندن را خواهد گرفت .

بر علاوه ،کمبود حمل های برمه کاری دربحر نیزیک مشکل را می سازد، زیرا بهره برداری در تمام ساحه های بحری اروپا ورقابت بین کشور های حوزه درد سر دیگر را می‌سازد. هم اکنون زیاده از دوصد میل برمه کاری که مشغول بهره برداری است خیلی ناکافی می باشد.

هم اکنون یک منبع عظیم نفتی‌در بحیره ی‌شمال نزدیک جزیره‌شتلند کشف شده است .

۱۶۴۰۰ منت عمق

در امریکا سعی بعمل می آید تا برای دست یافتن به‌نفت درآخرترین نقاط بحر کاوس صورت بگیرد .

کوشش برایش برمه کاری در عمق شانزده اعشاریه چهار صد فتی‌بحر باپیروزی همراه بود. گفته می شود که محل برمه کاری نو تا عمق دوهزارو پنج صدتا سه هزارو وسه صد فتی خواهد رسید. امواج به ارتفاع هشتاد فت وبادبه سر عت نود میل فی ساغت نمی تواندچنین گمان دراین کنفرانس این امید بوبرساند. برای اکثر شرکت کننده جزایر ساخت دست انسان راصدمه جود آمد که ممکن تپو تلاش ها ببرای دست یافتن به منابع زیر

آبی بهتر از مصارف برای دست یا بی‌به فضا خواهد بود بانهم، آنهااز خود خواهند پرسید که کی‌می تواند بار سنگین این مصارف را بدو ش بکشد؟ جواب ساده به این سوال این خواهد بود که : فقط همکاری بین المللی و تقسیم کار بین‌المللی.

بقیه صفحه ۴۲

از شوهرم شکایت

شود همینکه نان را صرف کرد فورا بخواب رفته و صبح بد و ن اینکه فکر کند آیا به پو لضرو رت دارم یا نه بدون خدا حا فظی خانه‌را **(ح.و از پروان مینه)** ترک می گوید

• • •

ـ به مجردی که بخا نه می ر سد حق وناحق با من و دعوی را شر وع نموده و بعدا هر کدام از اطفا لش راکه به پیش رو یش بر سد لت و کوب می کند.

ـ اکثراً با ر فقا به شما می رود وبعد از ختم فلم آنها را بخا نه می آورد و فر ما یش غذا می دهد .

ـ هر قدر از و خوا هش می‌کنم که از خرج های بیجا دست بگیرد سخنم را کم می شنود.

(ف از جمال مینه)

بقیه صفحه ۵۲

پهلوان قهرمان

رسانم :

ـ چه کسانی بیش از همه در زندگی به شما کمک کردند ؟

البته پدر و مادرم و بعد تیکا تادزه استادم .

ـنارسائی های شما درچیست ؟

ـ گاه، صراحت افراطی و تا اندازه ای گرایش به خود نمائی .

ـبنظر شما یک ورزشکار مشهور در زندگی چگونه باید باشد ؟

ـ یک ورزشکار مشهور باید یک انسان خوب و باراداه باشد. اوموظف است اینطور باشد، زیرا که اورا همه می شناسد و او همیشه‌در مقابل مردم است . هرحرکت او، هز« نقض مقرراتی» ازطرف او بهیچوجه امر شخصی او نیست ، بلکه تاثیر زیان بخشی در وهله اول در نسل جوان خواهد داشت .

ـ شما چه آرزو هائی دارید ؟

ـ می خواهم دریك‌المپیك دیگرهم برنده شوم وضمنا حقوقدان خو بی هم باشم .

بقیه صفحه ۳۷

وحیده رحمن

پیرو مذهب خودباشند و لی خواهر بزرگ و حیده اینمو ضوع را جد ی میگیرد بحدیکه بالاخره کمل جیت‌نزد قاضی رسما تغیر مذهب داده ونامش را محمد سلیم میگذارد وسپس‌برطبق رسوم اسلامی نکاح هردو منعقد می شود و مهریه اورایك لك وپنجاه هزار کلدار درج نکاح نامه میکنند و بعدا محفل نهایت مختصر بخاطراین از دواج در هوتل تاج محل‌برگزاری میشود و باینطریق یکعده دوستا ن وحیده در از دواج شرکت میکنند که بقول ناظران این از دواج‌به‌آن پیمانه که شکوهمند و پر طنطنه تصور میشد متاسفانه نبود .

افواهات میرساند که سن و سا ل کمل جیت بقدرکافی بیشتر از وحیده است که به هیچ وجه یك زوج‌مناسب تلقی نمیشوند واز اینکه وحیده‌رحمان این از دواج را قسما طوری‌خصوصی وبی سرو صدا انجا م داده وفیصله نموده که بعد از از دواج عازم کانا دا شود یك اصل مهم در این تجاویز سراغ میشود و آن اینکه او آرزو نداشت که این از دواج او هم به سرنوشت نا مزدی سال گذ شته گرفتار شود .

او میخواهد بکا نا دا برود محض بخاطر اینکه دیگر حرف های نیشدار وکنایات متواتر دیگران رانشنود .

چگونگی از دواج وحیده :

وحیده ر حمان پس از اینکه با کمل جیت در مقارنه یك مفا همه مثبت و بانتیجه، خودرا واقع‌می‌بیند با هم فیصله میکنند که باید راز از پرده بیرون نشود و بجز از دوستان نزدیك فا میلی شان کسی را درمحفل دعوت ننمایند باین تر تیب مراسم نا مزدی شان بصورت‌کاملا تری‌انجا م می پزیرد و بعدا از دواج آنان‌بتاریخ ۲٦ جولائی طی یك محفل مختصر بپایان میرسد که نامه نگاران این موضوع رابعد از دوماه ونیم آگا هی میابند و چون دیگر چاره برای کتمان این جریان میسر نمی بینند بناء چگونگی را باختیار نامه نگاران میگذارند .

تازه ترین اطلاع میرساندکه‌وحیده با شو هرش آمادگی برای مسافرت داشته و عنقریب بکا نا دا پرواز خواهند کرد .

فولکلور

شماره اول‌سال دوم‌مجله فولکلور نشریه‌دوماهه آمریت فلکلور وادب وزارت اطلاعات وکلتور به‌مسئولیت ابناغلی نثاراحمد بهین‌مدیرجوان آن‌مجله ،طبع وبه‌اداره‌مجله‌ژوندون گسیل‌شد. مجله فلکلور که‌از بدوعمرنشراتی اش همیشه منبع فیض وپخش ادب وکلتور کشور است بانشر مضامین سود مندش پایدار فرهنگ اصیل کشور ما میباشد .

مطالب این‌شماره که نمودار ذوق وپشت‌کار مدیر وهمکارانش میبا شد. باز هم بشکل خوبتر مورد استفاده علاقمندانش قرارگرفت.

مادر حالیکه خدمات واقعی این مجله رااز نگاه پیوند های عمیق‌اطلاعاتی وکلتوری درخور ستایش میدانیم مو فقیت هرچه بیشتر مدیر وهمکاران ار جمندش را از خداونداستدعا داریم .

(اداره مجلهٔ ژوندون)

سری لاک اکنون غذای
فوری برای اطفال
سری لاک جدید باترکیب شیر قیماقدار
وشکر به پختن ضرورت ندارد. آنرا صرف
همرای آب مخلوط نمائید.
بلی! سری لاک جدید باترکیب شیر
وشکر عجب غذای فوری برای اطفال است
درهر کجا و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نمائید غذای طفل در یک
لحظه آماده میشود. ویتامین هائیکه دران ترکیب شده سری لاک را خیلی
مغذی-مولد انرجی وقوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانهای
طفل غذای مطلوب است.
برعلاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.
Nestlé
Cérélac
Cérélac®
NESTLE
نستلی معروف ترین ومعتبر ترین اسم در ساخت تغذیه طفل.

ازصالح محمد (افضل پیروز)

سرود جمهوری

ز جمهوری سرود ی خوبتر نیست — کلام گر م افضل بی اثر نیست

فغان وناله کردم صد هـــزارا ن — مراتاب سخن گفتـــن دگر نیست

درآن رسم کهن تاب و تو ان و فت — دگر شمع و جود م راشرر نیســت

چو بتوانی دلم را شاد گـــر دا ن — دل آزاری تراهر گز هنر نیســت

تپد درسینه دل از شو ق بسیار — که جمهوری ز ملت بیخبر نیســت

سرو دش دوح باشدمـربــدن را

به این‌نظم‌صفا کس راضررنیست

نوشته (راضب)

درعالم رؤیا

شبی پرسید م ازدنیازراه رسم‌سکا نش — چرا اینقدر باشدبیمرو ت اهل دورا نش

بپاسخ گفت کی غافل نگر در عالم‌هستی — که‌سازم شرح اکنون‌شمه‌ازاین واز آنش

جهان ازنیک بدمملوست‌اماجای‌بحث‌اینجاست — به‌نیکان نیک بایدبدونفرت از لیمانش

سزاوار ست آن‌کو‌-آدمیت‌را سزاوارست — نه آن انسان که‌خو ن‌عالمی باشدگریبانش

نه‌آن انسان‌که محض ازنام‌انسانست‌ترکیبش — همان انسان‌که انسان تربیت‌یابدبدامانش

سزاوارمقام آ د میت باشد ا نها یـــی — که‌جزنیکی نبیند هیچکس آزارونقصانش

بیا (راضب) بد ست آوردل افسرده افگــا ر

که‌نبود زین عمل شایسته‌تر درعهد دورا نشـــ

رویای عید

قله ها بلند آسما ن پر ستار ه
سایه هانیم رنگ آفتاب دورافتاده
من درخمشی غمها چسان میسو زم
تو باغیر آ غوش ناز هوس گشاده

* * *

قصه هایم‌را یك بیك میگفتـــی
لبان گرم خود بسنگ می سفتـــی
صحرا خموش ماه نیم غر و ب
چراغ اشك حسر تم افرو ختـــی

* * *

توساقی عیش بز م دیـگـر ا ن
من در فراق سو زم از جـد ایی
تو دور از من من‌ندانم کجا یی
باوعده درو غت ترسم که نیا یی
به مستی شب عید عا شقـــان
بپایکو ب د خت هو سـر ا ن

* * *

به‌چشم پر فرو غ د ختـــر ا ن
به سا قـ ی‌تنـــا ز عر یــا ن
مها ر عمر م ر ا ر ها کن
موج سا حـــل در یا کـــن
که فرز ند بخت مرا بیا بـــی
دست تمنا سو ی مـــا کن
نقاش تصویر رویا شب عیدم را
هیو لای فـرداکـش

* * *

بماند ز من ا ین نشـــا نه
نقش پرده چشم خدا کش
(همنورد)

عشق‌سیه

تاکه چشمان غزالی ترا مـــن دید م
دیده ازدیـدن خوبان جهان پـوشیدم
گربه آغوش من غمـزده بودی ا مشب
تاسحر قامت زیبای تو می بوسیدم
یادداری که‌به هنگام وداع دلبر مـــن
ناله سر داده ز دوری تو می نالیدم
کاش می‌آمدی‌ای ر هزن دل‌های حزین
تاکه من‌سربه قدمهای تو می سا ییدم
نیست درروی جهان‌همسر حسن توکسی
بی‌گل روی‌تو ماتم زده باشد عید م
گربدستم صنما ثـروت عالم می‌بـود
جمله راپیش قد مهای تو می پاشیدم
مقصد دل‌نشد حا صـــل
ز دلارام چســـو د
هر قدر دروه این‌عشق
سیـــه کو شیـــدم

خزان

فصل خزان آید وخزانه بر آرد — برگ‌زرین رنگ عاشقانه‌برآورد

باد وزان خا ك بر حدیقه بر یزد — آب روان گرد از میانه بر آ رد

غارت باغست وخار برسر نیز ه — پیراهـــن لاله را نشانه بـــرارد

سرو قدت بر کندز قامت رنا — گل کشد ازین و دستوا نه‌بر آرد

رخت کشیدند بلبلان و نمانده — آنکه یکی ناله شاد مانه بر ارد

دست ندارد زمانه ازسر جــورش

آنکه ضیا دست بر زمانه‌بر آرد

« ضیاء »

بقیه صفحه ٥٦

ارزشهای نظام جمهوری . .

گفتیم نظام جمهوری پدیده ای است بشری و زاده اساس های متین وجهانی اسلام و این واقعیتی است قبول شده و غیر قابل تردید زیرا خواننده ایکه معلو ماتی در تاریخ اسلام و مخصو صا تاریخ زمان حضرت محمد (ص) و دوره های خلافت خلفای راشدین دارد بخوبی میداند که درین دوره‌ها نظام اداری و زعامت مردم طوری تنظیم وعملی میگردید که کلیه ممیزه ها وارزش های نظام جمهوری بحد اعلی اش دران چشمگیر و نمایان بود ازینرو میتوان گفت عملی ترین نظام های بشری و نظا می که با روحیه واصول انسانی دین اسلام تطابق داشته و همه خصوصیت های نظام اسلامی را دران میتوان سراغ نمود همین نظام جمهوری است که مفاهیم عالی وار زنده آن در درخشان ترین دوره های اسلامی مورد عمل و تطبیق قرار داشت و درحقیقت نظام‌شایسته مسلمانها ونظامی که احکام‌وقوانین اسلامی توسط آن بهتر و خوبتر بمنصهٔ تطبیق و اجرا در می آید جز نظام جمهوری بوده نمیتواند چه نظام جمهوری بمعنی واقعی کلمه ، نظام اداری ای است زاده و فشرده روش های عملی و تطبیقی آئین اسلام .

نظام جمهوری از آنجائیکه ازکلیه مزایا و بر تری های تضمین کننده مفهوم واقعی آدمیت وانسانیت بر خور دار بوده و کرامت بشری بطور بارز و روشن درسایهٔ آن حفظ و صیانت بگر دد ، و وقتی در ملتی پرتو درخشنده اش را پهن‌وگسترده ساخت دیگر تا مین و بر قراری مساوات واقعی و تحقق بخشیدن به اساسات و اصول عدالت اجتماعی از بزرگترین و مبرم ترین مسایل و موضوعاتی شمرده میشود که بایست قبل از هر چیز دیگر جای خود را در میان آن اجتماع بگشاید وبا لو سیله تا مین مساوات وتطبیق وگسترش عدالت اجتماعی که خواسته ای است از خواستهاوارمان های فطری و طبیعی بنی نوع بشر میسر آید و زمینه تکا مل و رشد مادی و معنوی ایشان فراهم وفراهم تر گردد .

در حالیکه مقتضای نظام جمهوری چنین است اسلام نیز قرن ها پیش از بو جود آمدن گیرو دار او ضاع اجتماعی و سیاسی امروز جهان‌تامین مساوات و تطبیق عدالت اجتماعی را به پیروانش تاکید فر مود و گفت: « یا ایها لناس انا خلقنا کم من ذکر وانثی .... و جعلنا کم ... لتعارفوان اکرمکم عندالله اتقی کم ».

این فر مان قر آنی با این بیان موجز ولی ژرف وانسانی خود بانسانها گوشزد میکندکه ای‌بنی‌نوع بشر د رهر جا و هر کناره‌و محلی که زندگی دارید و مربوط و منسوب هر قوم و نژادی که هستید ، ملتفت باید بود که شما ازیك پدر و یك‌مادر بو جود آمده اید ، هیچ چیزبجزتقوی ودرستی وراستی نمیتواند معیار وملاك اصلی و اساسی بر تری وامتیاز باشد و بجز نیکو کاری و پرهیز گاری هیچ گونه نام وعنوانی نمیتواند یکی را بر دیگر ارزشمندی وبلندی بخشد . . .

اسلام قرنها قبل ناساز گاری این طرز تفکر واین‌نحوه اندیشه را با روحیهٔ عالی و بزرگ انسانی، درك نمود و آن را نکو هش و تقبیح کرد و هشدار اکید داد که‌این طرز اندیشه و اینگونه عقایدوپندار

بقیه درصفحه ٦٢

د ٤٠ مخ پاتی

په‌جاپان کی دځوانانو

تامنیده؟ زموږ سفر دسپتمبر د١٩نیټی څخه شروع اود اکتوبر په دریمه نیټه پای‌ته‌ورسید. چه‌پدی موده کی‌درابلل شووکسانو «ځوانانو» خرځ او نور مصارف خپله دجاپان دځوانانوپه موسسی پوری اړه درلوده.

پوښتنه: ویلی شی چه ستاسو سفرڅخه هیواد ته زمونږ په‌ځوانانو څه اغیزه لری او هم لطفا وو ایاست چه افغانی ځوانانوته څه پیغام لری؟ داسی ځواب‌راکړموږدافکر کوو چه دنړی صلحه او دنړی والو ارامی یواځنی په‌نیکو ار تباطاتو او دوستانه راشه درشه کی نغښتی ده او همدا دوستانه‌دی‌زموږهیواد اوهیواد وال خصوصا ځوانان دنورو هیوادواو دهغوی دځوانانو سره ددوستی او همدردی په مزوکلکوی. موږ هم پدی سفر کی دنور هیوادو دنورو ځوانانو نیکی غوښتنی افغانی ځوانانوته‌دهغوی گرم سلامونه راوړی‌اودخپلو هیوادو داځوانانو نیکی غو ښتنی افغانی ځوانانو تهڅرگندی کړیدی ،همدا رنگه موږهم دخپلو ځوانانو په نماینده‌گی ددوی سلامونه او تمنیات دنورو دوستو هیواد وځوانانو ته دهغوی دنماینده گانو په ذریعه‌استولی دی، نوویلی شم چه داسی دوستانه سفرونه او دځوانا نو ترمنځ ارتباطات حتما گټور اوپه انسانی اجتماعی ژوند کی زیات ارزښت لری.

دپوښتنی ددوهمی برخی په ځواب کی وایم چه افغانی ځوانانو ته پیغام څه چه پیغامونه لرم ځکه مخکی مو اشاره وکړه چه دملك لوړتیا په‌خاصه توگه په‌ځوانانو اود هغوی په قوی ارادو پوری ارتباط لری‌او داچه زموږ په‌هیواد کی دنوی نظـام د لار ښو و نو سره سم ځوانانو ته په ټولو اجتماعی چارو کی بکار اوزیار زیاته زمینه مساعده شویده نوادزولرم چه موږ ټول ځوانان خپل قیمت لرونکی‌وخت خوشی تیر نکړو ، دکار او زیار په‌څخه‌کی‌شو ترڅووطن موآباد او دخپلووطنوالو په مقابل کی ایمانی او وجدانی درندی وظیفی سر ته ورسوو. لنډه داچه ځوانان باید هروقت‌زموږ دملی رهبر لارښوونی په نظر کی ولری‌اوعمل وربانڼدی وکړی .زموږ ملی لار ښود فرمایلی دی. «یوه ټولنه هغه وخت په خپلو کار ونو کی بریالی او کامیابه ده چه‌ټول مهم‌اوحیاتی کارونه ئی دوطن بادردو، احساسو او وطن پرستو ځوانانو په‌لاس اجرااوسرته ورسیږی.»

بقیه صفحه ٢٣

نقاشی‌شهرانی

امروز جسته جسته یاد کرده است. از استاد مشعل میناتو یست‌شهیر وطن، بهزاد سلجو قی ، هما یون اعتمادی ، محمد یزدکردکوهی ، اختر محمد ، مرحوم برشنا و غیره نقا شان کشور یاد آور شده‌و خدمات شانرا درراه معرفی کلتور وثقافت کشور ستود و یاد آور شد که همانطوریکه طبقه صنعتگر وهنرمند هر عصر و زمان زبان تاریخ همان عصر است ، مایه افتخار آینده‌کشور خویش نیز می باشند. آنها نه تنها در دوره حیات بلکه بعد از وفات‌نیز یگانه محرك مشاعر اخلاف گردیده و آثار شان خود ماخذ واسناد ثقه تاریخی برای نسل های بعدی میگردد .

شهرانی در اخیر ازتشویق‌ریاست پوهنتون‌کابل درراه شنا سایی‌بیشتر ارزش های هنری هنر مندان کشور یاد آور شد واز همکاری و تشویق آمریت کتابخانه پوهنتون نیز در بر گزاری نمایش آثارش خوشی اظهار کرد .

بقیه صفحه ٤١

یك نامه‌ازچندنامه

کاری و زحمت در راه اعتلا ،آبادی و سر فرازی مملکت عزیز خویش که زمانی مهد تمدن کشور های جهان بود ، دریغ ننمائیم و از تقلیدات‌بیجا و بیمورد که جز خرافات و زیا ن بیمو ر د است بپر هیز یم و وقت گرانبهای خود را بجای آنکه از هنر دیگران تقلید نما ئییم باید کار کنیم و زحمت بکشیم تاما هم بتوانیم مملکت خویش را در ردیف ملل مترقی و پیشرفته جهان قرار دهیم.)

محمد کریم (آرزو) از مدیریت عمومی تعلیم و تربیه م ، م

بقیه صفحه ٦١

ارزش های جمهوریت

ها جز یك سلسله بینش های واهی وخرافاتی و جز پذیرش های ضد کرامت انسانی و دور از حکم عقل سالم نیست و انسان نباید تابع آنگونه عقایدی گردد که باروح بشریت و فلسفهٔ های عالی وارزنده آن اصلا سازش نداشته و بجز انحطاط معنوی و پائین آوردن ماهیت ومفهوم آدمی ثمری از خود بار مغان ندهد .

روی این حقایق وواقعیت های روشن و مبرهن، دیگر هیچگونه سوالی در میان ایجابات نظام جمهوری واساسات اداری واصول عملی وتطبیقی اسلام باقی نمی ماندوچنان نتیجه بدست می آیدکه نظام جمهوری از نگاه پرنسیپ واز حیث مشتمل بودنش با هداف و مقاصد عالی بشری وانسانی واز نگاه اینکه بمنظور تعمیم عدالت اجتماعی وهمگانی وبمقصد فراهم سازی زمینه سالم وزمینه ایکه تضمین کننده و تامین کننده سعادت همه جانبه انسان ها باشد ، مساعی بخرج میدهد ، ازروح ومزایای طرز حکومت اسلامی دردوره های نخستین اسلام که آن را بنام دوره های مشعشع تاریخ اسلام ثبت کرده اند کاملا بر خور دار وبهره‌مند میباشد .

شاید نزد خواننده ایکه در تاریخ اسلام مروری کرده است این سوال عرض و جود کند که در حالیکه اسلام طرز وسیستم بخصوص اداری را بمنظور تنظیم و اداره امور و مسایل مردم بصراحت تعیین و سفارش نکرده و نام مشخصی را مطابق باصطلاحات امروزی بران وضع نکرده است پس این ادعا ها مستند بکدام سند و دلیل خواهد بود ؟

و بیجا هم نیست اگر چنین سوالی در ذهن خواننده بوجود آید ویاشك و تردیدی در مورد این مبحث او را در خود بپیچید اما وقتی به تحقیقی که درزیر تقدیم میشود توجه نماید همه حقایق مربوط در نظرش آشکارا و هویدا خواهد گردید .

تحقیق چنین است که در دین اسلام پس از نصوص و آیات قرآنی قطعی ترین مبدا و اساس ، عبارت از سنت نبوی و به عباره دیگرروش های حضرت محمد (ص) است ودرعین زمان این سنت محمدی و یا احادیث نبوی را بدو نوع می یابیم که یکی را حدیث و یا سنت قولی و دومی را سنت فعلی و عملی می نامند .

سنت قولی عبارت است ازان جمله احادیث وروش هائی که پیامبر اسلام (ص) تعمیل و اجرای آن رابا زبان دستور و ارشاد کرده است از قبیل اینکه « اینکار و یا آن عمل، نیك است و باید است ، بکنید ویا نکنید، و امثال اینها، ولی سنت وحدیث فعلی عبارت ازان نوع اعمالی میباشدکه حضرت پیا مبراسلام(ص) شخصا آن را عمل و بکار بسته باشد یعنی احادیث فعلی عبارتست از اعمال و روش های عملی وتطبیقی که خود ش در زند گی بعمل تطبیق و اجرا قرار داده است .

در دین اسلام این دو نوع حدیث (حدیث قولی و فعلی) یعنی گفته ها وکرده های حضرت پیامبر اسلام ، یکسان بحیث مبادی قطعی و اساسی شناخته و هردویکسان واجب الاطاعت بحساب میرود و هیچ فردی ازافراد مسلمان مجال آن ندارد خلاف آنچه‌یکی این دونوع حدیث ایجاب مینمایدعمل کند و یا ازان انکار ورزد زیرا درآن صورت از شمار مسلمانهای واقعی بیرون خواهد ماند .

با در نظر داشت این تحقیق کوچك میتوانیم ادعا کنیم که روح جمهوریت ومزایای نظام جمهوری از آنجائیکه در طرز اداره و مردم داری زمان درخشنده پیا مبر اسلام (ص)نمایان بوده پس در حقیقت طی اعمال و روش های عملی حضرت محمد(ص) نظام جمهوری بحیث یگانه نظام تضمین کننده سعادت انسانها برای پیروان عالم اسلام تعیین و مشخص شناخته شده است .

(باقیدارد)

بقیه صفحه ٤

لیسه امانی همیشه معیار سویه

جدیدی برای لیسه امانی اعمارگردد که با وسایل عصری مجهز باشد.

ازینرو در سال ١٣٤٧ تهداب جدید این لیسه در جای موجوده گذاشته شده در سال ١٣٥٠ تکمیل گردید .تعمیر جدید لیسه امانی که به اسلوب خاص تعلیمی و بکمك دولت دوست ما جمهوریت فدرا لی آلمان بنا یافته است که مجموع مصارف آن‌بالغ به١٥ ملیون‌مارك میگردد . عمارت جدید لیسه دارای تمام امکانات و وسایل درسی مانند کتابخانه ها ، قرائت خانه ،سالون کنفرانس و فلم میدان های سپورت تابستانی و زمستانی اتاقهای درسی واداری ولابرا توار زبان و غیره بوده که از هر حیث نیاز مندی های یك لیسه را تکافو کرده میتواند .

کتابخانه لیسه امانی شامل دوبخش بوده که بخش اول دارای٢٠٠٠ کتاب کمممد ومعاون درسی بوده مورد استفاده معلمین ومتعلمین قرار دارد .

بخش دوم دارای کتاب هایست که برعلاوه ممد درسی ،به استفاده روزانه شاگردان ودیگر علا قمندان قرار دارد.

این بخش دارای سالونی بنام‌قرائت خانه که بعضا در آن کنفرانس ها و خطابه ها صورت میگرد میباشد.

در حصه تربیت بدنی و تمر ینات سپورتی از ابتداء تاسیس تا حال توجه زیادی درین قسمت مبذو ل گردیده است تیم های سپور تی لیسه در مدت تقریبانیم قرن‌درجمله تیم های مشهور معارف کشورشامل بوده وافتخار اتیکه درین رشته‌نصیب این لیسه شده‌است شاهدبراز ندگی آن میباشد .

توجه در قسمت هنر های زیبا و صنایع مستظرفه بصورت مد اوم جریان دارد .

در حصه لسان آلمانی‌و شاگردان اسبق و فعلی لیسه ، برخی از مردم باین عقیده هستند که سویه زبان آلمانی امروزه این لیسه نسبت به سالهای قبل تغیر کرده است اما در این مورد اداره لیسه‌مدعی‌است‌که هنوزهم لسان المانی‌بصورت صحیح تدریس میگردد . اداره لیسه اضافه میکند که :

لیسه امانی همیشه معیار سویه تعلیمی خود را استوار و محکم نگهداشته موضوع لسان وابسته به علل ذیل میباشد .

طوریکه در بالا توضیح گردید در سالهائی اول افتتاح مکتب امانی تدریس زبان آلمانی از صنف او ل شروع میشد تقریبا ١٥ سال بعد این پرو گرام تغییر کرد و امروز شاگردان ازصنوف هشتم‌به آموختن لسان گماشته میشوند .

با تذکر دلایل بالا میتوان ادعا کرد که سویه شاگردان قبلی این لیسه نسبت به شا گردان فعلی فر ق داشت و دلیل دیگر ی که بر تدریس و تعلیم اهمیت دارد تودم تعداد شاگردان در یك صنف است.

سابقا شاگردان در هر صنف کم بوده و معلم میتوانست از کار صنفی کار خانگی موضوع امتحانات وتکرار دروس رسیدگی کند . در حالیکه امروز تعداد شاگردان در هر صنف تقریبا به دو چند رسیده است و این خود دلیلی است که میتوان تا اندازه بقنا عت آن عده ایکه درین قسمت انتقاد نموده اند پر داخت زیرا یك مدت کوتاه برای یاد گرفتن واستعمال یك لسان خار جی د ر ساحات اختصاصی شاید در عالم پیدا کوژیك امروزه بندرت ملاحظه شده بتواند .

امید واریم در پرتو رژیم جمهوری این کانون فرهنگی هر چه بیشتر خدمات ارزنده نموده و شاگر دان لایق وزحمت کش‌تقدیم اجتماع‌نماید تا از دانش شان در جهت پیشرفت مملکت استفاده بعمل آید.

مسؤل مدیر :
علی محمد «بریالی»
مهتمم ع.م عثمان زاده
دمسئول مدیر ددفترتیلفون:٢٦٨٤٩
دمسئول مدیردکور تیلفون: ٢١٩٦٠
سوچبورد ٢٦٨٥١
ددفتر ارتباطی تیلفو ن ١٠
دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی تیلفون ٥٩
پته: انصاری واټ
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښی ٢٤ډالر
دیوی گڼی‌بیه ١٣ افغا نی
په‌کابل کښی ٥٠٠ ا فغا نی.
ژوندون

بقیه صفحه ١٤

وشعر هاناسروده ماندند

صحنه‌ای از فلم وشعر هانا سروده‌ماندند که درصفحات شمال کشور فلم برداری شده است

ـ میکوشیم تم داستان مستند بزندگی عینی معاصر باشد و گویای لحظاتی از زندگی یك تیپ خاصه اجتماع در شرایط مخصوص بخودش واز همین حالا مطالعه برای انتخاب سوژه داستان جریان دارد .

ـ آیا شایعه از دواج شادان و سیما عثمان را تائید میکنید ؟

ـ من تائید میکنم ولی در باره مطالب دیگر بهتر است با خودشان صحبت کنید .

سیما عثمان که برای او لین دفعه در فلم « وشعر ها نا سروده ماندند» مقابل کامره فلمبرداری قرار گرفته است بجواب این پرسش که چه انگیزه ای وا دارش ساخته که عاشق شادان « بکتاش» گردد میگوید :

ـ من از همان لحظه اول که در نقش رابعه مقابل بکتاش قرار گرفتم زیر تاثیر شخصیت این شاعر بنام قرار گرفتم ، احساس درد آلود اورا فریاد در گلو خفه شده اش را وتاثرات درونی اش را با همه ذرات وجودم گرفتم و این لازمه حرفه بود که من با آن رو برو بودم شاید همین تلقی واحساس موجبی شد برای شناخت بیشتر خصو صیت های خوب شادان که حالا و برای همیشه مرد زندگی من است .

شادان نیز باتبسم گرمی که نمود رضایتش از ین انتخاب است میگوید :

ـ سیما همان دختری است که می خواستمش و اکنون در باره او یك حرف دارم ، او همه آنچه را که من می خواهم درخود جمع دارد .

دا۱۱ مخ پاتی

دمحمد علی کلای

ډالرو شخه ډیر لږوی . دعلی‌او فورمن دواړو دپاره دمخه پنځ ، پنځه ملیون ډالره تضمین شوی وو .

پداسی حال‌کی چه‌دعلی او فورمن دمسابقی تنظیم کوونکوخپل تولاسه‌کړی ډالرونه‌شمیرل پدی فکرکی ووچه علی به‌کله دفورمن سره ددوباره مسابقی او یاله جوفریزر سره ددریم ځل‌مسابقی دپاره رینګ ته‌راوګرزی.

درینګ شخه دعلی ګوښه‌کیدو په‌باب‌تولی خبری غلطی ثابتی شوی . محمدعلی شرګنده کړه :«زه‌نه غواړم تریوی مودی پوری‌له‌رینګ شخه‌ګوښه‌شم .»

« زه نهایی بیاهم مسابقه وکړم خویدی پنب حتی تر سوچ‌کولو دمخه باید ماته لس زره ډالره راکړل شی .

کلی او فورمن دسختو ګوزارونو به‌حال کښی

دولتی مطبعه